

خبري در راه است.....

# کیفیت و مراحل

# ظهور

(جلد اول)

(بررسی علمی علائم ظهور)

بقلم

سید حسین موسوی



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم کن لولیک حجة ابن الحسن  
فی هذه الساعة و فی کل ساعة  
ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا  
حتى تسکنه ارضک طوعا  
و تمتعه فیها طویلا

---

ارتباط با مولف:

ایمیل: -----hamimhoo@yahoo.com

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام على الحق الجديد

السلام على مهدي الأمم

السلام على معز الأولياء و مذل الأعداء

السلام على السيف الشاهر و القمر الزاهر و النور الباهر

السلام على شمس الظلام و بدر التمام

السلام على ربيع الأنام و نضرة الايام

السلام على المهدي الذي وعد الله عز و جل به الأمم أن...يملاً به الأرض قسطا و

عدلا

اللهم صل على حجتك في أرضك و خليفتك في بلادك

الداعي إلى سبيلك و القائم بقسطك و الفائز بأمرك

ولي المؤمنين و مبير الكافرين و مجلي الظلمة و منير الحق

زهي خجسته زماني که يار بازآيد  
به کام غمزدگان غمگسار بازآيد

به پيش خيل خيالش کشيدم ابلق چشم  
بدان اميد که: آن شهسوار بازآيد

اگر نه در خم چوگان او رود سر من  
ز سر نگويم و سر خود چه کار بازآيد

مقيم بر سر راهش نشسته ام چون گرد  
بدان هوس که بدین رهگذار بازآيد



8..... مقدمه

### فصل اول

21..... نکاتی در باره علائم ظهور

23..... اهمیت حیاتی آشنائی با علائم ظهور

24..... امکان تکرار علائم ظهور

26..... تعیین مصداق برای علائم ظهور

29..... علائم ظهور و مسئله تعیین وقت

32..... دسته بندی علائم ظهور

### فصل دوم

35..... دجال چیست و کیست؟

39..... دجال بزرگترین دشمن حضرت مهدی (عج)

43..... سمبلیک و رمزی بودن احادیث دجال

47..... رمز گشائی از احادیث مربوط به دجال

48..... تعدد دجالها

51..... سیطره دجال بر کره زمین

53..... یهود محور نیروهای دجال

61..... مغرب زمین محل استقرار نیروهای دجال

68..... پیشرفتهای تکنولوژیک در عصر دجال

71..... توصیف فساد دوره دجال از زبان امیرالمؤمنین (ع)

75..... دجال بزرگترین پدیده تاریخ بشر

77..... زمان خروج دجال

85..... مصداق دجال



### فصل سوم

- 90.....سفیانی و ماهیت آن.....
- 91 ..... سفیانی یک حرکت ضد شیعه .....
- 92.....سفیانی و غرب.....
- 95 ..... تصرف شام توسط سفیانی .....
- 96.....سفیانی و ایران.....
- 101.....سفیانی و عراق.....

### فصل چهارم

- 105.....خراسان و خراسانی.....
- 106.....نقش ایران در دوران ظهور.....
- 110.....ایران در قرآن و احادیث.....
- 112.....ایران مبدأ ظهور.....
- 116.....اختلاف ایران با غرب.....
- 119.....شکست سفیانی در ایران .....

### فصل پنجم

- 125.....خروج یمانی.....
- 135.....مقام بلند یمانی در احادیث.....

### ضمائم

- 140.....ضمیمه اول: شرایط لازم جهت فهم علائم ظهور .....
- 149.....ضمیمه دوم: بشارت ظهور در ادیان دیگر.....
- 157.....ضمیمه سوم: چگونه از منتظران واقعی باشیم.....



کتابی که پیش روی شماست نتیجه بیش از بیست سال تحقیق و بررسی عمیق احادیث ظهور می باشد، که از ظهور و علایم ظهور حضرت بقیةالله الاعظم امام العصر والزمان و خلیفةالرحمن حجة ابن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء بحث می کند، و سعی دارد به سؤالاتی از قبیل:

ظهور چیست و چگونه و چه زمانی به وقوع می پیوندد؟

علائم ظهور کدام است؟

ظهور چه کیفیتی خواهد داشت؟

آیا ظهور واقعاً نزدیک است؟

و همه ی سوال هایی که در این باره به ذهن منتظران خطور می کند، از لابلای احادیث اهلبیت(ع) پاسخ صحیح را پیدا کند، چرا که پاسخ صحیح این قبیل سوالات فقط در پیش اهلبیت(ع) می باشد و لا غیر، و هر کس در مورد مسائل ظهور بدون استناد به ثقلین و احادیث اهلبیت(ع) و با نظرات شخصی اظهار نظر کند گمراه می شود گمراه می کند.

إذا قام قائمنا اشرفت الارض بنور ربه

الظهور و ما ادريك ما الظهور؟

و به راستی چیست ظهور؟

ظهور پایان تاریخ کفر و الحاد و فساد در روی زمین است.

ظهور پایان تاریخ ظلم و ستم است.





ظهور پایان تاریخ مظلومیت فرزند آدم است.

ظهور پایان شب دیجور درد و رنج و ظلم و شکنجه‌ی انسان است.

ظهور به ثمر رسیدن نهال و درخت زندگی بشر است که با هزاران درد و رنج و

شکنجه و در طول هزاران سال به سوی ظهور رفته و رشد کرده و اینک به ثمر و به

ظهور می‌رسد!

ظهور آغاز تاریخ زندگی سالم بشر بر روی زمین است.

ظهور، شکوفایی زندگی و درخشان شدن زمین با نور پروردگارش است.

ظهور، غالب شدن دین کامل خدا بر تمام دینهای انحرافی و تحریف شده است، لیظهر

دینه علی الدین کله!

ظهور، حکیم و دانا شدن همه انسانها است حتی زنان پرده‌نشین.

ظهور پرستیده شدن خدای واحد قهار، مومن، مهیمن است بر روی زمین و در کل

زمین بدون هیچ شرکی.

و به راستی آیا همه اینها شدنی است؟ و یا خواب و خیالی بیش نیست؟ آیا روزی

بشر نجات یافته و روز و روزگار خوش خواهد دید؟

- آری روزی بشریت نجات خواهد یافت و اهریمنان شکست خورده و عقب خواهند

نشت! و دروغ و حرص و آز و ظلم و ستم پایان خواهد یافت! و آن روز زمین با نور

پروردگارش درخشان خواهد شد و اینها خواب و رویا نیست و آن روز نزدیک است

و دور نیست، ایس الصبح بقرب.

و این حقیقتی مسلم و وعده‌ای تخلف‌ناپذیر از جانب پروردگار عالم است.



این سنت تبدیل ناپذیر پروردگار عالم در کل جهان هستی است که همه پدیده‌ها بدون استثنا شامل می‌شود. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا.

این وعده تخلف ناپذیر الهی است به تمام انبیا و تمام امت‌ها در تمامی تاریخ بشر. وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. آری این وعده و میعاد خدای زمین و آسمان‌هاست.

و ان الله لا يخلف الميعاد!

این وعده خداوند است به حبیب‌اش محمد مصطفی ص در میهمانی معراج در آن مقام قاب قوسین او ادنی که بشارت داد و فرمود که منجی آخر زمان از ذریه تو خواهد بود.

این وعده پروردگار عالم است به ابراهیم خلیلش که به ذریه صالح تو برکت خواهم داد و آن‌ها زمین را به وراثت برده و از آن ظلم و ستم پاك خواهند کرد.

اینک همه جا پر از اسم اوست!

اینک همه جا پر است از سخن ظهور

و این خود از علائم ظهور است!

چرا که فرمودند: اول اسمش ظاهر شده و بر سر زبان‌ها می‌افتد آنگاه خودش ظهور می‌کند! و فرمودند:

وقت ظهور را جز خدا کس نمی‌داند! اما آن‌را علائمی است! هرگاه علائم را دیدید، بدانید که ظهور نزدیک است! هم‌چنان‌که بهار را علایمی است، مثل ملایم شدن هوا و شکوفه زدن شاخه‌ها! حتی اگر تقویم هم نداشته باشید، با دیدن علایم می‌دانید که بهار

در راه است! اما علایم کدام است؟ و چه علایمی داده‌اند؟



صدها علامت داده‌اند و هزاران حدیث و روایت در باره علائم ظهور نقل شده است! این علائم و این احادیث به قطعات يك پازل هزار قطعه می‌ماند، که ابتدا باید همه آن‌ها یکجا جمع گردد و سپس باید با دقت کنار هم چیده شود، تا آن صورت و عکس مطلوب آشکار شود! اگر همه قطعات را نداشته باشیم و یا قطعات را داشته باشیم اما چیدمانی صحیح نداشته باشیم تصویر مورد نظر آشکار نخواهد شد!

آری علائم و احادیث هم به همین شکل است! باید مجموع کامل آن‌ها را دید و دانست و سپس آن‌ها را درست در کنار هم چید و ارتباط آن‌ها را کشف کرد!

و غیر از در دست داشتن همه احادیث، و چیدمان درست آنها، و کشف ارتباط آنها باهم، باید شرایط و مقدمات فهم آن‌ها هم مهیا شود تا بتوان نتیجه لازم رسید!

نگارنده بعد از حدود بیست سال آشنایی و کار با احادیث و علائم ظهور، و فراهم بودن حداقل شرایطش، به نتایجی رسیده است که اینک در این نوشته تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

اما مسئله بسیار مهم و اساسی در رابطه با علائم این است که چنانچه از احادیث استفاده می‌شود، ظهور بر خلاف تصور عمومی، با معجزات و شگفتی‌ها که همه ببینند و بفهمند و بگویند اینک ظهور!! اتفاق نخواهد افتاد بلکه به طور طبیعی و در اثباتی حوادث و جنگ‌های گسترده‌ای که قبل از ظهور همه‌گیر خواهد شد اتفاق می‌افتد به نحوی که اکثریت به شبهه افتاده و قبول نمی‌کنند که حضرت ظهور کرده، مشابه ظهور حضرت مسیح(ع) و ظهور حضرت رسول(ص) که بصورت خیلی ساده و عادی اتفاق افتاد و اکثراً با شک و تردید و احیاناً استهزا روبرو شد! چنانچه در



باره ظهور حضرت فرمودند: خروج کخروج رسول الله(ص). و فرمودند: يظهر في شبهة. و: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِيَّةِ أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابًا وَ هُمْ يَحْسَبُونَهُ شَيْخًا كَبِيرًا

بله بلاي عظيم و عظيم البليهه اين است که عده‌اي از منتظران، با حضرت، به عنوان مدعي کذاب و دروغين وارد جنگ مي‌شوند. چرا که حضرت برخلاف تصور آنها ظهور کرده و امر جديدي آورده و شروع مي‌کند به جمع کردن تمام بدعتها! يهدم ما کان قبله! و ياتي بامر جديد! همان‌طور که يهود منتظر حضرت مسيح(ع) بودند اما وقتي که ظهور کرد با بدعتها وارد جنگ شدند، به ويژه با علماي بزرگ يهود برخورد تندي داشتند! درحالي که آنها انتظار داشتند حضرت مسيح(ع) با جلال و جبروت و همراه فرشتگان ظهور کرده و آنها را هم بلافاصله معاونين خودش اعلام کند، و قبول مشکل بود که اين جوان ۳۳ ساله ساده که با علما هم برخورد تندي دارد، همان مسيح موعودي باشد که هزاران سال منتظرش بودند.

• عن ابن أبي يعفور قال: دخلت على أبي عبد الله(ع)... فقال لي: يا ابن أبي يعفور... ان عيسى(ع) حدث قومه بحديث فلم يهتموه عنه فخرجوا عليه ... وهو قول الله عزوجل «فأمنت طائفة من بني إسرائيل وكفرت طائفة فأيدنا الذين آمنوا على عدوهم فأصبحوا ظاهرين» وإنه أول قائم يقوم منا أهل البيت يحدثكم بحديث لا تحتملونه فتخرجون عليه ... فتقاتلونه فيقاتلكم فيقتلكم... (بحار ج 52، ص 375)

يعني حضرت مسيح(ع) کلامي سنگين و غيرقابل تحمل به يهود گفت که عليه او خروج کردند و اولين قائم از ما اهلبيت(ع) هم کلام سنگين و غيرقابل تحمل با شما خواهد گفت و شما هم عليه او خروج کرده و با او خواهيد جنگيد.



اما آن کلام حضرت مسیح (ع) که برایشان سنگین آمد کدام بود؟ شاید بخشی از آن سخن سنگین این قسمت از انجیل باشد:

• «چون علما و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند، شما باید به هرچه آن‌ها می‌گویند گوش دهید و مطابق آن عمل نمایید اما از کارهای آنان پیروی نکنید، زیرا خود آن‌ها آن‌چه می‌گویند، نمی‌کنند. آن‌ها بارهای سنگین را می‌بندند و بر دوش مردم می‌گذارند درحالی‌که خودشان حاضر نیستند برای بلند کردن آن بار حتی انگشت خود را تکان دهند. هرچه می‌کنند برای تظاهر و خودنمایی است. دعا‌های بسته شده به بازو و پیشانی خود را قطورتر و دامن ردای خویش را پهن‌تر می‌سازند. آن‌ها دوست دارند در صدر مجالس بنشینند و در کنیسه‌ها بهترین جا را داشته باشند و مردم در کوچه‌ها به آن‌ها سلام نمایند و آن‌ها را «استاد» خطاب کنند...

«وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما در ملکوت آسمان را به‌روی مردم می‌بندید؛ نه خود داخل می‌شوید و نه می‌گذارید کسانی که می‌خواهند، داخل شوند... برای خودنمایی نماز خود را طول می‌دهید، به این جهت شما شدیدترین کیفرها را خواهید دید...

«وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما از نعناع و شوید و زیره دهیک می‌دهید، اما مهم‌ترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، نادیده گرفته‌اید. شما باید این‌ها را انجام دهید و در عین حال از انجام سایر احکام نیز غفلت نکنید. ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را



می‌بلعید...

«وای بر شما ای علما و فریسیان ریاکار، شما مثل مقبره‌های سفید شده‌ای هستید که ظاهری زیبا دارند، اما داخل آن‌ها پر از استخوان‌های مردگان و انواع کثافات است! شما هم همین‌طور ظاهراً مردمانی درستکار ولی در باطن پر از ریاکاری و شرارت هستید...»

ای ماران، ای افعی‌زادگان، شما چگونه از مجازات دوزخ می‌گریزید؟ به این جهت من انبیا و حکما و علما را برای شما می‌فرستم، اما شما بعضی را می‌کشید و مصلوب می‌کنید و بعضی را هم در کنیسه‌هایتان تازیانه می‌زنید و شهر به شهر می‌رانید و از این جهت خون همه‌ی نیک‌مردان خدا که بر زمین ریخته شده، برگردن شما خواهد بود، از هابیل معصوم گرفته تا زکریا فرزند برخیا که او را در بین اندرون مقدس معبد بزرگ و قربان‌گاه کشتید. در حقیقت به شما می‌گویم گناه تمام این کارها به گردن این نسل خواهد بود. (انجیل متی، باب 23)

براستی چنانچه امام صادق(ع) فرموده که صاحب‌الامر(عج) جوانی است ۳۲ ساله است اگر او چنین کلام سنگین و تحمل‌ناپذیری را به ما بگوید برنخواهیم آشفته و علیه‌اش فتویٰ نخواهیم داد؟

• -لو قام القائم لأنكره الناس لأنه يرجع إليهم شاباً موقفاً! (غیبت نعمانی)

در روایات شیعه و سنی هم وارد شده که حضرت فرمود: امت من پا جای پای یهود و نصارا گذاشته و هر کار که آن‌ها کردند، امت من هم تکرار خواهد کرد.

• قال أبو جعفر(ع): هي والله السنن القذة بالقذة و مشكاة بمشكاة و لا

بد أن يكون فيكم ما كان في الذين من قبلكم (بحار الأنوار ج 52 ص 110)



و چنانچه در ادامه خواهیم دید، در روایات تأکید شده که خیلی از شیعیان شک کرده و جواب رد داده و حتی با حضرت وارد جنگ شده و به دست حضرت کشته خواهند شد و به ویژه از علما، مثلاً طبق روایات در مکه که مرکز مخالفین حضرت از نسل بنی امیه و بنی عباس می باشد تعداد ۱۵۰۰ نفر کشته خواهند شد، اما در کوفه و نجف و ری که مرکز شیعه می باشند، تردید کرده و به عنوان مدعی قلابی با او خواهند جنگید و در نتیجه بیش از ۱۶۰۰۰ نفر به دست حضرت کشته خواهند شد.

بله درست فرمودند که: لو قام خرج من هذا الامر من كان يري نفسه من اهله.

آیا کلام امام باقر(ع) در این حدیث نباید رعشه بر اندام ما انداخته و ما را بیدار سازد:

• عن ابي جارود عن ابي جعفر(ع) قال:.. يقوم قائمنا... ويسير الي

الكوفة فيخرج منها ستة عشر الفاً من البتريه شاكين... فقهاء في

الدين... فيضع السيف فيهم علي ظهر النجف... ثم يدخل الكوفة فيقتل

مقاتليها. (معجم الاحاديث ج ۳ ص ۳۰۷)

این احادیث که در کتب معتبر مثل غیبت نعمانی و غیبت طوسی و... آمده است باید ما را به فکر وادارد و عوض توجیه بلا وجه و گفتن این که ان شاء الله منظور سنی ها هستند، به فکر چاره نجات خود باشیم که مبادا اگر ظهور را درک کردیم در آن شرائط حساس از هلاک شدگان باشیم. و بدانیم که بلا و آزمایش عظیمی برای شیعه به ویژه علما و بزرگان شیعه در حین ظهور در پیش خواهد بود، و فقط کسانی از این بلا در امان خواهند بود که:

۱- ایمان خالصی داشته باشند؛

۲- با احادیث اهل بیت(ع) در باره ظهور و علائم آن آشنا باشند؛



### ۳- پیگیر جلدی علائم ظهور در زمان خودشان باشند،

و در نتیجه پیشاپیش امر ظهور را پیش‌بینی کنند: و از آنهایی باشند که فرمودند:

يعرفه الذین یروون احادیثنا و یقولون سیکون قبل ان یکون.

وگرنه اگر با این خیال باطل راحت بخوابیم که در لحظه ظهور بیدار می‌شویم و یار و معاون حضرت می‌شویم در خطر عظیم خواهیم بود.

بنابراین برای یک منتظر حقیقی سوال جلدی این است که ظهور چگونه خواهد بود؟

چگونه شروع و به چه شکل ادامه خواهد یافت؟ چه علایمی دارد؟

شاید در وهله اول جواب این سوال‌ها مشکل به نظر برسد، اما با آشنایی با روایات ظهور و فضای ترسیم شده و علایم ذکر شده در آن‌ها این سوال‌ها جواب روشن دارند.

با توجه به مضمون احادیث فراوانی که به دست‌مان رسیده، که در کمتر موضوعی به

این وفور احادیث رسیده، که خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع می‌باشد و با توجه به

پیشگویی‌هایی که در دیگر کتب آسمانی شده، که به شکل شگفت‌انگیزی همسان و

مشابه هستند، چرا که از یک منبع واحد، یعنی پروردگار عالم و درباره موضوع واحد،

یعنی تطهیر زمین و نجات بشریت به دست منجی آخرالزمان، می‌باشند. و همان‌طور

که یک خدا اما با اسم‌های مختلف در ادیان توحیدی مطرح است به همان شکل یک

منجی اما با اسم‌های مختلف مطرح شده، چنان‌چه در حدیثی از حضرت امیر نقل

شده که فرمود: *موعود همه امم فرزندان من است.*

و با چیدمان درست این پیشگویی‌ها در کنار هم و کشف ارتباط آن‌ها باهم، و از همه

مهم‌تر با مشاهده مصداق‌های خارجی به شدت مشابه با علایم ذکر شده در احادیث،

که در این زمان قابل مشاهده است، خیلی از مسائل و علایم ظهور اینک قابل فهم و





درک شده است.

به نوشته‌ی کتاب بشاره‌الاسلام صفحه ۲۲۴ به نقل از شیخ سعدالدین حموی: قام المهدي و قد ظهر من العلامات عدة كثيرة، يعني وقتي حضرت ظهور مي‌کند که علایم و نشانه‌هاي فراوان پیشگویی شده ظاهر شده باشند.

و به نوشته‌ی کتاب غیبت نعمانی در آخر باب ۱۴:

• هذه العلامات التي ذكرها الاثمة(ع) مع كثرتها واتصال الروايات بها و تواترها و اتفاقها موجبة الايظهر القائم الا بعد مجيئها.

یعنی این نشانه‌هایی که به این فراوانی به حد تواتر رسیده‌اند و از ائمه اطهار(ع) به ما رسیده، دلیل بر این هست که حضرت ظهور نخواهد کرد مگر بعد از آمدن این نشانه‌ها و محقق شدن این حوادث.

باتوجه به این احادیث، امر ظهور نه بی‌مقدمه و یک شبه، که با علایم و حوادث عظیم منطقه‌ای و جهانی و طی یک پروسه چند ده‌ساله اتفاق خواهد افتاد، حوادثی که بعضاً هم‌سنگ خود ظهور بوده و بلکه بخشی از ظهور و آماده‌کننده مسائل و زمینه‌های جهانی ظهور می‌باشند، ظهور یک اتفاق ساده و کوچکی نیست که اتفاقی و ناگهانی و بی‌مقدمه و یک شبه در شهری، دهی، و یا منطقه‌ای اتفاق بیافتند، بلکه حادثه‌ای است عظیم و جهانی و بلکه عظیم‌ترین حادثه جهانی کل دوران بشریت می‌باشد که از هزاران سال پیش درباره آن در کتب آسمانی از جمله در اوستا مفصل گفتگو شده و بلکه یکی از موضوعات مهم و اساسی و حتی استخوان‌بندی اوستا می‌باشد، به همین شکل تورات و انجیل و دیگر صحف انبیا که موجود است. - نتیجه‌ای که نگارنده بعد



از غور و بررسی و مطالعه عمیق و مکرر آن‌ها به آن دست یافته است - و به يك معنی کل تاریخ بشریت مقدمه‌ای بوده که ظهور نتیجه و گل سرسبد آن می‌باشد.

بنابراین يك همچون حادثه عظیمی نمی‌تواند بی‌مقدمه و ناگهانی و يك شبه اتفاق بیافتد. بلکه يك روندی است که به فرموده ائمه(ع) مبدأیی دارد و منتهایی، که ظهور حضرت در کنار کعبه در منتهای آن قرار دارد. بله برای کسانی که با علایم و احادیث مربوطه آشنایی ندارند ناگهانی و غیرقابل قبول خواهد بود به طوری که حتی صریحاً آنرا انکار کرده و حتی علیه‌اش فتوی داده خواهد شد.

لذا علایم ظهور نه صرفاً علامت که هر کدام به نوبه‌ی خود حادثه‌ای است عظیم و بعضاً جهانی، که خود مقدمات ضروری و به گفته روایات ما لابد منه آنرا مهیا می‌کند، مثل فروریختن تمامی حکومت‌های جبار و دیکتاتور منطقه ظهور یعنی خاورمیانه که باید حتماً پیش از ظهور حضرت اتفاق بیافتد، و در احادیث و روایات ظهور، مفصل و صریح و با نام بردن از کشورها، از آن به عنوان علایم ظهور صحبت شده، و یا علایم و حوادث عظیم و شگرف طبیعی که قبل از ظهور اتفاق خواهد افتاد، و یا مثل سفیانی که کل خاورمیانه را درهم نوردیده و به هم خواهد ریخت، در قالب جنگی که با تهاجم غربی‌ها از مغرب زمین شروع خواهد شد، و از همه این‌ها مهم‌تر و بزرگ‌تر امر دجال می‌باشد که چهل سال پیش از ظهور یا پیش‌تر شروع خواهد شد و معادل شیطانی و منفي ظهور بوده و در سطح جهانی اتفاق خواهد افتاد و بلکه مهم‌ترین مقدمه‌ی ظهور بوده که با مکر الهی به عنوان آماده کردن مقدمات يك حکومت واحد جهانی، شیطانی برای خودشان، مقدمه حکومت واحد جهانی را برای حضرت مهیا خواهد کرد. چرا که حکومت واحد جهانی يك امر خورد و کوچک و



شوخی نیست که یک شبه مهیا و عملی شود، بلکه روند چند ده ساله و شاید چند صدساله لازم دارد، که بخش اعظم آنرا طبق روایات دجال با مکر الهی که خیرالماکرین است، به عنوان حکومت واحد جهانی خودش مهیا خواهد کرد. غافل از این که با این کار، برای بزرگترین دشمن خود زمینه سازی می کند و نهایتاً باید این جهان متحد و یکی شده را تحویل خلیفه الله داده و خود به دست او نابود شود.

لذا با توجه به اهمیت حیاتی آشنایی با علایم که در صورت عدم شناخت آنها العیاذ بالله وارد جنگ شدن و جنگیدن با امام زمان (عج) و کشته شدن به دست ایشان هم هست، در این نوشته سعی می شود چکیده و خلاصه احادیث ظهور و علایم ظهور، بعد از بیست سال غور و بررسی آنها و مطالعه مکرر همه آنها، به خواننده گرامی ارائه شود، باشد که سهم کوچکی در رساندن پیام ظهور و لو چند نفر که اهلش باشند، داشته باشیم، که به مثابه ران ملخی که از موری به سلیمان زمان. بقیه الله الاعظم، خلیفه الله فی الارضین، پسر فاطمه و گل زهرا، حجة ابن الحسن العسگری، صلوات الله علیه و علی آبائه الطیبین الطاهرین و روحی و روح العالمین له الفدا، هدیه می شود، به او که زمین و آسمانها، انبیاء و اولیاء، انس و جن، ملائک و فرشتگان، در انتظارش اند.

به او که با آمدنش اشرف الارض بنور ربهها، زمین با نور او که نور پروردگارش می باشد درخشان خواهد شد.



در این کتاب علائم ظهور را به ترتیب زیر مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد:

- ۱- پنج دسته علائم ظهور
- ۲- خروج دجال
- ۳- خروج سفیانی و جنگ‌های سفیانی
- ۴- ایران مبدأ ظهور (خراسانی)
- ۵- خروج یمانی

فصل اول:

# چند نکته در باره علایم ظهور و دسته بندی آنها



در این فصل به بررسی مسائل زیر خواهیم پرداخت:

- 1- علائم ظهور و اهمیت آنها
- 2- امکان تکرار علائم ظهور
- 3- مصداق علائم ظهور
- 4- علائم ظهور و تعیین وقت
- 5- دسته بندی علائم



## 1- علائم ظهور و اهمیت حیاتی آشنایی با آنها:

در باره علائم ظهور بیش از چند هزار حدیث از طریق شیعه و سنی وارد شده است و در ادیان دیگر نیز نشانه های ظهور منجی بوفور ذکر شده است، که خود همین امر نشان دهنده اهمیت بالای علائم ظهور می باشد، چر که در غیر اینصورت در دیان الهی تا این حد به این امر نمی پرداختند.

اهمیت حیاتی آشنایی با علائم ظهور و پیگیری و جستجوی مصادیق خارجی آن‌ها در هر زمان، به ویژه این زمان که اکثریت علائم ظهور محقق شده است، از آنجا ناشی می شود که بدون آشنائی با این علائم، متوجه ظهور نشده و آن را نشناسیم، چنانچه رمودند: یعرفه لذین یروون احادیثنا، وحتی امکان دارد حین ظهور آن را انکار کرده و مثل اکثریت انسانها به آن توجهی نکنیم و یا حتی امکان دارد چنانچه در احادیث اهلبیت(ع) وارد شده، آن را انکار کرده و حضرت را مدعی کذاب بینداریم مثل زمان ظهور حضرت مسیح(ع).

چنانچه می دانیم خداوند برای ظهور وقت خاصی را اعلام نکرده، اما علائم و نشانه‌هایی قرار داده که منتظران، با دیده شدن آن‌ها نزدیکی ظهور را خواهند فهمید. بنابراین توجه به علائم ظهور نشانه بیداری و انتظار است و عدم توجه به آنها نشانه خواب رفتن و فراموش کردن امام زمان(عج).

با علایم است که متوجه نزدیکی ظهور می‌شویم حتی در دسته‌ای از علایم، از طرف خداوند وقت تقریبی تعیین شده، و در علائم پنج‌گانه حتمیه وقت قطعی داده شده است، مثل خروج سفیانی که فرمودند در ماه رجب اتفاق خواهد افتاد و شش ماه بعد



از آن در روز عاشورا ظهور اتفاق می افتد، لذا ائمه اطهار(ع) هم ارجاع می دادند به علائم و می فرمودند حواستان به علائم باشد و هر وقت علائم را دیدید متوقع ظهور باشید، بنابر این چنانچه علائم ظهور را شناسیم ظهور را هم نخواهیم شناخت. چنانچه در حدیثی هم فرمودند: "يعرفه الذين يروون احاديثنا ويقولون سيكون قبل ان يكون". لذاست که یکی از وظایف بسیار مهم يك منتظر حقیقی و چشم به راه حضرت، پیگیری مشتاقانه علائم ظهور و توجه و حساسیت نسبت به آن‌ها می باشد.

## 2- امکان تکرار علائم ظهور:

عده ای این اشکال را مطرح می کنند که علائم ظهور کار آئی درستی ندارد و نمی توان به آن اعتماد کرد! چرا که بارها در تاریخ نمونه هائی از آن تکرار شده است! از نظر این عده گویا استغفرالله خداوند و حجج الهی بلد نبودند علائم و نشانی های درست و قابل اعتمادی ارائه دهند تا ما به اشتباه نیافتیم! بنابر این راه چاره را بی اعتنا بودن به علائم ظهور و عدم توجه به این علائم یافته اند! و شکی نیست که این اشکال از راه کارهای شیطان می باشد برای رها کردن انتظار و عدم توجه به علائم ظهور! و دقیقاً برخلاف دستور حجج الهی می باشد که فرمودند شب و روز انتظار بکشید و حواستان به حوادث و علائمی باشد که نشانه های نزدیک بودن ظهور بیان شده اند،

• قال امیر المؤمنین(ع): انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فإن أحب

الأعمال إلى الله عز و جل انتظار الفرج. (بحار الأنوار ج 52 ص: 122)

چنانچه امام رضا(ع) فرمودند مراقب حوادث بوده و منتظر باشید:

• ما أحسن الصبر و انتظار الفرج أ ما سمعت قول العبد الصالح و ارتقبوا





إني معكم رقيب، و فانتظروا إني معكم من المنتظرين<sup>1</sup>

و حضرت مسیح (ع) فرمودند:

• «پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید...»

مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد... بیدار باشید!»<sup>2</sup>

اما آیا واقعا وقوع علائم ظهور مرتب تکرار می شود و در تاریخ تکرار شده است؟ حقیقت این است که این اشکال در اثر عدم دقت و یا عدم آشنائی با احادیث ظهور مطرح شده است و این درک غلط می باشد که اگر هریک از علائم اتفاق افتاد ظهور شروع خواهد شد!!! در حالی که اهل بیت (ع) فرمودند همه علائم (که بیش از صد علامت ذکر شده است از جمله ظهور دجال و جنگ و کشتارهای گسترده و زلزله های زیاد و وو...) مثل دانه های تسبیح پشت سر هم اتفاق خواهند افتاد:

• عن أبي عبد الله (ع) قال: إنما هو كنظام الخرز يتبع بعضه بعضا.<sup>3</sup>

بنابر این شاید حادثه ای مشابه یکی از علائم بارها اتفاق بیافتد، ولی چه کسی و کی گفته است که تا یک علامت را دیدید ظهور اتفاق می افتد؟ و قطعا تاکنون هرگز مجموعه علائم باهم و یکجا در تاریخ اتفاق نیافتاده و تکرار نشده است و در نتیجه نشانیها و علائم داده شده دقیق بوده و کاملا قابل اعتماد و اطمینان می باشند و چه

1. (بحار الأنوار ج 52 ص : 110)

2. انجیل مرقس، باب ۱۳.

3 (غیبت نعمانی ص 262)



کسی بهتر از خداوند می تواند علائم و نشانی بدهد! غیر قابل اعتماد بودن علائم داده شده یعنی غیر قابل اعتماد بودن کلام خداوند و حجج الهی!

پس اشکال در اینجا بوده که متوجه نشدند باهم و پشت سر هم اتفاق افتادن علائم از شروط امر می باشد نه یک علامت تنها و آیا اگر کسی گفت علامت فلان امر یک تسبیح صد دانه است با دیدن یک یا چند دانه تسبیح می توان گفت نشانی داده شده را دیده ایم؟

بنابر این، این دیدگاه غلط و این تشکیک شیطانی را باید دور انداخته و مطمئن شویم که علامتهای داده شده مهم و معتبر و جدی می باشند!

### 3- تعیین مصداق برای علائم ظهور:

قطعا وقتی به علائم ظهور اهمیت داده و به آنها توجه کنیم به دنبال حوادث روز رفته و روی حوادثی که مشابهت با علائم ظهور دارند حساس شده و احتمال خواهیم داد که شاید مصداق علائم ظهور باشند، و اگر بنا باشد که دنبال مصداق برای علائم ظهور نباشیم، علائم ظهور به علائمی بی مصرف و به درد نخور تبدیل شده و فقط برای فراموش شدن و خاک خوردن در گوشه کتابخانه ها خواهد بود! چنانچه با تأسف فراوان برای خیلی ها اینطور شده است!

در حالی که این دأب علما و بزرگان شیعه در طول تاریخ این بوده که مصداق و حوادث مشابه با علائم را در حوادث روزگار خویش بجویند! بزرگانی چون سید بن طاووس علی الله مقامه و علامه مجلسی (ره)! که علائم ظهور را در حوادث روزگار خویش رصد و جستجو کرده و با مشاهده حوادث مشابه با علائم به ذوق و شوق آمده و توقع و انتظار ظهور را در زمانهای نزدیک به خود می کشیدند! آیا این غیر از همان



"فتوقعوا الفرج لیلاً و نهاراً" است؟ آیا این غیر از نراه قریباً است؟ امثال سید بن طاووس که بارها به خدمت حضرت شرفیاب شده بود، اشتباه کرده و این حضرات قسی القلب که علائم را انکار کرده و ظهور را بعید می دانند! "یرونه بعیداً" درست فکر می کنند؟

این دستور صریح ائمه (ع) می باشد که وقتی حوادثی مشابه این علایم را دیدید فتوقعوا الفرج! اما همانطور که گفته شد مجموعه علائم باید مثل دانه های تسبیح پشت سرهم اتفاق بیافتند، اما اگر کسی یکی یا تعدادی از حوادث را که مشابه علائم ظهور می باشد، مشاهده کرد و شوق انتظارش شعله ور شد امری ممدوح است، چرا که یک منتظر حقیقی حتی بدون مشاهده هیچ علامتی هم باید همیشه در شوق انتظار به سر برد، به عنوان مثال اگر کسی حدیث زیر را شنیده باشد و هر بار با دیدن یکی از آنها به شوق بیاید:

• إذا علا نَجْفَكُم السَّيْلَ وَالْمَطَرَ وَ ظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ فِي الْأَحْجَارِ

وَالْمَدْرِ وَ مَلَكَتْ بَعْدَادَ النَّتْرُ، فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ.<sup>1</sup>

یعنی وقتی در نجف سیل و باران بالا آمد و... منتظر ظهور باشید، حال آیا هر بار که در نجف سیل و باران بیاید یک دلسوخته منتظر به هیجان آید که ان شاء الله ظهور نزدیک است، کار غلطی کرده؟ و آیا اگر عده ای دلمرده به مسخره بگویند: ای عمو، آرام بنشین به این زودی ها از این خبرها نیست از این سیل ها زیاد آمده! کار درستی



انجام داده‌اند؟ نه قطعاً تمسخر آن منتظر دلسوخته نشانه قساوت قلب و مصداق "فطال علیهم الامد فقست قلوبهم" می باشد! پس فانتظروا لیلاً و نهراً کجا رفت؟ انتظار افضل الاعمال کجا رفت؟ مطمئناً آن منتظری که به هیجان آمده و ظهور را بسیار نزدیک می‌بیند حداقل این است که به "انتظروا لیلاً و نهراً، و نراه قریباً، و افضل الاعمال انتظار الفرج" عمل کرده است و اما آن دلمردگانی که آن منتظر مشتاق را به سخره بگیرند قطعاً مصداق فقست قلوبهم می باشند! حضرت مسیح (ع) دو هزار سال پیش در رابطه با انتظار این چنین می فرماید:

- «کمرهای خود را بسته و چراغ های خود را فروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از مراجعت کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ در را برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که شما گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»

هزار و چند صد سال پیش ائمه (ع) طوری صحبت می‌کنند که اصحابشان تصور می‌کنند فرج در زمان آن‌ها اتفاق خواهد افتاد، و این البته که خوب است و موجب زنده‌دلی و آماده جهاد و جانبازی در راه حق شدن، و خلاف این موجب دلمردگی و مشغول دنیای دنی شدن !!! وقتی دو هزار سال پیش حضرت مسیح (ع) با حواریون طوری از ظهور و رجعتش صحبت می‌کند که آن‌ها تصور می‌کنند در زمان آن‌ها اتفاق خواهد افتاد! تا هرگز مایوس نشوند تن به حاکمیت باطل ندهند و امیدوار پایان یافتن دولت شیطان و تحقق دولت حق باشند! و الان دو هزار سال بعد از آن و در حالی که



نود درصد علایم داده شده آشکار شده ست اگر کسی بگوید ظهور نزدیک است و ان شاء الله ما خواهیم دید، می گویند: نگو! این توقیت است!!! سبحان الله! به جان خودم این نیست مگر جهالت و قساوت قلب و مشغول دنیا شدن و دلمردگی!!!!  
 اما اوج قساوت قلب آنجا خواهد بود که با تحقق پشت سر هم اکثریت علائم داده شده باز هم آنها را و نزدیکی ظهور ر انکار کنند!

#### 4- علائم ظهور و تعیین وقت برای ظهور:

سوال از وقت ظهور از همان اول مطرح بوده است، و حتی زمان حضرت مسیح (ع) نیز این سوال از طرف حواریون مطرح شده:

- و چون به کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد وی آمده، گفتند: «به ما بگو که این امور کی واقع می شود و نشان آمدن تو در انقضای عالم چیست.»  
 (متی، باب ۲۴، آیه ۳)

اما در جواب همواره تأکید شده که وقت ظهور سزّی از اسرار الهی است که جز خداوند کسی از وقت آن خبر ندارد، و بنابراین هرکس ادعا کند که از وقت دقیق ظهور خبر دارد و یا بای ظهور وقت دقیق بدهد کذاب است - کذب الوقاتون - مثل وقت روز قیامت، که جز خداوند کسی از وقت آن خبر ندارد:

- یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا<sup>۱</sup> قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ. اعراف / 187.

و جالب است بدانیم که اولین سؤال کننده از وقت ظهور خود حضرت رسول (ص) می



باشد، که در معراج بشارت ظهور را از خداوند دریافت کردند و از زمان آن پرسیدند: متی یکون ذلك يا رب؟ که خداوند وقت را نگفته اما حضرت را ارجاع می‌دهند به علائم ظهور، که قبلس علائم و حوادثی خواهد بود که با آشنایی با آنها و مشاهده آنها از نزدیک بودنش خبردار خواهید شد (کمال الدین ص 279) و به همین شکل حضرت مسیح (ع) هم فرمودند:

- «اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس. پس بیدار باشید زیرا که نمییدانید در کدام ساعت ... می‌آید. لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید.» (انجیل متی باب 24).

بنابراین از وقت دقیق ظهور کسی جز خداوند خبر ندارد، چنانچه در روایتی نیز فرمودند: «مثال ظهور، مثل قیامت است و از وقتش جز خدا کسی خبر ندارد، و هرکس هم وقت دقیق و قطعی بدهد دروغگو است و کذب الوقائون».

### برداشت غلط از عدم تعیین وقت:

اما در این میان برداشت بسیار غلط و ناصحیحی از عدم تعیین وقت شده، و عده‌ای تصور کرده‌اند که هرگونه حدس و گمانه زنی برای نزدیک بودن ظهور تعیین وقت محسوب م شود و ممنوع است! و یا هرگونه تطبیق علائم ظهور با مصادیق و حوادث عصر خود و توقع نزدیک بودن ظهور را مصداق تعیین وقت دانسته و در نتیجه غیرمجاز می‌شمارند!

در صورتی که این تصور و برداشت قطعاً کج فهمی آشکار و کج سلیقگی بوده و مخالف صریح آیات و روایات می‌باشد.



وقت تعیین کردن به این مفهوم می‌باشد که کسی از پیش خودش و بدون توجه به این‌که علامتی ظاهر شده است یا نه! وقت دقیقی برای ظهور تعیین کند، چیزی که زمان ائمه(ع) اتفاق می‌افتاد، و عده‌ای از پیش خود وقت دقیقی برای قیام و انقلاب توسط ائمه(ع) علیه دستگاه ظلم و جور زمان، تعیین و اعلام می‌کردند، مثلاً یک بار سال ۱۷۵ هجری را سال قیام اعلام و منتشر کرده بودند! و لذا ائمه(ع) مواردی مثل آنرا تکذیب کرده و می‌فرمودند: "کذب الوقاتون" و نهی می‌فرمودند از چنین عملی.

اما این‌که کسی در هر زمان با مشاهده مواردی مشابه با اعلام ظهور به شوق بیاید و احساس و اعلام کند که ان شاء الله ظهور نزدیک است، یا با مشاهده تحقق اکثریت علائم ظهور به یقین برسد که وقت ظهور رسیده، نه تنها این کار اشتباه و منهی عنه نبوده بلکه برعکس کار بسیار درست و مأمور به می‌باشد!

وقتی خداوند در رابطه با قیامت اعلام می‌فرماید که نزدیک است اقتربت الساعة، و می‌فرماید یرونة بعیدا و نراه قریبا، اگر کسی بگوید و گمان کند که ظهور نزدیک است یا بسیار نزدیک است، وقت تعیین کرده؟ جل الخالق! و پناه بر خدا از قساوت قلب! "لقد طال الامد و قست قلوبهم"! این جز خواب رفتن و بی‌خیال و مایوس شدن و ظهور را به آینده‌های دور و دراز نامعلوم محول کردن چیزی نیست! که نتیجه‌اش هم جز قساوت قلب مشغول اکل و شرب و کارهای روزمره شدن چیز دیگری نیست!



## 5- دسته بندی علائم ظهور:

در احادیث برای ظهور حدود دویست علامت ذکر شده است که بعضی از آنها حوادث طبیعی و برخی دیگر حوادث اجتماعی یا سیاسی می باشند، برای درک درست آنها می توان علائم را دسته بندی کرده و به بررسی آنها پرداخت.

با دقت و بررسی این علائم میتوان آنها را در پنج گروه دسته بندی کرد که عبارتند از:

1- علائم سیاسی

2- علائم اجتماعی

3- علائم تکنولوژیک

4- علائم طبیعی

5- علائم حتمیه

در ادامه به توضیح مختصری درباره آنها می پردازیم:





## 1- علائم سیاسی:

علائم سیاسی به اتفاقات و حوادث عظیم سیاسی قبل از ظهور می پردازند که مقدمات ظهور به وسیله ان حوادث آماده می شود از قبیل انقلابات و اختلافات و جنگها و کشتارهایی که قبل از ظهور اتفاق می افتد و در اثر آنها تغییرات بزرگی در سطح منطقه ظهور یعنی خاورمیانه و همینطور جهان بوجود می اید و از جمله حکومتهای جبار و دیکتاتور منطقه متلاشی می شوند که از ام تحت عنوان هلاک الملوک و قصم الجبارین یاد شده است؛ از جمله بزرگترین و تعیین کننده ترین علایم سیاسی چهار علامت دجال و سفیانی و خراسانی و یمانی می باشند که اولی یعنی دجال، بزرگترین علامت ظهور می باشد که سیستمی است جهانی و منشاء دو گروه دیگر از علائم ظهور یعنی علایم اجتماعی و تکنولوژیک می باشد، و سفیانی و خراسانی و یمانی از آخرین و تعیین کننده ترین علائم و حوادث قبل از ظهور میباشد که در فصلهای آینده به طور مستقل و مفصل به بحث و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## 2- علائم اجتماعی:

علائم و تغییراتی هستند که در سطح جامعه بوجود آمده و دیده می شوند از قبیل از رونق افتادن دین و اخلاق و از بین رفتن صفا و صمیمیت، سخته شدن مساجد پر زرق و برق اما از مردم و هدایت، چاپ شدن قرآنهاى زیبای بی خواننده، و گسترش فسق و فجور و کفر و فساد، و زیاد شدن زنا و طلاق و غیره که همانطور که گفته شد و طبق احادیث منشأش سیستم جهانی دجال می باشد.



### 3- علائم تکنولوژیک:

علائمی هستند که به پیشرفتهای شگفت انگیز و معجزه آسای علمی و تکنولوژیک در دوران ظهور اشاره دارند از قبیل هواپیما و قطار و کشتیها و زیر دریائیها و تلفن و موبایل و اینترنت و باران مصنوعی و غیره که قبل از ظهور بوجود می آیند که طبق احادیث بخشی از آنها به وسیله سیستم جهانی دجال ایجاد می شود و اصطلاحا از معجزات زمان دجال می باشد .

### 4- علائم طبیعی:

علائم طبیعی علامتهائی هستند که قبل از ظهور در طبیعت به وجود آمده و دیده می شوند از قبیل زیاد شدن زلزله ها و گرم شدن زمین و خشکسالیها و خشک شدن دریاچه ها و رودخانه ها و علایمی در ماه و خورشید و ستارگان از قبیل ستاره دنباله دار و آشکار شدن کف دستی در آسمان و غیره،

### 5- علائم حتمیه

علائم حتمیه علائمی هستند که وقوع آنها حتمی بوده و نزدیک ظهور اتفاق می افتند و با تحقق یافتن آنها مثل ظاهور و خروج سفیانی و خراسانی و یمانی، ظهور حتمی می شود به نحوی که حتی با خروج سفیانی زمان ظهور نیز معلوم می شود چرا که فرمودند شش ماه بعد از خروج سفیانی در ماه رجب، عاشورای همان سال حضرت ظهور می کنند

## فصل دوم:

# دجال چیست یا کیست؟

الدجال اکبر امر من لدن آدم و اول علامه!



## دجال چیست و کیست؟!:

اسم دجال را کمتر کسی است که نشنیده باشد! اما کمتر کسی است که درباره این شخصیت یا پدیده که اسمش در شرق و غرب عالم مشهور و شناخته شده است، اطلاعات دقیق و صحیحی داشته باشد.

به راستی دجال چیست؟ و یا کیست؟ منشاء و علت شهرت این اسم در شرق و غرب عالم چیست؟ آیا يك حقیقت است یا يك افسانه؟ آن هم افسانه بین‌المللی؟ و اگر حقیقت است، معنی این حقیقت و واقعیت آن کدام است؟ و چطور است که همه جای عالم مشهور است؟

در جواب باید گفت که بله حقیقت است و نه افسانه! حقیقتی که در همه دین‌های آسمانی مطرح شده و به شدت نسبت به آن هشدار داده شده است، اعم از اسلام و مسیحیت و یهودیت و حتی دین زرتشتی!

یعنی اسم دجال در تورات و انجیل و اوستا مکتوب است و درباره آن بحث شده است، و در احادیث و روایات اسلامی، یکی از بدیهیات است، لذا حتی گفته شده «من انکر الدجال و المهدي خرج من الاسلام!»

دجال در احادیث یکی از علایم ظهور حضرت امام زمان(عج) بوده و بلکه بزرگ‌ترین



علامت ظهور می‌باشد، و در انجیل و اوستا هم به همین شکل به عنوان یکی از بزرگترین علائم آمدن منجی و دسمن اصلی او معرفی شده است. و علت اشتباه جهانی دجال نیز در همین جا نهفته است، یعنی مشترک بودن آن به عنوان دشمن منجی در ادیان و مطرح شدن آن در کتاب‌های مقدس ادیان!

### دجال اولین و بزرگ‌ترین علامت ظهور:

طبق احادیث وارده دجال اولین و بزرگ‌ترین علامت ظهور و طولانی‌ترین، آشکارترین و گسترده‌ترین نشانه ظهور است، که ده‌ها سال قبل از ظهور، در گستره جهانی ظاهر می‌شود و با جنگ‌ها و پیشرفت‌ها و کارهای عظیم و محیرالعقول بی‌سابقه در پهنه کره زمین مورد تعجب و تأیید اکثریت مردم جهان قرار می‌گیرد، و همان‌طور که طبق احادیث بزرگترین فتنه در طول تاریخ و اکبر فتنه‌ی من لدن آدم<sup>1</sup> می‌باشد، اکبر امر یا بزرگ‌ترین پدیده تاریخ بشر هم محسوب می‌شود، که ده‌ها سال سلطه‌ی خود را بر کره زمین می‌گستراند و سیطره‌اش بر جهان روزبه‌روز افزون می‌گردد در حین ظهور، با حضرت مهدی (عج) وارد جنگ شده و دو یا سه سال پس از ظهور و در جنگ نهایی (ملحمه کبری و یا آرماگدون یا حارمجدون) به دست حضرت امام زمان (ع) و حضرت مسیح (ع) نابود و متلاشی شود.

### سابقه امر دجال:

مبحث دجال سابقه‌ای طول و دراز دارد به درازای سابقه ادیان الهی، و در تمام ادیان

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۵۰.



مطرح شده است!

در زمان پیامبر (ص) نیز دجال به عنوان بزرگ‌ترین فتنه بین اصحاب آن حضرت جا افتاده بود و همیشه مورد بحث و گفتگویی اصحاب حضرت رسول (ص) بود. و همان‌طور که گفته شد در ادیان یهودیت و مسیحیت یعنی در تورات و انجیل نیز مطرح شده، به نحوی که یکی از اسامی دجال در مسیحیت آنتی کریست و یا ضد مسیح می‌باشد، یعنی وقتی حضرت مسیح (ع) می‌آید دجال بر ضد او و مقابل او خواهد بود. و تا دجال نیاید حضرت مسیح (ع) نخواهد آمد:

• شنیده‌اید که دجال می‌آید... زنه‌ار کسی به هیچ وجه شما را نفری‌د، بدین

مضمون که روز مسیح رسیده است. زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و

آن مرد شری‌ر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگرده، آن روز نخواهد آمد.<sup>1</sup>

اما با این‌که دجال بزرگ‌ترین علامت از علایم ظهور می‌باشد، متأسفانه علما و دانشمندانی که در زمینه ظهور کار کرده‌اند، به این علامت و احادیث مربوط به آن توجه زیادی نکرده‌اند، شاید به این دلیل که قبل از این زمان، این احادیث مبهم بوده و قابل فهم و درک نبوده، و آن‌را به عنوان امور خارق‌العاده و غیرطبیعی و مبهم در نظر گرفته و از کنارش رد می‌شده‌اند. و علت دیگر این بی‌توجهی می‌تواند این باشد که احادیث مربوط به دجال اکثراً از طریق اهل سنت روایت شده است.

البته علامه مجلسی (ره) در بحارالانوار احادیث علایم ظهور را با این عنوان شروع می‌کند: علایم ظهوره (ع) من الدجال و السفیانی و غیره، که دجال و سفیانی را به عنوان دو علامت اصلی و بزرگ او ذکر کرده و بقیه را با عنوان و غیره ذکر می‌کند.

1. انجیل نامه تسالوکیان 2 باب 2.



## دجال بزرگ ترین دشمن حضرت:

دجال نه تنها بزرگ‌ترین و جدی‌ترین علامت ظهور بوده بلکه بزرگ‌ترین و جدی‌ترین دشمن حضرت نیز می‌باشد! به نحوی که بدون شناخت این پدیده، تصور درستی از ظهور و جنگ‌های گسترده قبل و بعد از ظهور نخواهیم داشت.

شاید برای شناخت و تصور درستی از دجال بهتر باشد سوال به این شکل مطرح شود که چه کسانی و یا چه نیروهائی در مقابل حضرت ایستاده و با ایشان خواهند جنگید؟ ناصبی‌ها یا به اصطلاح امروز وهابی‌ها؟ آن‌ها که طبق احادیث و روایات، قبل از ظهور در اثر اختلاف و جنگ داخلی از نفس افتاده و متزلزل می‌شوند و در همان چند روز اول ظهور شکست خورده، متلاشی شده و بساطشان جمع می‌شود.

پس این چه نیرویی و کیست که مقابل حضرت به شدت مقاومت می‌کند و این همه جنگ و کشتار هولناک راه می‌اندازد طوری که طبق احادیث و روایات و همین‌طور تورات و انجیل، طی آن میلیون‌ها نفر کشته می‌شوند و سیل خون راه می‌افتد؟ یکی از مباحث کلیدی و مهم مهدویت که مبهم مانده، مبحث دشمن شناسی می‌باشد. یعنی این‌که هنوز دقیقاً مشخص نشده که دشمنان و نیروهای مقابل حضرت چه کسانی هستند؟ حضرت با چه کسانی و چه نیروهایی خواهد جنگید؟ با مردمان کوچه و بازار؟ با آدم‌های بی‌دین و بی‌ایمان بین مردم؟ با مسلمانان سست‌ایمان؟ با مردمان عادی؟ و یا با یک مرد عقب مانده یک چشم سوار بر یک خر عجیب و غریب به اسم دجال؟ یا با چه کسی و نیرویی؟



به راستی دشمن و یا دشمنان حضرت، حین ظهور چه کسانی و چه نیروهایی هستند؟ در اثر این غفلت، تصور غلط و عوامانه‌ای که بین مردم رایج شده است، این است که حضرت با شمشیر ظهور کرده و هر کس که جلو راهش بیاید با شمشیر گردش را می‌زند الا مومنین خالص، و این یعنی نود و نه درصد مردم کوچه و بازار! و به این شکل چه تصویر و تصور وحشتناکی از ربیع العوام و نصره الایام و رحمة للعالمین، برای مردم درست کرده‌اند؟

این تصویر و تصور وحشتناک و کاملاً غلط، باعث نوعی رعب و وحشت از ظهور در بین مردم شده و می‌شود.

ولی آیا قضیه به این شکل است؟ و در احادیث و روایات قضیه به این شکل ترسیم شده است؟ نه! و حتماً نه! و هرگز نه! این تصور عوامانه ناشی از جهل کامل نسبت به احادیث، و غریب و مهجور ماندن احادیث اهل بیت (ع) و یا فهم غلط از آنهاست! احادیث و علایمی که از حوزه بحث و بررسی عمیق به دور مانده! و متأسفانه! و باز هم متأسفانه! اندازه احادیث مربوط به غسل مس میت ارزش نداشته که به آن پرداخته شود! آیا نباید برای غربت امام زمان (عج) حتی در میان شیعه و علمای شیعه، گریست؟! در حالی که اگر به این احادیث توجه شود قضیه اصلاً به این شکل نیست! بلکه از حضرت به عنوان ربیع الانام و رحمة للعالمین و نصره الایام یاد می‌شود یعنی بهار مردم، رحمت برای عالمیان و شکوفایی ایام و روزگاران!

- السلام علی الحق الجدید... السلام علی مهدی الأمم و جامع ... السلام علی معز الأولیاء و منذل الأعداء ... السلام علی السیف الشاهر و القمر الزاهر و النور الباهر السلام علی شمس الظلام و بدر التمام السلام علی ربیع الأنام و





نضرة الايام السلام على المهدي الذي وعد الله عز و جل به الأمم أن يجمع به  
الكلم و يلم به الشعب و يملأ به الأرض قسطاً و عدلاً.. (بحار الأنوار ج 99 ص 81)  
پس این سوال باقی می ماند که دشمنان حضرت به طور مشخص چه کسانی و یا چه  
نیروهایی هستند؟ و حضرت با چه کسانی و یا چه نیروهایی می جنگند؟

جواب این سوال با اندکی دقت در احادیث کاملاً روشن می شود.

دشمن اصلی حضرت طبق احادیث، دجال و نیروهای دجال هستند که در مغرب زمین  
مستقر هستند (الدجال والسفیانی یطلعان من المغرب، (بشارة الاسلام، ص ۷۶) و همه زمین  
را به فساد کشیده اند و ستون فقرات و گرداننده این نیروها هم یهود هستند و اعراب  
ضد اهل البیت هم با آنها همکاری می کنند. (اکثر اتباعه اليهود و النساء و العرب<sup>(۱)</sup>)  
و سفیانی هم به نمایندگی از دجال و با برنامه و اشاره ی او وارد میدان می شود.  
به عبارت دیگر دجال نیرو و سیستمی کفرآمیز و فاسد و فسادگستر و ضدبشری  
است که قبل از ظهور بر قسمت اعظم جهان سیطره داشته و حکومت می کند و در  
پی حاکمیت مطلق و بی رقابت بر جهان است، و برای این حاکمیت و کنار زدن رقبا و  
دشمنان با آنها وارد جنگ می شود، و محل استقرارش هم مغرب زمین می باشد.

و طبیعی است که وقتی امام (عج) زمان ظهور می کند که جهان را از اسارت آنها آزاد  
سازد و بساط فساد و ظلم و تباهی و کفر و گمراهی آنها را از جهان جمع کند، آنها  
به این سادگی ها تسلیم نشده و بلکه با تمام قوا و توان و تجهیزات خویش با امام زمان  
وارد جنگ می شوند! و دشمن اصلی امام زمان (عج) نیز همین نیروهای فاسد و



کفرپیشه جهان گستر می‌باشند! نیروهایی که به قدری قوی و قدرتمند هستند که حضرت مسیح هم طبق احادیث، برای یاری رساندن به امام زمان (عج) در جنگ با آنها از آسمان نزول می‌کند و نهایتاً به دست او و امام زمان (عج) شکست خورده و ذوب و متلاشی شده و بساطشان برچیده می‌شود! و در نتیجه جهان آزاد می‌شود.

طبق احادیث و همین‌طور تورات و انجیل و اوستا، دجال بزرگ‌ترین دشمن و نیرویی است که در غرب مستقر شده و قبل از ظهور نیروهایش با جنگ، وارد کشورهای منطقه ظهور خواهد شد - مثل عراق و بلخ و شام - و در نبرد نهایی، نیروهایش که اکثراً از روم و یهود و عرب خواهند بود در مقابل امام زمان (عج) لشکرکشی کرده و خواهند جنگید، و با شکست نهایی آنها پیروزی امام زمان (عج) هم نهایی شده و کل کره زمین تسلیم حضرت خواهد شد و لذا همان‌طور که ذکر شد یکی از اسم‌های دجال هم در مسیحیت آنتی‌کریست یا ضد مسیح می‌باشد، (و بنابراین و همین‌طور آنتی‌مهدی و ضد‌مهدی!) یعنی دشمن و نیروی اصلی رودرروی حضرت، نیروی شیطانی دجال و نیروهای جهان‌گستر دجال می‌باشد. چرا که همان‌طور که حضرت، خلیفه الله فی الارض می‌باشد، دجال نیز خلیفه الشیطان فی الارض بوده و مثل حضرت به دنبال ایجاد یک حکومت جهانی منتها از نوع شیطانی آن می‌باشد که شیطان نیرو و توانش را به او داده و به اتباعش دستور اطاعت از او را صادر می‌کند:

● و یأمر إبلیس الأكبر ذریته باتباعه. (فتن ابن حماد ص: 372)



## اما دجال چیست و یا کیست؟

همان‌طور که گفته شد دجال اشتهار جهانی داشته و کمتر دینداری است - اعم از مسلمان و مسیحی و یا یهودی - که اسم دجال را نداند و یا نشنیده باشد.

علتش هم باز همان‌طور که پیشتر گفته شد این است که در تمام کتاب‌های مقدس ادیان از او سخن به میان آمده است و همین‌طور و از همه بیشتر در احادیث پیامبر اسلام (ص) طوری که حضرت هم فرمودند: پیامبری نبوده مگر این که امتش را نسبت به دجال هشدار داده است.

اما در هیچ یک از ادیان به روشنی و تفصیلی که در احادیث پیامبر اکرم ص آمده درباره‌ی دجال بحث نشده است، طوری که باز خود حضرت رسول ص هم به این نکته اشاره فرمودند:

- انها لم تكن فتنة في الأرض أعظم من فتنة الدجال وإن الله تعالى لم يبعث نبيا إلا حذره أمته و قال إني أنذر تكموه وما من نبي إلا أنذر قومه لقد أنذره نوح قوم هولكن سأقول لكم فيه قولا لم يقله نبي لقومه. (فتن ابن حماد حدیث ۱۴۴۶)

## سمبلیک و رمزی بودن احادیث دجال

اما آنچه که مسلم است این است که احادیث مربوط به دجال مثل اکثر علایم ظهور سمبلیک و رمزی بوده و فهم آن‌ها هم به سادگی امکان‌پذیر نیست. و همان‌طور که قبلاً در مقدمه کتاب گفته شد، به این موضوع، یعنی صعب و مشکل بودن فهم علایم



ظهور، در آخر کتاب دانیال نبی(ع) که از حوادث آخرالزمان صحبت می‌کند اشاره شده است:

- اما توای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن... و من شنیدم اما درک نکردم. پس گفتم «ای آقایم آخر این امور چه خواهد بود؟» او جواب داد که «ای دانیال برو زیرا این کلام تا زمان آخرمخفی و مختوم شده است (یعنی تا آن زمان قابل درک نخواهد بود) بسیاری طاهر و سفید و مصفی خواهند گردید و شریران شرارت خواهند ورزید و هیچ کدام از شریران نخواهند فهمید لیکن حکیمان خواهند فهمید. خوشا به حال آن‌که انتظار کشد... (کتاب دانیال نبی، باب ۱۲)

آری این علایم بیشترشان اسرار سر به مَهرند و تا زمانش نرسد، قابل فهم و درک نخواهند بود. لذا شاید بتوان گفت قابل فهم بودن این علایم خود دلیل بر رسیدن زمانشان هم خواهد بود. به عبارت دیگر خود حوادث و وقایع آخرالزمان بهترین کمک برای روشن شدن محتوای این پیشگویی‌ها خواهد بود، چنان‌چه در حدیثی پیامبر ص نیز روشن شدن معنی یک آیه از قرآن را منوط به آمدن زمانش فرموده و می‌فرماید هنوز تأویلش نیامده است:

- تلا رسول الله صلی الله علیه و سلم هذه الآیة قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا من فوقکم أو من تحت أرجلکم فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم أما انها کائنة ولم یأتی تأویلها بعد.

لذا بیشتر مطالب مطرح شده در احادیث دجال، در زمان‌های گذشته چون هنوز محقق نشده و تأویلش نیامده بود به هیچ وجه قابل درک نبود و حمل بر خارق‌العاده و



غیرطبیعی و معجزه گونه بودن امر دجال می شد.

اما این زمان خوشبختانه اکثر این احادیث قابل فهم و درک شده است به نحوی که هر کسی بسرعت و بسادگی معنی اش را می فهمد.

برای روشن شدن موضوع چند مثال ذکر می شود:

(۱) در توصیف خر دجال گفته شده که: رنگش سفید بوده و بالای ابرها خواهد رفت، کل کره زمین را دو روزه سیر می کند.

بیست متر طول داشته و فاصله بین دو گوشش چهل ذراع (بیست متر) و هر قدمش مساوی سه روز راه پیاده خواهد بود، طی الارض خواهد کرد و...

• سیر أقصى الأرض وأدناها في يومين (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶)

• بین أذني حمار الدجال أربعون ذراعا (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۷)

• خطوة حماره مسيرة ثلاثة أيام - يطوي له الأرض. (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۷)

طبیعی است که در قدیم کسی چیزی از این مطالب را درک نمی کرد، خری بیست متری با گوشی بیست متری که یک قدمش سه روز راه است و تا بالای ابرها هم می رود! و طبیعی است که همه را به عنوان امور خارق العاده و معجزه در نظر می گرفتند. اما امروزه برای ما امری طبیعی و قابل فهم است (البته با این توضیح که خر این جا سمبل سواری و وسیله نقلیه می باشد) و امروزه همه ما به سادگی وسیله نقلیه و سواری را می شناسیم که بیست متر یا بیشتر طول دارد، بالای ابرها رفته و با سرعت هزار کیلومتر در ساعت حرکت می کند و مسافت سه روز راه پیاده را در یک لحظه طی کرده و بین دو بالش هم بیست متر می باشد، و آن هواپیماست! اما هزار سال پیش،



از این حدیث جز يك خر عجيب و خارق‌العاده و خنده‌دار که مردی عجیب‌تر و يك چشم بر آن سوار شده، چیزی برایشان قابل فهم و درک و تصور نبود.

۲- در روایتی حضرت امیر به کمیل فرمودند که: در آن زمان در هر خانه‌ای آینه‌ای خواهد بود که مردم در آن حوادث دور و نزدیک را خواهند دید، که امروزه همه ما با يك چنین پدیده‌ای به اسم تلویزیون آشنا هستیم، و همین‌طور که فرمودند در هر خانه‌ای هم یکی هست.

۳) در حدیثی آمده که در آن زمان یکی در شرق زمین و دیگری در غرب زمین نشسته و با هم صحبت کرده و صدای همدیگر را نیز خواهند شنید<sup>۱</sup> که امروزه همه ما با این پدیده آشنا هستیم، اما قدیم به هیچ‌وجه قابل درک نبود.

۴) دجال به کوه خواهد گفت از سر راه برو کنار و کوه کنار خواهد رفت<sup>۲</sup>، خوب امروزه همه با شکافتن و کنار زدن کوه‌ها از سر راه‌ها و تونل‌ها آشنا هستیم، اما آیا صدها سال پیش از این حدیث‌ها جز معجزه چیزی فهم می‌شد؟ چنانچه در حدیث دیگری می‌فرماید: دجال با معجزه‌هایش چشم همه را خیره کرده و آن‌ها را به پرستش خویش خواهد کشاند و ما امروز پیشرفت‌ها و اکتشافات شگفت‌انگیز و معجزه‌آسا را با چشم خود می‌بینیم و شگفت‌زده هم می‌شویم، و می‌بینیم که مردم را هم تا حد پرستش مجذوب خودش کرده است! بنابراین می‌شود تصدیق کرد فرمایش خداوند به دانیال نبی را که: ای دانیال این‌ها اسرار سر به مهر هستند و تا زمانش نرسد کسی این‌ها را نخواهد فهمید و درک نخواهد کرد، هرچند که سعی و تلاش کنند!

1. مثنان و خمسون علامه

2. يقول للجلل تنحی عن لطریق فیتنحی. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶.



## رمزگشایی از احادیث دجال:

با توجه به چند مثال فوق، برجسته‌ترین ویژگی‌های دجال را از روایات بیرون کشیده و دسته‌بندی کرده و در بیست محور آن‌ها را توضیح می‌دهیم تا خود خواننده با جمع‌بندی آن‌ها و با توجه به حوادث و پدیده‌های مشابه در زمان حاضر از آن‌ها رمزگشایی کرده و مصداق و معنی‌شان را دریابد. متن احادیث و اسنادش جداگانه و در پایان نوشته ذکر خواهد شد تا خوانندگان در صورت تمایل خودشان به کتاب‌های مرجع مراجعه کنند.

### 1- معنی کلمه دجال:

دجال در لغت به چند معنی آمده است:

1- پوشاندن حق، و باطل را حق جلوه دادن است:

• الدجل بالباطل و هو التغطية، يقال دجل الحق اي غطاه بالباطل،

چون حق را پوشانده و از دیده و ذهن مردم دور کرده و باطل را برای آن‌ها حق و درست جلوه می‌دهد، دجال نامیده شده. والدَّجَالُ: المُمَوِّه الكَذَاب، و به سمي الدَّجَال.

2- گفته شده چون بر کره زمین سیطره یافته و زمین را می‌پوشاند، دجال نامیده شده:

• قال أبو العباس: سمي الدَّجَال دَجَالاً لضربه في الأرض وقطعه أكثر نواحيها،

ويقال: قد دَجَل الرجل إذا فعل ذلك.

در کتاب لسان‌العرب به هردو این معنی اشاره شده است:

• والدَّجَال: هو المسيح الكذاب، وإنما دَجَلُهُ سَحَرَهُ وكَذِبُهُ. ابن سیده: المسيح



الدَّجَالُ رجلٌ من يهود يخرج في آخر هذه الأمة، سمي بذلك لأنه يدَّجُل الحَقَّ بالباطل، وقيل: بل لأنه يُعْطِي الأَرْضَ بكثرة جموعه، وقيل: لأنه يُعْطِي على الناس بكفره، وقيل: لأنه يدَّعي الربوبية... ودَجَل الشيء بالذهب. التهذيب: يقال لماء الذهب دَجَالٌ وبه شُبَّه الدَّجَالُ لأنه يُظْهِرُ خلاف ما يُضْمِرُ. قال أبو العباس: سمي الدَّجَالُ دَجَالًا لضربه في الأرض وقطعه أكثر نواحيها، ويقال: قد دَجَل الرجلُ إذا فعل ذلك. قال: وقال مرة أخرى سُمِّي دَجَالًا لتمويهه على الناس وتليسه وتزيينه بالباطل... (لسان العرب، مادة دجل)

3- چنانچه ملاحظه شد دجال به کسی که آب طلا می دهد نیز گفته می شود که به روی آهن، آب طلا داده و بیننده را به اشتباه انداخته و یا فریب داده و آهن را به عنوان طلا معرفی می کند.

اما در اصطلاح احادیث هر کس که انسانها را تحت عنوان دین و یا خوشبختی فریب دهد و از شاهراه مستقیم الهی که راه فلاح و رستگاری و سعادت دنیوی و آخروی انسانهاست، گمراه کند دجال نامیده می شود.

### 3- تعدد دجالها:

در احادیث تأکید می شود که قبل از خروج دجال اصلی، هفتاد و اندی - به معنی تعداد زیاد - دجال خواهد بود، که حوزهی عمل فریب و اضلال آنها محدود خواهد بود و حتی بعضی از آنها تنها یک پیرو خواهند داشت:

- یكون قبل خروج الدجال نيف علي سبعين دجالا (فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۵۶)
- - وسبعون دجالا منهم من لا يتبعه إلا رجل واحد.





به متعدد بودن دجال‌های فرعی قبل از خروج دجال اصلی و جهانی در انجیل اشاره شده است:

- چنان‌که شنیده‌اید که دجال می‌آید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند.<sup>1</sup>  
چنان‌چه ملاحظه می‌شود از دجالان بسیار سخن می‌رود.
- زیرا گمراه‌کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدند... آن است گمراه‌کننده و دجال. (انجیل رساله ۲ یوحنا، باب ۷)

در اوستا نیز که یکی از نام‌های دجال دیو اشموغ است، که به همین معنی است:

- اشموغ نام دیو فریفتار و گمراه‌کننده است، و همین‌طور روحانی دروغین و بدعت‌گزار اشموغ نامیده می‌شود. و همین‌طور نام دیوی است از پیروان اهریمن که فتنه‌انگیزی و جنگ‌افروزی و عداوت به هم رسانیدن تعلق به او دارد. (اوستا ج ۲، ص ۹۱۸، شرح لغات)

اما فرق دجال اکبر و اصلی با این دجال‌ها این است که اولاً دجال بزرگ در آخرالزمان و قبل از ظهور امام زمان (عج) خروج می‌کند و ثانیاً کل کره زمین تحت پوشش تبلیغات گمراه‌کننده و تحت سیطره فریب و ستم و اضلالش خواهد بود:

- اذ خرج الدجال بالغ في الغواية و الاضلال (معجم الاحادیث ج ۳)
- يظهر علي الارض كلها (معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۲، ص ۳۲)
- چهل و اندی سال یا چند دهه قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) در کل زمین ظاهر خواهد شد.

1. رساله ۱ یوحنا باب ۲، آیه ۱۸.



طبق احادیث نه تنها بزرگ‌ترین فتنه عالم بلکه بزرگ‌ترین پدیده و امر در تاریخ بشر هم خواهد بود. که نهایتاً به دست حضرت امام زمان (عج) و حضرت مسیح (ع) نابود و درهم شکسته خواهد شد: یقتله عیسی ابن مریم.

• آن‌گاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد که عیسی مسیح (ع) او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش، او را نابود خواهد ساخت. (انجیل رساله ۲ تسالوکیان باب ۲)

• گرشاسب<sup>۱</sup> با پیروزی برخیزد و به اژدیهاک روی آورد... وگزر بر تارک او کوبد و نابودش کند. آن‌گاه ویرانی و تباهی از جهان بیرون رود... و سوشیانس‌ها دیگر باره جهان را پاک کنند.<sup>۲</sup>

دجال مشخصات و ویژگی‌های خاصی دارد که در احادیث به آن‌ها اشاره شده است - همان‌طور که ملاحظه شد موضوع دجال علاوه بر روایات و احادیث، در تورات و انجیل و همین‌طور اوستا نیز آمده است و لذا حضرت رسول ص نیز به این موضوع اشاره فرموده و فرمودند که هیچ پیامبری نبوده مگر این‌که به امت خود درباره‌ی دجال انذار و هشدار داده است.

---

1 گرشاسب اسم حضرت مسیح در اوستا می باشد که نمرده و به کمک سوشیانس می‌آید

2. بهمن یشت بخش ۹ بند ۲۴-۱۲.



### 3 سیطره دجال بر کره زمین:

همان طور که قبلاً اشاره شد دجال در تمامی کره زمین پیشروی کرده شهر به شهر و کشور به کشور وارد شده و سیطره اش را می گستراند:

• **يظهر علي الارض كلها<sup>۱</sup>، يعني به کل کره زمین سیطره می یابد.**

این موضوع در انجیل ایگونه آمده است:

• **... و ازدها قوت خویش و تخت خود و قوت عظیمی به وی داد...**

تمامی جهان ... آن ازدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش

کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که «کیست مثل وحش و

کیست که با وی می تواند جنگ کند؟» (مکاشفات یوحنا باب ۱۳)

همان طور که قبلاً گفته شد وحش یکی از اسمها و یا لقب های دجال در انجیل است و

این جا می بینیم که تخت و قدرتش را از شیطان می گیرد و دارای قدرتی شیطانی

خواهد بود که همه به قدرت عظیم اش اذعان داشته و خواهند گفت کیست که با وی

می تواند جنگید؟ و این یعنی که به لحاظ قوت نظامی به قدری قوی خواهد بود که

کسی را یارای رودرویی با او نخواهد بود! و از همه قدرتها قوی تر یا ابرقدرت

خواهد بود. سلطه گر بوده و بر تمامی قومها و ملتها مسلط خواهد شد:

• **قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الدجال لا يبقی من الأرض شيء**

**إلا وطئه و غلب عليه...**

. (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۶۵)



رسول خدا(ص) فرمود جایی از کره زمین نمی ماند مگر این که دجال بر آن

غالب شده و وارد می شود!

• لایخرج الدجال حتی یذهل الناس عن ذکره و حتی تترك ائمة ذکره

علي المنابر. (مجمع الزوائد، حدیث ۱۲۴۹۹)

• و تسلط بر هر قبیله و قوم و زبان و امت، بدو عطا شد. و جمیع

ساکنان جهان، جز آنانی که نام های ایشان در دفتر حیات ... مکتوب

است او را خواهند پرستید. (انجیل، مکاشفات: باب ۱۳)

جهان گستر و جهان خوار خواهد بود:

• وحش چهارم سلطنت چهارمین بر زمین خواهد بود و مخالف همه

سلطنت ها خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال

نموده، پاره پاره خواهد کرد. (دانیال نبی باب ۷. دانیال نبی باب ۷)

و حتی بنا بر قولی چون همه زمین را پوشش می دهد دجال نامیده شده، چون یکی از

معانی دجال پوشاننده است:

• الدَّجَالُ... لِأَنَّهُ يَمُومُ الْأَرْضَ. قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ: سَمِيَ الدَّجَالُ دَجَالًا لِضَرْبِهِ

فِي الْأَرْضِ وَقَطْعَهُ أَكْثَرَ نَوَاحِيهَا. وَقِيلَ: بَلْ لِأَنَّهُ يُعْطِي الْأَرْضَ بَكْتَرَةً

جموعه. ( قاموس المحيط و لسان العرب. ماده دجل )

و با هر نیرویی هم که زیر سلطه اش نرود یا مقابلش بایستد خواهد جنگید، از جمله

طبق احادیث وارده، با جنگ به عراق و بلخ (:افغانستان) وارد شده و چند سال در



آن جا خواهد ماند:

- حدیثی الهیثم بن مالک الطائی رفع الحدیث قال یلی الدجال بالعراق سنتین یحمد فیها عدله... یعنی دجال، دو سال اداره امور را در عراق بدست می‌گیرد و مردم عدل او را ستایش می‌کنند.
- بنابر فاکتورهای ذکر شده، سیستم دجال، سیستمی سلطه‌گر، پیچیده، جهانی، شیطانی، جهان‌گستر، جهان‌خوار و ابرقدرت خواهد بود.

#### 4- یهود محور نیروهای دجال:

۱. سابقه یهود در خدمت به شیطان

طبق آیات قرآن و آنچه که در تورات و انجیل آمده است، بخشی از یهود در گذشته با توسل به سحر و جادو و ارتباط برقرار کردن با جن و شیاطین، در زمین به فساد و تباهی دست زده و عامل شیطان می‌شدند از جمله در زمان حضرت سلیمان(ع)، علوم غریبه را یاد گرفته و با جن و شیطان در ارتباط بودند و زمین را از جمله با گسترش طلاق و متلاشی کردن خانواده‌ها به فساد می‌کشاندند، (و هم اکنون نیز به این شیوه ادامه می‌دهند).

- وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفُرًا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ ۗ وَمَا أَنْزَلَ عَلَی الْمَلَائِكَةِ إِنبَاءًا لِّهٰؤُلَاءِ ۗ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ ۗ فَلَا تَكْفُرْ ۗ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ
- بقره/ ۱۰۲



یعنی: و (یهود) از آن چه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم (یهودی) سحر آموختند. و (نیز یهود) از آن چه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند) و به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر این که از پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آن ها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آن ها قسمت هایی را فرا می گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد. و مسلما می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آن چه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند!!

از کتاب حزقیال نبی:

- ... در خانه نشسته بودم و مشایخ یهود در برابرم نشسته بودند که همان جا دست خداوند بر من فرود آمد دستی دراز شد و موی پیشانی مرا گرفت و روح مرا میان آسمان و زمین بداشت و با مکاشفات الهی مرا به اورشلیم - به ورودی صحن شمالی بیاورد، جایی که تمثال غیرت غیرت انگیز جای دارد\* آن جا ناگاه جلال و جبروت خدای اسرائیل همچون آن رویا که در هامون دیدم، ظاهر شد\* آن گاه مرا گفت: ای فرزند آدم، چشم برافراز به راه شمال؛ چون به راه شمال



چشم افراشتم، تمثال غیرت اکنون از آن سو هویدا بود\* و او مرا گفت: ای فرزند آدم، آیا کردارهای شان را می بینی؟ آن کارهای پلیدی که بنی اسرائیل این جا به عمل می آرند تا من از حریم قدسی و پاک خود دور شوم؛ و باز دگر بار کارهای پلیدتر را بین\* پس مرا به ورودی صحن آورد؛ حفره ای در دیوار دیدم\* مرا گفت: ای فرزند آدم، دیوار را اکنون بکن؛ و چون دیوار را کندم، دری نمایان شد\* مرا گفت: داخل شو و اعمال زشتی که ایشان این جا به عمل آورده اند را بنگر\* داخل شدم و نگریستم؛ آن جا همه گونه موزیات و بهائم منفور و تمامی اصنام بنی اسرائیل بر در و دیوار نقش بسته بود\* و هفتاد نفر از مشایخ خاندان اسرائیل در خدمت آن ها به پا ایستاده بودند... و هر کس مجمره ای در دست، و دود بخور متصاعد می شد\*

ای فرزند آدم، آیا دیده ای مشایخ اسرائیل - هر که در حجره ی خود، در پس پرده آن کار دیگر می کنند؟ زیرا می گویند: خدا از ما غفلت کرده و زمین را وا گذاشته است\* و مرا گفت: بازگرد و آن رجاسات عظیم تری که آن ها انجام می دهند را ملاحظه کن\* ... مرا گفت: ای فرزند آدم، این یکی را هم دیده ای؟ آیا رجاساتی که این جا مرتکب اند، در نظر خاندان یهودا سهل است؟ زیرا که همه جای زمین را مالا مال از ظلم کرده اند و باز آمده اند تا غضب مرا برآشوبند... بنابراین من نیز به غضب کار می فرمایم، و عنایتم هیچ شفقت



نخواهد کرد، و عفو و گذشتی نخواهد بود. (کتاب حزقیال، باب ۸)

چنانچه ملاحظه می شود خداوند هفتاد نفر از مشایخ بنی اسرائیل را به حزقیال نبی نشان می دهد که در اتاق های تاریک با بخور و رجاسات و تماثیل مشغول سحر و جادو و ارتباط با اجنه شیاطین هستند تا زمین را از ظلم و فساد مملو سازند و خداوند را بر این قوم مغضوب بیشتر به خشم غضب آورند... تا لشکر غضب خداوند ظهور کند...

• و لکن الشَّيْطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكِينَ

بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمُرُوتَ... بقره / ۱۰۲

و این سحر و جادو را در بابل از جن و شیاطین یاد گرفتند که آنها از هاروت و ماروت یاد گرفته بودند.

• توجه کن این است کاری که من خواهم کرد... آنانی را از جماعت

شیطان هستند و خود را یهود می نامند ولی نیستند و دروغ می گویند،

خواهم آورد و پیش پای تو خواهم افکنند...<sup>1</sup>

۲. بنی اسرائیل این فساد را تکرار خواهند کرد و به علو و استکبار بزرگی در

زمین دست خواهند یافت:

• وَقَصَّيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ

عُلُوًّا كَبِيرًا. اسراء / ۴

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد

خواهید کرد، و برتری جویی و استکبار بزرگی خواهید نمود.





از انجیل یوحنا:

- ولكن شما را مي‌شناسم که در نفس خود محبت خدا را نداريد. من به اسم پدر خود آمده‌ام و مرا قبول نمي‌کنيد، ولي هرگاه ديگري به اسم خود آيد، او را قبول خواهيد کرد. شما چگونه مي‌توانيد ايمان آريد و حال آن‌که جلال از يکديگر مي‌طلبيد و جلالي را که از خدای واحد است طالب نيستيد؟ (انجيل يوحنا باب ۵، آيات ۴۱ تا ۴۴)

این کلام حضرت مسیح خطاب به یهود است که می‌فرماید چون شما محبت خدا را در دل ندارید و دنبال جلال خود و علو و استکبار ناحق در زمین هستيد به من ايمان نمی‌آورید اما آن ديگري (دجال) که بيايد به او ايمان آورده و پيرو او خواهيد شد. مفسرين انجيل، آن ديگري که به اسم خود می‌آيد، را به دجال تفسير کرده‌اند که با اسم خود می‌آيد و خود را جاي خدا می‌گذارد و دشمن حضرت مسیح که به اسم خدا می‌آيد خواهد بود و به همين دليل آنتي کریست يا ضد مسیح اسم ديگر دجال در مسيحيت می‌باشد. (شبيه همين فرمایش از حضرت رسول(ص) نیز روايت شده که فرمود کسانی که اهل بيت مرا نپذيرند و با آن‌ها دشمني کنند مثل يهود محشور می‌شوند که وقتي دجال ظهور کرد به او ايمان می‌آورند).

با توجه به توضیحات فوق و طبق احادیث و روایات، منشأ اصلي نیروهاي دجال يهود بوده و اکثريت نیروها و گردانندگانش يهودي‌ها خواهند بود:

- الدَّجَالُ مِنَ يَهُودٍ، يَخْرُجُ فِي آخِرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ
- أكثر اتباعه اليهود والعرب. (فتن ابن حماد، ص 333)



• الدجال معه جنود من اليهود . (فتن ابن حماد، ص 327)

• الدجال جل تبعه اليهود و الاعراب (فتن ابن حماد، ص 329)

به عبارت دیگر نیروهای و گردندگانش اکثراً یهودی بوده و دنیا در آخرالزمان به وسیله‌ی شیطان و دجال بازیچه دست یهود خواهد شد و به وسیله یهودیان همیشه مال دوست پول پرست مرتبط با جن و شیطان اداره شده و به فساد کشیده خواهد شد. و حتی تا آن جا که در روایتی از دجال به عنوان الهه یهود یاد می‌شود. مفسران کتاب مقدس نیز به ریشه یهودی داشتن نیروهای دجال اذعان کرده‌اند و از جمله به آیات شانزده و هفده باب ۴۹ سفر پیدایش استدلال کرده‌اند:

• دان، قوم خود را داوری خواهد کرد، چون یکی از اسباط اسرائیل - دان، ماری خواهد بود به سر راه، و افعی بر کنار طریق که پاشنه اسب را بگذرد تا سوارش از عقب افتد . (تورات سفر پیدایش، باب ۴۹)

در این قسمت از تورات حضرت یعقوب در آخر عمرش دوازده پسر خود را جمع کرده و آینده آن‌ها را پیشگویی می‌کند و از جمله به یهودا می‌گوید: عصای نبوت از یهودا دور نشود تا شیلو به معنی رسول بیاید. و به یکی دیگر از پسرانش به اسم دان هم می‌گوید نسلش بر سر راه بشریت مار و افعی خواهد بود، لذا در مکاشفات یوحنا باب ۷، نیز آن جا که تعداد نجات یافتگان از اسباط بنی اسرائیل را ذکر می‌کند، با ذکر نام پسران یعقوب، اسم دان و قبیله‌اش را ذکر نمی‌کند. لذا استدلال می‌شود که اعوان و انصار دجال در آخرالزمان از یهودیانی که از نسل همین دان می‌باشند، خواهد بود، که در نبرد نهایی آخرالزمان که ملحمه کبری نام دارد و دجال در آن کشته خواهد شد، به عنوان همدستان و لشکریان دجال در بیت المقدس یا اورشلیم جمع خواهند شد



و در جنگی بزرگ توسط مسلمین محاصره شده و از جمله تگرگ پنجاه کیلویی (احتمالاً بمب و موشک) بر سرشان خواهد بارید و نهایتاً همراه دجال شکست خورده و کشته خواهند شد - البته اکثریت یهودیان عادی به دست حضرت ایمان آورده و مسلمان خواهند شد - و هر درخت و سنگی که بعد از شکست، افراد لشکر دجال پشتش مخفی شوند، آن سنگ و درخت خواهد گفت: یا مسلم هذا یهودی ویا، یا مسلم هذا دجالی:

- لا تقوم الساعة حتى یقاتل المسلمون اليهود، فیقتلهم المسلمون، حتی یختبئ اليهودی من وراء الحجر والشجر، فیقول الحجر والشجر: یا مسلم، یا عبد الله، هذا یهودی خلفی، فتعال فاقتله: (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۸۹)

(این موضوع هم در احادیث و هم در تورات و انجیل آمده است)

از مجموعه احادیث و روایات و آنچه که در تورات و انجیل و اوستا آمده، این نتیجه به دست می‌آید که دجال اصلی جنی از جن‌ها و شیاطین بوده به عنوان واسطه بین شیطان و یهود عمل می‌کند و خطوط و برنامه‌های شیطان را برای به فساد کشاندن زمین به پیران و جادوگران یهود داده و آن‌ها این خطوط و برنامه را به بزرگان و قدرت‌مداران یهودی منتقل کرده و طی سلسله مراتب آن‌را پیاده می‌کنند و نهایتاً هم با راهنمایی همان جن بزرگ، در آخرالزمان یک سیستم فریبکار، کفرآمیز و سلطه‌گر جهانی ایجاد کرده و طی چهل سال یا بیشتر به تدریج و با ریاست و رهبری مستقیم شیطان بر جهان مسلط شده و آن‌را به فساد خواهند کشاند.

- لیس الدجال إنسان إنما هو شیطان فی بعض جزائر البحر موثق بسبعین حلقة



لا يعلم من أوثقه أسليمنام غيره فإذا كان أول ظهوره فك الله عنه. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۵.

- ویأمر إبليس الأكبر ذرئته باتباعه. (فتن ابن حماد، ص 330)

چنانچه در انجیل نیز به این امر اشاره شده است: و اژدها قوت خویش و تخت خود و قوت عظیمی به وی داد. (مکاشفات یوحنا، باب ۱۳)

در قرآن کریم نیز آمده است که یهود دوباره به همان فساد عود خواهند کرد اما این بار توسط امام زمان(عج) و حضرت مسیح(ع) به شدت منکوب شده شکست خورده و همراه با سیستم شیطانی، ضدبشری و جهنمی شان به جهنم واصل خواهند شد:

- ... وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا. اسراء/ ۷.

البته همان طور که قبلاً اشاره شد یهود همیشه با علوم غریبه و سحر و جادو و کلاً با جن و شیطان در ارتباط بوده‌اند و این را از مصر قدیم و بابل (هاروت و ماروت) وقتی که آن جا اسیر بودند به ارث بردند، چنانچه در قرآن به آن تصریح شده است. و در تورات نیز آمده که زمانی به قدری سحر و جادو و ارتباط با جن و شیاطین، در بین‌شان گسترش یافت که برای جلوگیری از آن مجازات مرگ تعیین شد. چنانچه در تورات امروزی نیز هست که جادوگر کشته شود. و این امر به عنوان علوم غریبه تا امروز نیز بین یهود ادامه دارد که خودشان اصطلاحاً آن را کابالا می‌نامند.<sup>1</sup>

و چنانچه ملاحظه شد در آیه ۱۰۲ از سوره بقره خداوند کافر شدن سلیمان را نفی فرموده و سحر و جادو و علوم غریبه یهود را به هاروت و ماروت در بابل نسبت

1. مقاله ضمیمه را درباره دجال و مکتب‌های راز آلود و سری یهود و نحوه ارتباط‌شان با جن و شیطان مطالعه بفرمایید.



می دهد، چرا که یهود هم اکنون هم به دروغ شاه سلیمان را استاد خود در ارتباط با جن و علوم غریبه معرفی می کنند.

### 5) مغرب زمین محل استقرار و تهاجم نیروهای دجال:

طبق آنچه که در کتب مقدس ادیان (تورات، انجیل، اوستا) و همینطور در احادیث و روایات آمده، مغرب زمین محل استقرار و تمرکز نیروهای دجال خواهد بود، چنانچه مشرق زمین هم محل ظهور امام زمان (عج) و نزول مسیح (ع) خواهد بود.

طبق این متون همان طور که مشرق زمین، محل ظهور و استقرار انبیاء و نیروهای الهی بوده است، مغرب زمین هم محل ظهور و استقرار نیروهای دجال و اهریمن خواهد بود. (در بعضی از متون به جای غرب، شمال ذکر شده است<sup>1</sup>) و به همین دلیل محل استقرار دجال و نیروهایش نیز در احادیث و کتب مقدس، غرب و شمال ذکر شده است که طبق این متون نهایتاً هم از همانجا هجوم آورده و با اتحاد با دیگر هم پیمانانش با امام زمان (عج) وارد جنگ خواهند شد. دو نمونه از احادیث وارده:

- المهدي هو طالع المشرق و الدجال و السفیانی یطلعان من مغرب.<sup>2</sup>
- اعوذ بالله من فتنة الدجال و اعوذ بالله من فتنة المغرب.

1. از جمله اصحاب الشمال در قرآن و چنانچه امروزه نیز احیاناً به جای شرق و غرب، از اصطلاح شمال-جنوب استفاده می شود.

2. بشاره الاسلام، ص ۷۶.



طبق حدیثی ندای شیطانی که در رد و مخافت صیحه آسمانی ظهور، بلند می شود نیز از غرب بلند خواهد شد:

- وجاء هاتف من قبل المغرب و هو الشيطان<sup>۱</sup>.
  - بنابراین محل استقرار نیروهای دجال با محوریت و کارگردانی یهود، مغرب زمین و باصطلاح قدیم روم خواهد بود و از همانجا هجوم خواهند آورد:
  - و اذا استأثرت عليك الروم... وجهزت الجيوش<sup>۲</sup>.
  - یعنی آن گاه که روم بر ضد شما به خروش درآید... و لشکرهايش را تجهیز کرده و به حرکت درآورد. در تورات نیز به همین امر تصریح شده است:
  - پادشاه شمال، با ارابه‌ها و سواران و کشتی‌های بسیار، مانند گردباد به ضد او خواهد آمد و به زمین‌ها سیلان کرده، از آن‌ها عبور خواهد کرد.
  - و به فخر زمین‌ها وارد خواهد شد. (کتاب دانیال نبی، باب ۱۱)
  - و در اوستا نیز به آمدن نیروهای اهریمن از باختر و خاورزمین و آمدن سوشیانس پیروز از مشرق زمین تصریح شده است:
  - اهریمن مرگ‌آفرین سالار دیوان از سرزمین‌های اباختر پیش تاخت...
  - بدان هنگام که سوشیانت پیروز و دیوافکن ... از سرزمین‌های نیمروز (شرق) پا به پهنه‌ی زندگی گذارد (ظهور کند) (وندیداد، بخش ۱۹)
  - ای دروج... به سرزمین‌های اباختر دور شو و بمیر (وندیداد، بخش ۳:۲۱)
- بنابراین طبق احادیث و متون کتب آسمانی، اساساً غرب و شمال و اباختر محل

۱. معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۳.

۲. بشاره الاسلام، ص ۲۰۵.



استقرار و پیش‌تاختن نیروهای دجال و اهریمن است، که در آخرالزمان حکومت و سلطه و سیطره جهانی دجال نیز آن‌جا مستقر شده و از آن‌جا هم تهاجمش را به شرق و علیه مسلمانان و امام زمان (عج) شروع خواهد کرد.

## 6) خصلت ضد بشری دجال:

• و یخرجون له الکنوز و یقتلون له الناس (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۵)

و منابع زیرزمینی مردم را غارت کرده و مردمان را برای منافع دجال می‌کشند و آن‌ها را قربانی منافع خودشان می‌کنند.

از آن‌جایی که دجال خودش شیطان بوده و معاون شیطان اصلی و بزرگ است و پیروان و نیروهایش هم انسان‌های شیطان‌گونه خواهند بود - و یا امر ابلیس الأكبر ذریته باتباعه. و از آن‌جایی که شیطان دشمن بشر می‌باشد - انه لکم عدو مبین - طبعاً دجال و نیروهایش نیز خصلت ضد بشری خواهند داشت و دنیا و آخرت انسان‌ها را به تباهی خواهند کشاند و عنداللزوم دست به کشتار انسان‌ها هم خواهند زد، و یقتلون له الناس.

از کتاب دانیال نبی:

• در زمان آخر... پادشاه شمال... با خشم عظیمی بیرون رفته اشخاص بسیاری را تباه کرده، به کل هلاک خواهد ساخت (دانیال نبی، باب ۱)

و حتی آب و هوا و گیاه و غذاها را هم عمداً فاسد خواهند کرد:

• ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس. سوره روم، ۴۱.

همان‌طور که گفته شد از دیهاک اسم دیگر دجال در اوستا می‌باشد، و دیوی است انسان



ستیز که به بند کشیده شده است اما در آخرالزمان از بند رها شده و جهان را با سیستمی اهریمنی به فساد می‌کشاند، و احتمالاً ضحاک در اوستا همان معرب اژدیهاک می‌باشد:

• هنگامی که اژدیهاک زنجیر بگسلد و آزمندانه به جهان روی آورد و

گناهان بی‌شمار از او سرزند... و به آب و آتش و گیاه آسیب رساند.<sup>1</sup>

جنته نار، او با وعده بهشت می‌آید اما دروغ می‌گوید و مردم را می‌فریبد و در عمل زندگی مردمان را تبدیل به جهنم می‌کند، هم در دنیا و هم در آخرت.

و چنانچه گذشت، مارک تواین نویسنده آمریکایی، دوران خود را «عصر آب طلایی» نام نهاد. عصری که صورت ظاهر آن پر زرق و برق و درخشان و طلائی است ولی آنچه در زیر آن است عبارت است از بیکاری عمومی، فقر و جامعه‌ای از هم گسیخته.

بنابراین سیستم دجال و یا اژدیهاک به قول اوستا، سیستمی ضحاک‌گونه و ضدبشر خواهد بود، که با کشتار و فساد و یا حتی به قول اوستا با آلوده کردن آب و هوا و گیاه، زندگی مردمان را تباه خواهد کرد.

## 17 اتحاد و هم‌پیمانی با دیگر دولت‌ها و قدرت‌ها:

طبق احادیث، دجال، کشورها و دولت‌های مختلف را هم‌پیمان و متحد کرده و در خدمت اهداف خودش آن‌ها را به کار خواهد گرفت، از جمله برای گسترش سیطره خود بر کل کره زمین و جنگ با مخالفین و در نهایت جنگ با شیعه و امام زمان:





(فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶)

• یأتی الأمم فیستمدهم

ملت‌ها را متحد و جمع کرده و از آن‌ها کمک خواهد گرفت. و به ویژه کشورها و دولت‌های مغرب زمین را:

• ویستمدون اهل المغرب فیجتمعون علیه ما اجتماعو علی احد<sup>1</sup>

عرب‌های سنی و ضد شیعه هم با او هم‌پیمان شده و از عوامل او خواهند بود (در حدیثی پیامبر(ص) فرمود: هر کس با اهل بیت من ضدیت کند در زمان دجال به او ایمان آورده و با یهود محشور می‌شود) که نهایتاً به عنوان (سفیانی) و جزو لشکر او در خاورمیانه با نیروهای شیعی وارد جنگ شده و ابتدا با اشغال لبنان و سوریه و مصر و عراق و سپس تهاجم و محاصره ایران همراه با نیروهای غربی پیروز شده ولی نهایتاً با ظهور امام زمان(عج) شکست خواهند خورد (در مقاله جداگانه‌ای به سفیانی به عنوان یکی از علایم مهم خواهیم پرداخت).

• ان صاحب المغرب و بنی مروان و قضاع تجتمع علی رایات سود فی

(فتن ابن حماد، حدیث ۷۶۴)

بطن الشام.

غربیها و سنیهای ضد شیعه در شام بر ضد نیروهای شیعی و ایرانی متحد خواهند شد. در انجیل نیز به اتحادیه قدرت‌های شیطانی در آخرالزمان چند جا اشاره شده است:

• زیرا که آن‌ها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌سازند و بر

پادشاهان تمام ربع مسکون خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ آن

روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند. و ایشان را به موضعی که

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶.



آنرا در عبرانی حارمجدون می خوانند، فراهم آوردند.<sup>1</sup>  
و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته اند  
بلکه یک ساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می یابند. این ها یک  
رای دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می دهند.<sup>2</sup>

### 18 استخراج معادن و رفاه عمومی توسط دجال:

دجال در همه کره زمین بر معادن زیرزمینی دست انداخته و آن ها را استخراج خواهد کرد.

• و یخرجون له كنوز الأرض و یقتلون له الناس، گنج های زمین را برای او استخراج کرده و مردمان را کشتار می کنند. یعنی هر کجا هم مانع استخراج معادن زیرزمینی توسط آن ها بشوند، وارد جنگ شده و دست به کشتار می زنند.

فیظهرون له الكنوز فلا یمرون بخربة ولا أرض فیها كنز إلا نبذ إلیه

کنزه... (معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۲، ص ۹۲ و ص ۹۴)

یعنی از هیچ زمینی سرزمینی که در آن معدن و گنجی باشد، چه اباد و چه ویران، صرف نظر نخواهند کرد و معدن و گنجش را استخراج خواهند کرد.

1. مکاشفات یوحنا، باب ۱۶.

2. مکاشفه 17. کشیسه های سوئد با استدلال با همین قطعه از انجیل، اتحادیه اروپا را اتحادیه ای شیطانی قلمداد کرده و با پیوستن سوئد به اتحادیه اروپا مخالفت کردند.



- ویجیء إلى الأرض فيقول أخرجني ما فيك من الذهب فتلفظه<sup>۱</sup>  
کاري مي کند که زمین تمام طلاهایش را بیرون ریزد، یا تمام طلاهای زمین را استخراج  
مي کند.
- در زمان آخر ... پادشاه شمال ... بر خزانه‌های طلا و نقره و بر همی  
نفایس مصر استیلا خواهد یافت.  
خلاصه با استخراج تمام معادن از یک طرف و تسلط بر آب و هوا و دریا و زمین و بذر  
و کلاً کشاورزی از طرف دیگر، رفاه و فراوانی با خود به بار آورده و فراوانی بر زمین  
ظاهر می شود:
- قال: ويقبل الدجال ومعه أنهار وثمار، يأمر السماء أن تمطر فتمطر،  
ويأمر الأرض أن تنبت فتنبت، معه جبل من ثريد فيه ينابيع السمن،  
به طوری که حتی عده‌ای از دین‌دارها هم جذبش می شوند:
- يخرج الدجال فيتبعه ناس يقولون نحن نشهد أنه كافر وإنما نتبعه  
لأننا كل من طعامه ونرعى من الشجر فإذا نزل غضب الله نزل عليهم  
جميعاً.  
(فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۴۸)
- یعنی با نعمت‌ها و فراوانی‌هایی که در زمین ایجاد می کند همه را حتی دین‌دارها را هم  
به سوی خودش جذب می کند.



## 9) پیشرفت معجزه آسای علم و تکنولوژی در عصر دجال

دجال به بالاترین علم و توان بشری دست می‌یابد طوری که پایش به اعماق دریاها و سواری‌هایش به بالای ابرها راه می‌یابد، و با سرعت سرسام‌آور حرکت می‌کند و کوه‌ها را که جلوی راه‌اند کنار می‌زند و راه باز کرده و جاده‌ها را گسترش می‌دهد، و ابرها را می‌باراند و در پزشکی تا حد زنده کردن مرده پیش می‌رود و... که در اثر این پیشرفت‌ها، اعجاب همه را تا حد پرستش برمی‌انگیزد.

- ویریء الأکمه والأبرص حتی یتعجب الناس<sup>1</sup>، یعنی در پزشکی به قدری پیشرفت می‌کند که صعب‌العلاج‌ترین مریضی‌ها را خوب کرده و تعجب و تحسین آدم‌ها را برمی‌انگیزد...

وشیدوا البنیان، ساختمان‌های بلندبالا و مستحکم می‌سازند و در ساختن بلندترین ساختمان‌ها مسابقه می‌گذارند: و تطاولوا فی البنیان.

- یتوی له الارض یعنی وسیله نقلیه‌ها به قدری سرعت می‌گیرند که طی الارض می‌کنند.

- یخوض البحار. به زیر دریاها خوض می‌کند. (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۷)

بر خر دجال<sup>2</sup> هرچه که بخواهید یافت می‌شود (این جا خر به معنی بازار است، چون در زمان‌های قدیم اجناس را بر خری بار زده و در کوچه‌ها برای فروش می‌گرداندند و این یعنی اوج تولیدات صنعتی و امکانات رفاهی و در دسترس بودن همه چیز در بازارهایش)

1. معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۲، ص ۸۵

2. معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۲، ص ۹۲



• تسخر له الجبال والأنهار والسحاب<sup>۱</sup>. کوه‌ها و آب‌ها و دریاها را تسخیر می‌کند.

• يقول للجبال تنحي عن الطريق فتفعل. (فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶)

یعنی به کوه‌ها عملاً می‌گوید از سر راه‌ها کنار برو و کنار می‌رود.

و برای همین در احادیث و همین‌طور در انجیل گفته شده که دجال از خود معجزه‌ها نشان می‌دهد، چرا که این امور در تاریخ بشر بی سابقه است و شبیه معجزه!

• زیرا که آن‌ها... معجزات ظاهر می‌سازند. (مکاشفات یوحنا، باب ۱۶)

• ویأمر الريح فتثير السحاب من البحر فتمطر الأرض فتنتب، ابرها را باردار کرده و باران می‌باراند.

### 10) دجال بزرگ‌ترین فتنه عالم:

• و جميع ساكنان جهان، جز آنانی که نام‌های ایشان در دفتر حیات...

مکتوب است او را خواهند پرستید. (انجیل مکاشفات، باب ۱۳)

دجال بزرگ‌ترین فتنه از آدم تا قیامت بوده و هفتمین فتنه، بعد از پیامبر می‌باشد.

در احادیث برای بعد از پیامبر(ص) هفت فتنه بزرگ ذکر شده که دجال آخرین و بزرگ‌ترین آن‌ها خواهد بود - این مورد نیز در ضمیمه جداگانه توضیح داده خواهد شد - با توجه به ویژگی‌هایی که تا این‌جا برای فتنه دجال از احادیث استخراج کرده و برشمردیم، از جمله شیطانی بودن آن، جهانی و جهان‌گستر بودن آن و امکانات

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶.



شگفت‌انگیز و معجزه‌آسای آن، این سیستم شیطانی همه امکانات شیطانی و جهنمی خود را به کار خواهد گرفت تا انسان‌ها را از خدا و دین و ایمان دور کرده و زمین را پر از فتنه و فساد کند تا بدینوسیله انتقام شیطان را هم‌زمان از خداوند و از بنی آدم بگیرد و بنابراین فتنه‌ای سیاه و جهان‌گستر را بر روی کره زمین، خواهد گستراند، فتنه‌ای بفرموده پیامبر چونان ابره‌ای متراکم و چون شب‌های سیاه، که چون امواج خروشان دریا موج پشت سر موج خواهد آمد و همین دلیل است که فرمودند فتنه دجال بزرگ‌ترین فتنه همه دوران‌ها خواهد بود و جهان را پراز فتنه خواهد کرد:

• انها لم تكن فتنة في الأرض أعظم من فتنة الدجال. (معجم ج ۲، ص ۱۲)

فتنه و تبلیغات گسترده و غیراخلاقی و ضددینی‌اش، به کل کره زمین گسترش یافته و به اعماق خانه‌ها داخل خواهد شد و خانه‌ای نمی‌ماند که وارد نشود.

• فتنة لا يبقي بيت من العرب الا دخلته. (بشارة الاسلام، ص ۴۲)

که این نیز در نوبه خود در تاریخ بی‌سابقه است که گروهی یا نیرویی بتواند به کل کره زمین دست اندازی کرده و با تبلیغات فتنه‌آمیز و گمراه‌کننده‌اش وارد همه و تک تک خانه‌ها در کل کره زمین شود، - امروزه ما که با پدیده اینترنت و ماهواره آشنا هستیم و شاهد هستیم که چگونه با آن‌ها حتی در دور افتاده‌ترین نقاط جهان غیر اخلاقی‌ترین فیلم‌ها و فتنه‌ها را تا اعماق خانه‌ها نفوذ داده‌اند!

و لذاست که از دین و خدا بد گفته و مایه بدبختی‌اش می‌شمارد و گمراهی و فساد را به عنوان بهشت و عامل خوشبختی معرفی می‌کند:

• معه نهر ماء ونهر نار وجنة خضراء ونار حمراء فناره جنة وجننه نار...

با پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی و با رفاه گسترده و عدل نسبی همه را به خود



جلب کرده و تاحد ادعای خدایی پیشرفته و انسان‌ها را به پرستش و تسلیم در مقابل خودش می‌کشاند:

• سی‌حمد عدله فیتبعه ناس یقولون نحن نشهد أنه کافر وإنما نتبعه لنا کل من طعامه: (فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۴۸)

• تمامی جهان... آن اژدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش کردند و وحش را سجده کرده. (مکاشفات یوحنا، باب ۱۳)

رابطه‌اش با یهود و اعراب ضدشیعیه دوستانه است اما به طور کلی از مسلمانان نفرت دارد.

• وجل تبعه الیهود والأعراب ویقترو علی المسلمین<sup>1</sup>...

آری این چنین است فتنه‌های دجال، فتنه‌هایی که در آن حتی انسان‌های مومن به سادگی ایمان خود را از دست خواهند داد و بی‌دین و ایمان خواهند شد: یصبح مومنًا و یمسی کافرًا.

## 11) اشاعه کفر توسط دجال:

دجال و سیستم دجالی در آخر الزمان سعی خواهد کرد دین و خداپرستی را تضعیف کرده و کفر و بی‌دینی را در زمین گسترش دهد و کلاً ماهیتی کفرآمیز و ضد دین دارد - مکتوب علی جبینہ کفر -

• بین عینیه مکتوب «کافر» یقرأه کل کاتب وامی. (بحار، ج ۵۲، ص ۱۹۱)

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۰۶.



بر پیشانی اش کفر نوشته شده است. طوری که طبق احادیث سکه دین از رونق افتاده مومن غریب و تنها می شود و مورد تحقیر و تمسخر قرار می گیرد و انسان ها از خدا و دین فاصله گرفته و از آن بیزار می جویند و حتی انسان های مومن به راحتی از ایمان تهی می شوند - یصبح مومناً و یمسی کافرا - و مساجد و معبدها از تقوی و هدایت تهی شده و فقط ساختمان و ظاهر مساجد هر روز مجلل تر می شوند و از درون برعکس تهی تر- عظیم فی البنیان خراب من الهدی و الایمان.

• عن ابن عباس، قال: «ما كثرت ذنوب قوم إلا زخرفت مساجدها، وما

زخرفت مساجدها إلا عند خروج الدجال» (الفتن للدانی، حدیث ۴۱۸)

و مفاهیم دینی از بین رفته، حرمت ها شکسته شده و در یک کلام معروف، منکر شده و منکر، معروف می شود و زمین از ایمان خالی می شود:

• به شما می گویم که به زودی دادرسی ایشان را خواهد کرد. لیکن چون

پسران شان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟ (انجیل لوقا باب ۱۸)

## 12) فساد اخلاقی و اجتماعی در عصر دجال:

دجال در آخرالزمان خیلی شدیدتر و گسترده تر از هر زمان دیگر طبق آیه مبارکه ... مثل زمان سلیمان به وسیله یهود، زمین را پر فساد می کند. لتفسدن مرتین... فساد گسترده ای که همه جای کره زمین را در بر می گیرد، ظهر الفساد...

• آن فاحشه ی بزرگ را جزا داده که زمین را با زنایش به فساد کشید.

که جزاهایش حق است و عدل است. (مکاشفات یوحنا 19:1)





در احادیث از فساد آخرالزمان به وفور سخن رفته است و از جمله در حدیث<sup>۱</sup> صعصعه ابن صوحان که از حضرت امیر(ع) پرسید: یا امیرالمومنین متی یخرج الدجال؟ حضرت در جواب مفصل فسادهایی را برشمرد که مشخصات عصر دجال می باشد و فرمود آن گاه که این فسادها آشکار شود:

• یا امیرالمومنین متی یخرج الدجال؟ قال له علی علیه السلام:

... احفظ فان علامة ذلك،

إذا أمات الناس الصلاة، مردم نماز را ترك می کنند.

أضاعوا الأمانة واستحلوا الكذب، امانت از بین رفته دروغ زیاد می شود.

وأكلوا الربا، وأخذوا الرشاً، ربا و رشوه عمومی می شود.

شیدوا البنیان، وباعوا الدین بالدنیا، ساختمان های مستحکم می سازند و

دین را ترك کرده به دنیا می چسبند.

واستعملوا السفهاء، وشاوروا النساء، دنیاپرستان بی دین رأس امور قرار

می گیرند و با مشورت زنان کار می کنند (من يعرض عن ملة ابراهيم الا

من سفه نهسه)

وقطعوا الارحام، واتبعوا الاهواء، روابط فامیلی سست شده هرکس دنبال

خوشگذرانی خودش می رود.

واستخفوا بالدماء، به راحتی خون انسان ها ریخته می شود.

وكانت الامراء فجرة، والوزراء ظلمة، حکومتگران ظلم و فسق و فجور



پیشه می‌کنند.

والعرفاء خونة، والقراء فسقة، مدعیان دین و قران خائن و فاسق می‌شوند.

واستعلن الفجور، وقول البهتان، والاثم والطغیان، فسق و فجور و طغیان در مقابل خدا علنی می‌شود.

وحلیت المصاحف، وزخرفت المساجد، وطولت المنار، قران‌های زیبا منتشر می‌شود و مساجد اراسته با مناره‌های بلند ساخته می‌شود.

وشارك النساء أزواجهن في التجارة حرصا على الدنيا، برای درآمد بیشتر زن‌ها هم مثل مردان وارد کسب و کار و تجارت می‌شوند.

واتخذت القیان والمعازف، ترانه‌خوان‌ها و موسیقی‌ی زیاد می‌شود.

لن آخرهذه الامة أولها، مسلمانان اولیه مورد نفرت و نفرین قرار می‌گیرند (که چرا اسلام آوردند).

وتشبه النساء بالرجال والرجال بالنساء، زن‌ها و مردها شبیه هم می‌شود.

وتفقه لغير الدين، علما و فقها دین را در خدمت دنیا و دنیاپرستی خودشان قرار می‌دهند.

و این چنین است جامعه در هم ریخته و از هم گسیخته و به دور از دین و اخلاق و معنویت عصر دجال، به توصیف امیرالمومنین علی(ع).

- فالشقی من صدقه، والسعید من کذبه، شقاوتمند کسی است که شیفته فریب‌ها و ویژگی‌های آن شده و تأیید و تصدیقش کند و سعادت‌مند کسی که ماهیت شیطانی آن را تشخیص داده و تکذیبش کند.



اما این فساد طبق حدیثی، در غرب شدیدتر و گسترده‌تر خواهد بود:

- و اذا كثر الفساد بالمغرب. (بشاره الاسلام، ص ۸)

### 13) دجال و زنان:

دجال از زن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌برد اهداف ضددینی و ضدانسانی‌اش و گسترش فساد، سوء استفاده کرده و آن‌ها را به فساد می‌کشاند و لذا فرمودند: یکتر الطلاق و یکتر اولاد الزنا. یعنی آن زمان زنا و طلاق زیاد می‌شود و طبق آیه مبارکه: رابطه زن و شوهرها را خراب کرده همه جا آمار طلاق را بالا برده و خانواده‌ها را متلاشی می‌کند.

و در نتیجه طبق پیشگویی احادیث فساد اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرده، روابط نامشروع اعم از زنا و هم‌جنس بازی را در جامعه اشاعه می‌دهد. و اولاد زنا زیاد می‌شود، اکثر اتباع الدجال الیهود و النساء و العرب و اولاد الزنا. احادیث زیادی در باره فساد و عریان شدن زن‌ها در دوره دجال وارد شده است.

### 14) دجال بزرگ‌ترین پدیده در تاریخ بشر:

با توجه به ویژگی‌هایی که تا این جا برشمردیم که همه از احادیث استخراج شده، شکی نمی‌ماند که فتنه دجال نه تنها بزرگ‌ترین فتنه عالم، بلکه و همین‌طور بزرگ‌ترین پدیده تاریخ بشر هم هست لذا در حدیثی که از حضرت رسول (ص) وارد شده از دجال به عنوان بزرگ‌ترین پدیده تاریخ بشر یاد می‌شود:

- عن هشام بن عامر قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما



بین خلق آدم علیه السلام إلى قیام الساعة أمر أكبر من الدجال<sup>۱</sup>

یعنی از حضرت آدم تا قیام قیامت پدیده‌ای و امری بزرگ‌تر از دجال وجود ندارد، که با این ویژگی‌ها واقعاً هم بزرگ‌ترین پدیده‌ی تاریخ بشر است و در طول تاریخ هرگز قدرتی با این ویژگی‌ها وجود نداشته است. از جمله همین تسلط و سیطره بر کل جهان کافی است که بزرگ‌ترین پدیده تاریخ بشر شود، چرا که قبل از آن کل کره زمین حتی کشف نشده بود، تا چه رسد که قدرتی یا نیرویی بر کل آن تسلط و سیطره بیابد.

### 16) انسان‌هایی مؤمن در عصر دجال:

بنابراین با همه این تفصیلاتی که گذشت، و با وجود این مسائل و فتنه‌های سیاه و فریب و فساد و تبلیغات ضد‌دین و ضد‌خدا، به اضافه سوء‌استفاده از زن‌ها و زن‌های عریان مثل حورالعین که دجال برای فریب مردمان آن‌ها را به کار خواهد گرفت، و با مجموعه این مسائل که گفته شده در عصر دجال خواهد بود، هر کس دوره دجال را درک کند و به او ایمان نیابد، گمراه نشود و بر سر ایمانش ثابت قدم بماند، از صدیقین محسوب می‌شود و به بهشت می‌رود.

• من صبر علی فتنة الدجال لم یفتتن ولم یفتن أبدا حیا ولا میتا ومن

أدرکه ولم یتبعه وجبت له الجنة. (فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۴۷)

### 17) سمبل و علامت دجال:

فتنه دجال سمبل و علامت مخصوصی دارد که یک چشم درخشان بر پیشانی می‌باشد

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۴۵۰.



که در زمانش همه جا ظاهر می شود : ظهر علم العین للدجال<sup>۱</sup>.

- عینه الیمنی ممسوحة والاخری فی جبهته، تضییع کأنها کوکب الصبح،  
فیها علقة کأنها ممزوجة بالدم،

### 18) یکی بودن ماهیت دجال و روم و یهود:

طبق احادیث، روم و دجال و یهود هم صف و هم پیمان و دارای ماهیت واحد بوده هم زمان و با هم به لشکر امام زمان (عج) حمله کرده و نهایتاً با هم شکست می خورند.

### 19) زمان خروج دجال:

طبیعی است که این همه کارهای عظیم و گسترده و شگفت انگیزی که برای دجال در احادیث ذکر شده مدت زمان طولانی می خواهد و آن همه کار در یکی دو سال محقق شدنی نیست. لذا در حدیثی مدت زمان استقرار دجال بر زمین را چهل سال ذکر می کند - یمکث فی الارض اربعین سنة<sup>۲</sup> - دجال چهل سال (یا چندین دهه) در زمین مستقر شده و می ماند و با توجه به این که اندکی بعد از ظهور از بین میرود بنابراین می توان گفت که چهل سال و یا چند دهه قبل از ظهور خروج کرده و بر زمین سیطره می یابد و با ظهور بساطش برچیده شده و متلاشی می شود و با شکست دجال به دست امام زمان (عج) در مرحله دوم و ملحمه کبری - سیستم ضدانسانی جهانی اش از هم پاشیده و کره زمین به طور کلی آزاد می شود و از لوث وجود شیطان و ظلم و ستم و

1. شبیه علامت چشم جهان بین ایلومیناتی که یک چشم درخشان بر پیشانی هرم می باشد و همه جا پخش کرده اند.

2. معجم احادیث امام مهدی، ج ۲، ص ۴۴.



كفر و شرك پاك مي‌شود و حكومت عدل جهاني الهي و صلح كل مستقر مي‌شود و اشرف الارض بنور ربها. و زمين با نور پروردگارش كه حجه ابن الحسن باشد شكوفان و درخشان مي‌شود.

اکنون يك بار ديگر ويژگي‌هاي فوق را جمع‌بندي کرده و خلاصه‌وار مرور مي‌کنيم ويژگي‌هایی که تماماً در احاديث آمده است، احاديثي که هزار و دوست سال پيش در اوایل سده سوم هجري توسط يکي از علما و محدثين مشهور اهل سنت به اسم نعيم ابن حماد در کتاب مشهور فتن ابن حماد و همين‌طور در ديگر کتب قديمي شيعه و سني از صدها سال پيش جمع‌آوري شده است و اين احاديث به قدری زياد است که به حد تواتر مي‌رسد و سپس در مسجدها و منبرها توسط علما و روحانيون براي مردم بازگو شده و در نتيجه کمتر کسي است که از زبان پدران و مادران و پيران چيزي درباره دجال و خر دجال به همين شکل رمزي و تفسير نشده‌اش نشنیده باشد.



## جمع‌بندی احادیث:

اگر بخواهیم احادیث و ویژگی‌های فوق را بعد از رمزگشایی خلاصه و جمع‌بندی کنیم نتایج زیر به دست می‌آید:

در آخرالزمان، ده‌ها سال یا چهل پنجاه سال (چهل می‌تواند به معنی خیلی زیاد هم باشد) قبل از ظهور امام زمان (عج) (یمکث فی الارض اربعین سنة)، خروج و انقلاب<sup>1</sup> و تحولی فراگیر و جهانی (یظهر علی الارض کلها) اتفاق خواهد افتاد که در عین حال که خصلتی ضد دین، فتنه‌گرانه و ملحدانه و فریبکارانه و دجال منشانه خواهد داشت، در همین حال انقلاب و تحولی علمی، صنعتی، رفاه‌آور و سیاسی (تسلط سیطره بر کل زمین) خواهد بود با ویژگی‌های منحصر به فرد و شگفت‌انگیزی که در تاریخ نمونه نداشته و از هر نظر بزرگ‌ترین تحول و پدیده تاریخ بشر (اکبر امر من لدن آدم الی قیام الساعة) خواهد بود، که سعی بر ایجاد یک حکومت واحد جهانی اما شیطانی خواهد کرد و بنابراین چیزی معادل و هم‌سنگ ظهور امام زمان (عج) اما در بعد منفی و خلافش خواهد بود. این تحول و انقلاب جهانی، مشخصات زیر را خواهد داشت:

۱- این تحول همان‌طور که گفته شد، جهان شمول خواهد بود و همه کره زمین را دربر خواهد گرفت.

به لحاظ سیاسی هم چون یک قدرت فراگیر و جهان‌گستر سعی خواهد کرد بر همه کره زمین مسلط شود ولو با جنگ‌ها و درگیری‌ها.

---

1. یکی از معانی خروج در احادیث می‌تواند انقلاب باشد، مثل خروج مصری یا خروج یمانی یعنی انقلاب مصری، انقلاب یمانی یا خروج قومی در مشرق یعنی انقلابی در ایران.



به لحاظ اقتصادی معادن زیرمینی را استخراج کرده و به ثروت‌ها، نعمت‌ها و رفاه گسترده دست یافته و آن‌را گسترش داده و انسان‌ها را به سوی خود جذب خواهد کرد - مگر اقلیت بسیار کمی از مومنین را -

۲- در این تحول پیشرفت‌های شگرف و معجزه‌آسای علمی و صنعتی اتفاق خواهد افتاد، پیشرفت‌هایی که در ایام قدیم حتی در تصور هیچ بشری هم نمی‌گنجید (همچون رفتن به بالای ابرها و اعماق دریاها و کندن کوه‌ها و بارش باران مصنوعی) لذا از آن‌ها در احادیث به عنوان معجزات دجال یاد شده است.

۳- اکثر گردانندگان اصلی و اتباع آن یهود خواهد بود. (اکثر اتباعه یهود) چنانچه هم اکنون نیز سرمایه جهانی و شرکت‌های عظیم چند ملیتی عمدتاً در دست یهود بوده و به لحاظ سیاسی نیز این لابی‌های قدرتمند یهودی است که آمریکا و اروپا را می‌چرخاند، و در دیگر صحنه‌ها هم افراد تأثیرگذار ریشه یهودی داشتند، مثل انیشتن و مارکس و انگلس و...

۴- این سیستم جهانی اهداف پلید شیطانی در سر داشته و خصلت ضددینی ضداخلاقی، ضدبشری و کفر آمیز خواهد داشت و سعی در گمراه کردن و حداکثر فریب بشریت خواهد کرد و احياناً با جن و شیطان و شیطان‌پرستی هم مثل زمان حضرت سلیمان(ع) در ارتباط خواهد بود. لذاست که این سیستم در احادیث، فریبگر و آب طلاکار یا دجال نامیده می‌شود و در اوستا، فریفتار؛ چرا که به عموم مردم وعده رفاه و بهشت روی زمین می‌دهد ولی به اسم خوشبختی و بهشت همه را به بدبختی و گمراهی و جهنم می‌کشاند. چنانچه «مارک تواین» نویسنده آمریکایی، نیز این دوران را «عصر آب طلائی» نام نهاد. عصری که صورت ظاهر آن پرزرق و برق و





درخشان است ولی آنچه در زیر آن عبارت است از بیکاری عمومی، فقر و جامعه‌های از هم گسیخته.

۵- آماده شدن مقدمات حکومت واحد جهانی: اکنون خواننده بصیر و آگاه با توجه به این ویژگی‌ها و مشخصات که برای دجال ذکر شده، و به راحتی مصداق تک‌تک آن‌ها را در دنیای خارج از ذهن مشاهده کرده و بدون هیچ ابهام و تعجبی آن‌ها را می‌فهمد، به یاد آورد فرمایش خداوند را به دانیال نبی که تا وقتش نرسد، کسی آن‌ها را نخواهد فهمید، اما وقتش که رسد حکیمان آن‌را خواهند فهمید.

آیا دجال خروج نکرده؟ آیا در عصر دجال به سر نمی‌بریم و طبعاً عصر ظهور؟ مطالب دیگری که به این موضوع ارتباط می‌یابد در طی چند ضمیمه جداگانه توضیح داده خواهد شد:

### ماهیت دجال:

۱- از مجموع احادیث و روایات و آنچه که در تورات و انجیل و اوستا در این مورد آمده برمی‌آید که دجال نه یک شخص فقط بلکه یک سیستم گسترده و مسلط جهانی خواهد بود که همه کره زمین را تحت پوشش و سیطره خود گرفته و زمین را پر از جنگ و آشوب و قتل و کشتار و اضطراب و وحشت و کفر و الحاد و فسق و فجور و فساد - علایم آخرالزمان - خواهد کرد - *یظهر علی الارض کلها* - بر کل کره زمین ظاهر یا مسلط خواهد شد.

۲- اما گرداننده اصلی و نهانی این سیستم خود ابلیس و شیطان خواهد بود. او با علم به این که مهلتش رو به پایان است، با خشم تمام کره زمین را به آشوب و جنگ و فساد



و تباہی خواهد کشاند؛

- از این جهت... وای بر زمین و دریا زیرا که ابلیس به نزد شما فرود آمده است با خشم عظیم، چون می‌داند که زمانی قلیل دارد.<sup>۱</sup>
- وحش چهارم سلطنت چهارمین بر زمین خواهد بود و مخالف همه سلطنت‌ها خواهد بود و تمامی جهان را خواهد خورد و آن را پایمال نموده، پاره پاره خواهد کرد.<sup>۲</sup>
- ۳- اما شیطان این فتنه‌ها را به وسیله‌ی معاونش که از جن است و دجال اصلی خواهد بود اجرا خواهد کرد و همه توان و نیرویش را در اختیار او خواهد نهاد:
- و یأمر ابلیس الأكبر ذریته باتباعه.

در انجیل، دجال و نیروهایش، وحش و نبی کاذب و اژدها و در بعضی جاها همان دجال نامیده می‌شود و خروج دجال این چنین توصیف می‌شود:

- و اژدهای بزرگ ... یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد... و او بر ریگ دریا ایستاده بود. و آن وحش را که دیدم... و اژدها قوت خویش و تخت خود و قوت عظیمی به وی داد... تمامی جهان ... آن اژدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش کردند...

(مکاشفات یوحنا باب ۱۳)

بنابراین دجال طبق احادیث و روایات و تورات و انجیل و اوستا، انسان نبوده، بلکه از شیاطین جن می‌باشد که دستیار شیطان بوده و در جزیره‌ای به وسیله‌ی سلیمان نبی به بند کشیده شده (چون در زمان حضرت سلیمان ارتباط با جن و شیاطین در بین یهود

1. (مکاشفات یوحنا، 12:12)

2. دانیال، باب ۷.



به شدت گسترش یافته بود و حضرت سلیمان با آن به مبارزه برخاست و احتمالاً استاد بزرگشان از جن را با قدرت نبوی اش به بند کشید):

- ليس الدجال إنسان إنما هو شيطان في بعض جزائر البحر موثق بسبعين حلقة لا يعلم من أوثقه أسلمين ام غيره فإذا كان أول ظهوره فك الله عنه. (فتن ابن حماد ص 371)

که در آخرالزمان از بند رها خواهد شد. و ماهیت واحد ابلیس و دجال به این شکل بیان شده:

- و ابلیس که ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد شبانه روز عذاب خواهند کشید. (انجیل مکاشفات یوحنا باب ۲۰ آیه ۹)

- و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت... (مکاشفات یوحنا باب ۲۰ آیه ۷)

دجال در کتاب اوستا به نام های اژدیهاک، دروج، دیو اشموغ و فریفتار نامیده می شود و یکی از صفات سوشیانس هم دیو افکن است و حتی گفته می شود مأموریت اصلی سوشیانس برانداختن دیو اشموغ می باشد، و خروج دجال این چنین توصیف می شود:

- تا روزی که اژدیهاک دگر باره زنجیر بگسلد و بنای تباهی و ویرانی بگذارد... (اوستا بخش ۲۹ بند ۷)

- هنگامی که اژدیهاک زنجیر بگسلد و آزمندان به جهان روی آورد و گناهان بی شمار از او سر زند... و به آب و آتش و گیاه آسیب



رساند... پس سوشیانس‌ها دگر باره جهان را پاك كنند.<sup>۱</sup>

- تا بدان هنگام كه سوشیانت پیروز و دیو افكن ... از سرزمین‌های نیمروز (شرق) پا به پهنه‌ی زندگی گذارد. (ظهور کند) (وندیداد ۱۹:۵)
- اهریمن مرگ آفرین سالار دیوان از سرزمین‌های ایاختر پیش تاخت.<sup>۲</sup>
- در آن هنگام كه ... سوشیانس پدیدار شود (ظهور کند)... دروج (دجال) دیگر باره بدان جایی رانده شود كه از آن‌جا آسیب‌رسانی به اشونان و تبار و هستی آنان را آمده بود. (اوستا زامیاد یشت ۱۱)

بنابراین دشمن اصلی حضرت، طبق احادیث و روایات و تورات و انجیل و اوستا، در درجه اول خود شیطان و سپس معاونش دجال كه از جن می‌باشد و نیروها و لشکریان دجال از انس و جن، می‌باشند چنان‌چه دشمنان همه انبیا هم به همین شكل از جن و انس و تحت امر شیطان بودند:

- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا... (انعام/ ۱۱۲)

۴- یوحی بعضهم الي بعض، نشان دهنده‌ی ارتباط بین شیطاین انس با شیطاین جن می‌باشد. كه همین‌طور هم هست چرا كه طبق احادیث و تورات و انجیل، دجال جن با یهود ارتباط برقرار خواهد كرد و آن‌ها را بسیج و سازماندهی کرده و يك سیستم شیطانی را به وسیله‌ی آن‌ها در كل زمین ایجاد خواهد كرد.

۵- و بنابراین از مجموع فاکتورهای فوق از قرآن و تورات و انجیل و اوستا و احادیث

1. بهمن یشت بخش ۹ بندهای ۲۴-۱۲.

2. وندیداد ۱:۱۹.



نتیجه می‌گیریم که: دجال از جن بوده و دستیار شیطان، که به بند کشیده شده اما در آخرالزمان از بند رها شده و دوباره با به کار گرفتن انسان‌های شیطان صفت - شیاطین الانس - که اکثرشان از یهود خواهند بود، سعی خواهد کرد کل کره زمین را به کفر و فساد کشانده و یک سیستم یا حکومت واحد جهانی - شیطانی و ملحد بر زمین حاکم کند. و زمین را و همه انسان‌ها را تحت تسلط خویش و تحت تسلط شیطان درآورد و دشمن اصلی خدا و خداپرستان و کلاً انسان و انسانیت و طبعاً حضرت ولی عصر (عج) هم همین شیطان و دستیارش دجال و همین سیستم دجالی - جهانی تحت فرمانش، می‌باشد.

### دجال و مصداق آن:

- ۱- دجال بزرگ‌ترین پدیده در تاریخ بشر است. اکبر امر من لدن ادم
- ۲- دجال بزرگ‌ترین فتنه از آدم تا قیامت است. اکبر فتنه فی العالم
- ۳- دجال در تمامی کره زمین ظاهر می‌شود و در جاهایی که مانع‌اش شوند با جنگ پیش می‌رود یظهر علی الارض کلها
- ۴- دجال به بالاترین علم و توان بشری دست می‌یابد طوری که پایش به اعماق دریاها و سواری‌هایش به بالای ابرها راه می‌یابد و کوه‌ها را که جلوی راه‌اند کنار می‌زند و ابرها را می‌باراند و... یمشی علی السحاب و یخوض البحارو...
- ۵- دجال چهل سال یا بیشتر قبل از ظهور ظاهر می‌شود.  
یمکث فی الارض اربعین سنه
- ۶- فتنه دجال به اعماق خانه‌ها داخل می‌شود.



لا یبقی بیت الا دخله

۷- دجال کفر و بی دینی را در زمین گسترش می دهد.

مکتوب علی جبهته کفر

۸- دجال از زنها سوء استفاده می کند و آنها را به فساد می افکند.

من اتباعه النساء، کاشفات عاریات.

۹- هرکس دجال را درک کند و به آن ایمان نیاورد از صدیقین به شمار می آید.

۱۰- دجال از غرب می آید.

الدجال و السفیانی یطلعان من الغرب

۱۱- منشأ دجال یهودیت می باشد و اکثریت نیروها و گردانندگانش یهودیها

هستند. اکثر اتباعه الیهود

۱۲- عربها (از جمله سفیانی) از عوامل او بوده و جزو لشکر او در خاورمیانه

می باشند که با شکست سفیانی خاورمیانه از سلطه دجال آزاد می شود و روم به عنوان

مظهر دجال با آقا قرارداد آتش بس می بندد.

۱۳- حضرت مسیح (ع) هم برای جنگ با دجال نازل می شود.

۱۴- با شکست دجال به دست امام زمان، کره زمین به طور کلی آزاد می شود و

از لوٹ وجود شیطان و ظلم و ستم و کفر و شرک پاک می شود و حکومت عدل

جهانی الهی و صلح کل مستقر می شود و اشرفت الارض بنور رهبا

و امپریالیزم و سلطه جهانی یا استکبار جهانی یا ایلومیناتی و سرمایه جهانی و یا

به هر اسم دیگری که سیستم حاکم بر جهان امروز را بنامیم:

۱- بزرگترین امر و پدیده در طول تاریخ بشر است.



۲- که هیچوقت در طول تاریخ فتنه‌ای به این شکل و به این گستردگی پیش نیامده بود بنابراین به جرأت می‌توان گفت که بزرگ‌ترین فتنه علیه دین و ایمان و اخلاق و کلاً خداپرستی در طول تاریخ است.

۳- بر همه‌ی کره زمین چنگ انداخته و هر جا که در مقابلش ایستاده‌اند، به بهانه‌های مختلف وارد جنگ شده است؛ از ویتنام تا افغانستان و عراق و...

۴- به لحاظ پیشرفت‌های علمی به نقاط تصورناپذیری دست یافته است. با زیردریایی‌ها به اعماق دریاها و با هواپیما و جت و... به بالای ابرها راه برده‌اند. کوه‌ها را مثل پنیر بریده و تونل‌ها و جاده‌ها می‌زنند و ابرها را بارور می‌کنند و می‌بارانند و و  
۵- اکنون بیش از چهل سال است که با سرکردگی آمریکا استعمار کهنه تمام شده و سیستم نوین جهانی، استعماری شروع شده است.

۶- با رسانه‌های هم‌چون تلویزیون و اینترنت تا اعماق خانه‌ها نفوذ کرده‌اند.  
۷- بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین شک‌ها درباره دین و خدا و دینداری را ایجاد کرده و آن‌را غیرعلمی، قدیمی و غیرمتمدن معرفی کرده‌اند و اساساً دین و اخلاق و ارزش‌های الهی را از رونق انداخته و کنار زده‌اند و کفر به امری عادی و پذیرفته شده تبدیل شده است.

۸- از زن‌ها در بدترین شکل ممکن سوء استفاده کرده‌اند و در حد وسیله هوسرانی همه هوسرانان، همه جا به ویژه غرب، آن‌ها را در معرض سوء استفاده قرار داده از کانال‌های تلویزیونی و مجلات کذایی تا فیلم‌ها و خیابان‌ها، به نحوی که اکثریت قاطع جوانان را با این امر سرگرم ساخته و از تفکر و تعقل و جدیت



۹- با وجود تمامی شبهات و فتنه‌های موجود، اگر کسی به یکی از این شیوه‌ها تحت تأثیر و نفوذ آن قرار نگیرد و خودش را پاک و سالم و با ایمان نگه دارد، بدون شك از صدیقین محسوب می‌شود.

۱۰- و بالاخره منشأ و مکان و حاکمیت‌شان در مغرب زمین بوده و در آن‌جا مستقر می‌باشند و از آن‌جا بر جهان حکومت می‌کنند.

۱۱- صاحبان اصلی سرمایه حاکم بر جهان در حال حاضر یهودیان می‌باشند و لابی‌ها و گردانندگان دولت‌ها در پشت صحنه در آمریکا و اروپا آن‌ها هستند و یا اکثر آن‌ها و هم‌پیمانان آن‌جا ساکن‌اند طوری که اگر گفته شود دنیا باز بچه یهود شده، حرف بی‌جایی نخواهد بود.

۱۲- عرب‌ها و عمدتاً اعراب اطراف خلیج فارس هم‌پیمان و یا حتی عوامل دست‌نشانده آن‌ها بوده و اکثراً سنی و ضد شیعه می‌باشند و با تمام قوا با شیعیان وارد جنگ شده‌اند (=سفیانی) و طبیعی است که یهود (=اسرائیل) هم در این جنگ با آن‌ها تا آخر هم‌پیمان خواهد بود.

آیا با این شرح و تفصیل و توضیحات باز هم شکی باقی می‌ماند که دجال ده‌ها سال است که ظهور کرده است و اینک در آستانه ظهور قرار گرفته‌ایم؟



**فصل سوم:**

**سفیانی کیست و چیست؟**



## سفیانی کیست و چیست؟ (بررسی احادیث سفیانی)

خروج سفیانی یکی از علائم حتمیه می باشد که شش ماه قبل از ظهور حضرت خروج می کند بعد شش ماه جنگیدن بر شام مسلط می شود و نه ماه حکومت کرده و هشت ماه بعد از ظهور نابود می شود، امام صادق علیه السلام فرمودند:

• خمس علامات قبل قیام القائم: الصیحة، والسفیانی، والخسف، وقتل النفس الزکیة، والیمانی. (کافی، ج 8/ص 310)

• قلت لابی عبدالله علیه السلام، متی فرج شیعتکم؟ قال: اذا... ظهر السفیانی، و اقبل الیمانی، و تحرك الحسني، خرج صاحب هذا الامر...<sup>1</sup>

برای شناخت درست این پدیده احادیث وارده در باره سفیانی را مورد بررسی قرار می دهیم:

---

1. غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۴۲.



## ماهیت سفیانی:

آنچه که از مجموع روایات بر می آید این است که در دمدمه‌های ظهور و قیام قائم آل محمد (عج) جنگ عظیمی در سوریه و شام درمی‌گیرد که یک طرف آن غرب و متحدانش از اعراب و یهود بوده و در دیگر سو نیروهای شیعه با محوریت ایران قرار خواهد داشت

در رأس و فرماندهی نظامی این نیروی به تعبیر احادیث، عظیم و جرار و سیل‌آسای نظامی، شخصی از نسل ابوسفیان قرار دارد که در بعضی احادیث اسم او عبدالله ذکر شده، که در غرب بزرگ شده و تربیت شده و آدم غربی‌هاست،

• یقبل السفیانی من بلاد الروم ... وهو صاحب القوم. (غیبت طوسی/ص ۲۷۸)

هدف این جبهه عظیم شکست دادن و متلاشی کردن نیروهای شیعی یا جبهه شیعه می‌باشد، که در مقابل جبهه غرب و سفیانی می‌جنگند، فان حنقه - السفیانی - و شرهه انما هی علی شیعتنا. جبهه شیعه بنابر روایات، متشکل خواهد بود از:

۱ و ۲- دو نیروی اصهب و ابقع، در شام،

۳- ایران (اهل المشرق یا خراسانی)،

۴- عراق،

۵- لشکر یمانی

## 1- سفیانی یک حرکت ضد شیعه:

بنابراین بارزترین مشخصه و ماهیت جبهه و لشکر سفیانی در احادیث، ضد شیعه بودن



آن است و اساساً جنگی است علیه شیعه.

- امام صادق علیه السلام: ... فان حنقه- السفیانی- و شرهه انما هي علي شیعتنا...<sup>۱</sup> یعنی همانا که خشم و کینه و حرص سفیانی علیه شیعیان ماست

## 2- ارتباط سفیانی با عرب:

آنچه که از احادیث استفاده می شود این است که سفیانی عامل و دست نشانده غرب بوده و با تحریک و زمینه سازی آن ها جنگ را علیه جبهه شیعی آغاز می کند و وقتی هم کشته می شود غرب یا روم پا پیش نهاده و به شکستش اعتراف کرده و با حضرت قرارداد آتش بس امضا می کند.

- یقبل السفیانی من بلاد الروم... وهو صاحب القوم. (غیبت طوسی ۲۷۸)

یعنی: سفیانی از بلاد روم می آید و دست پرورده و آدم آن هاست

- قال امیرالمومنین: ... الرايات الصفر تقبل من المغرب حتی تحل بالشام وذلك عند الجزع الاکبر و موت احمر... فاذا کان ذلك خرج ابن اكلة الاکباد من الوادي اليابس... فاذا کان ذلك فانتظروا خروج المهدي (عج).<sup>۲</sup>

آن گاه که حمله کنندگان شهاب گونه و پرچم های بنی اصف (بنی اصف، رومی ها هستند و رایات الصفر = پرچم های اروپایی) از مغرب زمین حمله کردند و شام را در جنگی خوف انگیز و مرگ آور اشغال کردند، منتظر سفیانی باشید.

1. غیبت نعمانی، باب ۱۸، حدیث ۳.

2. غیبت نعمانی باب ۱۸، حدیث ۱۶.



ملاحظه می‌شود که ابتدا غرب به شام حمله کرده و شام را اشغال می‌کند تا مقدمه خروج سفیانی را آماده کند، و بعد از حمله و هجوم غربی‌هاست که سفیانی خروج می‌کند.

بنابراین تربیت کننده، زمینه‌ساز و حامی و متحد و محرک سفیانی غرب است و سازمان ملل نیز نیروهای سفیانی را تأیید و حمایت می‌کند.

• ...ویآتی الأمم فیستمدهم علی أهل الشام فیجیبونه وتجمع الیه... (در

عربی به سازمان ملل «الامم المتحده» گفته می‌شود = الامم، تجتمع).<sup>1</sup>

یعنی نیروهای سفیانی از ملل (متحد، یا اتحادیه اروپا یا اتحادیه ناتو و یا همه این‌ها) استمداد می‌کند و آن‌ها به او جواب مثبت می‌دهند در جنگ ایرانی‌ها حضور دارند و در اثر شدت جنگ عده‌ای به مصر و ایرانی‌ها به طرف عراق عقب نشینی می‌کنند:

• ... یخرج عند ذلك السفیانی فیقتلهم حتی یدخلهم مصر ثم یرجع

فیقاتل أهل المشرق حتی یردهم إلى العراق. (فتن ابن حماد، حدیث ۷۷۰)

در اطراف حمص جنگی درمی‌گیرد که هفتاد هزار نفر کشته می‌شوند:

• ثم ینحاز من دمشق وحمص مع السفیانی ویلتقون وأهل المشرق فی

موضع یقال له الیدین مما یلی شرقی حمص فیقتل بها نیف وسبعون ألفا

ثلاثة أرباعهم من أهل المشرق... (فتن ابن حماد، حدیث ۸۷۸)

در احادیث به محاصره اقتصادی شام توسط غرب نیز اشاره شده:

• قال حذیفة... ویوشك أهل الشام أن لا یجیب الیهم دینار ولا مدی

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶.



(ملاحم سید بن طارس، باب ۱۸۷)

يمنعهم من ذلك الروم.

از مجموع این احادیث به خوبی استفاده می‌شود که غرب پشت سفیانی است، و سفیانی اساساً مهره آن‌هاست و برای غلبه بر نفوذ و قدرت شیعی به محوریت ایران، شام را مورد تهاجم قرار می‌دهند، چرا که هر دو طرف جنگ بر این باور هستند که شام از آن هر کسی باشد، پیروزی از آن اوست:

• فاذا كان ذلك ابتدر اهل المشرق و اهل المغرب الشام كفرسي رهان،

یرون ان الملك لا یتیم الا لمن ضبط الشام، کل یقول من غلب علیها

(فتن ابن حماد، حدیث ۷۴۲)

فقد حوي علي الملك

یعنی غرب و عواملش از یک طرف و ایران و متحدان شیعه اش از طرف دیگر سعی می‌کنند در شام پیروز شوند چرا که حاکمیت (بر منطقه یا جهان) از آن کسی است که شام را در دست داشته باشد!

### 3- سفیانی و یهود:

یهود نیز پشت سفیانی خواهد بود، لذا در حدیثی پیامبر(ص) فرمود هر کس بغض اهل بیت مرا داشته باشد با یهود محشور می‌شود.

• ... وتجمع اليه اليهود جميعا فيسير نحو الشام مقدمته العصابة المشرقية

(فتن ابن حماد، حدیث ۱۵۲۶)

معهم أعراب...

یعنی یهود با نیروهای غرب و سفیانی یکی می‌شود و در این حمله اعراب در صف مقدم هستند، چنانچه در حین شکست نیز سفیانی به بیت المقدس عقب نشینی می‌کند که امروزه در دست یهود است.



#### 4- سفیانی و ابقع و اصهب:

لشکر سفیانی در شام با دو نیرو و پرچم مستقل که در احادیث به اسم‌های اصهب و ابقع نامیده شده‌اند، وارد نبرد می‌شود در رابطه با این دو نیرو در احادیث مشخصات زیر بیان شده است:

۱- دو نیرو و پرچم (یا کشور) با حاکمیت مستقل می‌باشند، و برای حفظ و دفاع از حاکمیت خودشان با سفیانی می‌جنگند (شاید امروزه سوریه و لبنان مصداق این دو باشند).

۲- ابقع می‌تواند به دره بقاع لبنان اشاره داشته باشد که محل سکونت شیعیان لبنان می‌باشد، و در حدیثی از آن به عنوان جیش/الحسنی نیز یاد شده است، که امروزه حزب‌الله لبنان در رأسش حسن نصرالله قرار دارد و می‌تواند مصداق جیش حسنی باشد و قطعاً با حرکت ضدشیعی سفیانی خواهد جنگید، و امروزه نیروهای تشکیل دهنده سفیانی، یعنی غرب و اسرائیل و اعراب بر ضد او هستند. و در حدیث دیگری می‌فرماید پرچم‌های زرد دارند.

۳- اصهب: از معانی «اصهب» طبق توضیح قاموس المحيط، بور و اسد می‌باشد. (شاید بشار اسد مصداق آن باشد، که هم بور و هم اسد می‌باشد و امروزه نیروهای تشکیل دهنده سفیانی با او در جنگ هستند).

#### تصرف کامل شام، علامت مشخصه سفیانی:

در حدیثی از اسم سفیانی سوال می‌شود و حضرت در جواب می‌فرماید با اسمش چکار داری؟ آن‌گاه که هر پنج قسمت شام گرفته شد یعنی سوریه - شامل دو منطقه



حمص و دمشق - لبنان، اردن و فلسطین - بدان که آن سفیانی است.  
در حال حاضر دو منطقه اردن و فلسطین در دست جبهه سفیانی است و بنابراین  
می‌ماند سوریه و لبنان.

- اذاستولي علي الكور الخمس فذاك السفیانی - كور الخمس هو،  
دمشق فلسطین والاردن وحمص و حلب (غیبت نعمانی، باب ۱۸، ح ۱۳)

## 7- سفیانی و ایران:

بنابر روایات، هدف اول و آخر سفیانی و اربابانش در غرب، ایران و انقلاب ایران  
است و اساساً در پی نابودی این انقلاب به حرکت در خواهد آمد.  
ابتدا در شام عمدتاً با نیروهای ایرانی که به شام اعزام شده‌اند می‌جنگند و نهایتاً نیز به  
ایران حمله کرده و قصد تصرف ایران را در سر می‌پروراند.

- تخرج رایات السود من خراسان معه قوم ضعفا یجتمعون یویدهم الله  
بنصره ثم یخرج اهل المغرب علي اثر ذلك. (فتن ابن حماد ح ۹۴۰)

یعنی در ایران مستضعفین با پرچم‌های سیاه (در حدیث دیگری نوحه کنندگان بر  
حسین(ع) خروج و انقلاب می‌کنند که موید به نصر الهی می‌شوند.

در حدیثی می‌فرماید هر کس علیه آن انقلاب اقدام کند دچار خذلان می‌شود. سپس  
غربی‌ها علیه آن انقلاب خروج می‌کنند.

ملاحظه می‌شود که غربی‌ها علیه این انقلاب مستضعفین خروج می‌کنند، چرا که  
ریشه مشکلات‌شان را از ایران می‌بینند.

- یقول - السفیانی- ما هذا البلاء كله و قتل اصحابي الا من قبلهم (اهل





(معجم الاحادیث ج ۱، ص ۴۲۲) (المشرق).

یعنی به نظر جبهه سفیانی منشأ قتل و جنگ بر علیه نیروهایشان ایران

می باشد (و به اصطلاح حامی تروریسم و...)

لذا اساساً غربی ها و سفیانی برای سرکوبی ایرانی ها وارد معرکه خواهند شد و هدف و همت شان ایران می باشد و هدف اصلی جنگ در شام، ایران می باشد که برای تصرف شام بین دو طرف جنگ سهمگینی در می گیرد که منجر به خرابی شام شده و مردم شام در وضعیت ناامنی هولناکی گرفتار می شوند :

• اذا اقبلت فتنة من المشرق و فتنة من المغرب فالتقوا بطن الشام فبطن

الارض يومئذ خیر من ظهرها (فتن ابن حماد، حدیث ۷۸۸)

مطابق روایت، انقلاب ابتدا از حمص شروع شده و بعد آتش آن به دمشق می رسد..

• يشعل أمره بحمص ويوقد بدمشق، همته بوار اهل المشرق<sup>1</sup> (در

روایات از ایران با نام های خراسان، مشرق و عجم یاد می شود) حتی

يأتوا الحمص ثم يقتتلون فتكون الدبرة على أهل المشرق<sup>2</sup>....

یعنی جنگی که در دمشق و حمص - یعنی سوریه امروزی - برافروخته می شود هدف

اصلی اش شکست دادن ایران است.

ملاحظه می شود که در این حدیث تصریح شده که «همته بوار اهل المشرق» همت و

هدفش نابودی ایرانی هاست.

1. فتن ابن حماد، حدیث ۸۵۹

2. فتن ابن حماد، حدیث ۸۵۹



و حتی در حدیثی این اختلاف و ضدیت بین ایران و غرب یکی از علایمی ذکر شده است که قائم (عج) در پی آن قیام می‌کند:

• یقوم القائم اذا اختلف اهل المشرق و اهل المغرب.<sup>1</sup>

یعنی قائم (عج) وقتی قیام می‌کند که بین ایران و غرب اختلاف به وجود آید، و این اختلاف منجر به جنگ می‌شود و جنگ‌شان از شام شروع می‌شود، سفیانی به نیابت از غرب و با اتحاد و کمک آن‌ها، و ابقع و اصهب به نیابت از ایران و با اتحاد و کمک ایران،

طبق روایات، ایران نیروهای زیادی را برای کمک به اصهب و ابقع ضد سفیانی به شام گسیل خواهد داشت،

به عبارت دیگر، جنگ شام یک جنگ نیابتی خواهد بود، سفیانی و عرب‌ها به نیابت غرب و ابقع و اصهب، به نیابت از ایران،

• ... انتظروا حتی یستجیش أهل المشرق وأهل المغرب ویقتتلون بها

سبعاً یكون بینهم من الدماء مثلما كان في جميع الفتن ثم تكون الدبرة

علی أهل المشرق... (فتن ابن حماد، حدیث ۷۴۴)

یعنی ایران از یک طرف و غرب از طرف دیگر لشکرکشی کرده و جنگ و خونریزی می‌شود که هرگز سابقه نداشته است.

• إذا أقبلت الرايات السود من المشرق والرايات الصفر من المغرب حتی

یلتقوا في سره الشام یعنی دمشق فهناك البلاء هنالك البلاء.<sup>2</sup> آن‌گاه

1. غیبت نعمانی ص ۳۶۹

2. فتن ابن حماد، حدیث ۷۸۳.



که رایات سود از ایران آید و رایات صفر از مغرب زمین و در شام  
یعنی دمشق به هم برسند، بلا آن جاست، بلا آن جاست.

• ... یقاتله من بالشام من أهل المشرق وبها یومئذ منهم جند عظیم...<sup>1</sup>  
یعنی در آن روز از ایرانیان لشکر عظیمی در شام خواهد بود و با  
سفیانی خواهد جنگید.

• إذا رجع السفیانی دعا إلى نفسه بجماعة أهل المغرب فیجتمعون له مالم  
یجتمعوا لأحد قط لما سبق فی علم الله تعالی... یثور بحمص وهو  
أخبث الب ویوقد بدمشق علی یدیه هلاك اهل المشرق<sup>2</sup>.

سفیانی از مغرب کمک می خواهد و آن ها به نحو بی سابقه ای متحد می شوند و در  
حمص و دمشق آتش جنگ بر افروخته می شود...

و وقتی جنگ به ایران می رسد تهران با بمباران موشکها (قذف) از بین می رود:

• خراب الزوراء و هی الری (غیبت نعمانی، ص 147)

• خراب الزوراء من السفیانی. (بشارة الاسلام، ص ۳۴)

از مجموعه این احادیث برمی آید که هدف اصلی غرب و سفیانی، ایران است. اما  
جنگ به نیابت از غرب و ایران، از شام (سوریه) شروع می شود، و آن جا به مثابه خط  
مقدم جنگ بین ایران و غرب است.

1. فتن ابن حماد، حدیث ۱۹۷۵.

2. فتن ابن حماد، حدیث ۸۶۲.



## 8- سفیانی و ترکیه:

تركها نیز با روم برای حمله به شام، متحد می‌شوند:

- إذا استتارت علیکم الروم و الترك... (غیبت طوسی، ص ۲۷۸)

آن‌گاه که روم یا غرب و تركها علیه شما به جوش و خروش آمدند.

- إذا اجتمع الترك والروم وخسف بقریة بدمشق... آن‌گاه که ترك و روم

متحد شدند و در دمشق خسفی شد... (فتن ابن حماد، حدیث ۸۳۳)

از مجموعه این احادیث معلوم می‌شود که ترکیه نیز با غرب و سفیانی خواهد بود و لشکر سفیانی اتحادیه غرب و ترکیه و یهود و اعراب است، برای درهم شکستن جبهه شیعی، با محوریت ایران، که جنگ‌شان از شام شروع می‌شود، به عبارت دیگر اتحاد بی‌سابقه نیروهای اهریمنی جهان علیه محور شیعی برای برانداختن و محو شیعه از صفحه سیاسی جهان، لذا بی‌دلیل نیست که می‌فرماید: فان حنقه و شرهه انما هی علی شیعتنا...

- و السفیانی دعا إلى نفسه بجماعة أهل المغرب فيجتمعون له مالم

يجمعوا لأحد قط (فتن ابن حماد، حدیث ۸۴۰)

یعنی اجتماع و اتحادی از غربی‌ها حول محور سفیانی ایجاد می‌شود که هرگز سابقه نداشته است.

اما مردم ترك طبق فرمایش امیرالمؤمنین(ع) به کمک حضرت می‌آیند:

- عن أمير المؤمنين(ع): و ظهرت لولدي رايات الترك متفرقات في

الأقطار (غیبت نعمانی ص 275)



## 9- سفیانی و عراق:

سفیانی بعد از شش ماه جنگ خونین در شام، بر دو نیروی اَبَق و اصهب و نیروهای ایرانی موجود در شام غلبه کرده و پیروز می‌شود و بعد از تصرف کامل شام و گرفتن همه قسمت‌های آن به طرف عراق حرکت می‌کند تا آن‌جا را نیز همانند شام از دست شیعیان خارج کند:

- ...فیلتنقی السفیانی بالابقع فیقتله و من تبعه ثم یقتل الاصبه ثم لا یكون له همة الا الاقبال نحو العراق.<sup>1</sup> یعنی سفیانی بعد از کشتار نیروهای اَبَق و اصهب هدفی ندارد مگر پیشروی به سوی عراق.

## 10- سفیانی و یمانی:

- اذا ظهر السفیانی، و اقبل الیمانی... خرج صاحب هذا الامر. بنا بر روایات اهلبت(ع)، نیروی حقی که در مقابل سفیانی پرچمدار باطل می‌باشد، یمانی است که پرچمدار حق و هدایت می‌باشد:
- عن ابي عبدالله عليه السلام: الیمانی و السفیانی کفرسی رهان، یعنی یمانی و سفیانی مثل دو اسب مسابقه هستند که با هم مسابقه می‌دهند. (غیبت نعمانی، باب ۱۸، حدیث ۱۵)

طبق روایات، سفیانی و یمانی همزمان خروج خواهند کرد، یمانی هم مثل سفیانی قبل از خروج، یک دوره دعوت و آماده شدن خواهد داشت و مردم را دعوت خواهد کرد



و نیرو جمع می‌کند.

در روایات تأکید شده که در مقابل سفیانی به یمانی پیبوندید و دعوت یمانی حق است و به سوی حق و راه مستقیم دعوت می‌کند، بنابر بعضی از روایات، سفیانی به دست یمانی کشته خواهد شد.

طبق احادیث اَبَق و اَصْهَب با سفیانی می‌جنگند اما نه برای خدا و امام زمان (عج) بلکه برای حفظ حکومت‌شان!

• تخرج ثلاثة نفر كلهم يطلب الملك: رجل أبقع، و رجل أصهب، و

رجل من أهل بيت أبي سفيان (فتن ابن حماد ص 198)

اما یمانی خالصاً لله و برای امام زمان (عج) می‌جنگد و برای همین اهدی الرايات است.

## 11- خسف لشکر سفیانی:

نیروهای سفیانی در حالی که در ایران مشغول جنگی نفس‌گیر هستند، خبر خروج شیعیان در عربستان را شنیده و لشکری ۷۰ هزار نفری به سوی مکه و مدینه گسیل می‌دارند، این لشکر بعد از تسخیر مدینه و کشتار شیعیان در آن‌جا، در تعقیب حضرت مهدی (عج) به سوی مکه حرکت می‌کند، اما بین مکه و مدینه در مکانی بنام بیدا، کل لشکر به دستور خداوند به درون زمین فرو می‌روند و این همان خسف است، که پنجمین و آخرین نشانه قطعی ظهور است، هم‌زمان با فرورفتن لشکر سفیانی در زمین، خطابه قائم آل محمد (عج) کنار کعبه شروع می‌شود.

## 12- نتیجه‌گیری:

از بررسی مجموع احادیث معلوم می‌شود که سفیانی یکی از پنج علامت قطعی ظهور



است که شش ماه قبل از ظهور از وادی یابس در شام خروج کرده و این گونه حرکت خود را شروع می‌کند،

و همچنین از مجموع احادیث نتیجه می‌گیریم که حرکت سفیانی یک جبهه عظیم و سیل‌آسا و گسترده‌ای است متشکل از کشورهای غربی، یهود (امروزه اسرائیل)، ترکیه و کشورهای عربی ضد شیعه، مثل عربستان و اردن و...

که جنگ ابتدا از شام (سوریه) شروع می‌شود و پس از شش ماه جنگ خونین، پیروزی حاصل می‌شود و کل شام را متصرف می‌شوند و سپس به سوی عراق رفته و عراق را از نیروهای شیعه پس می‌گیرند.

پس از تصرف عراق با هجومی که در روایات خونین و وحشتناک توصیف شده، به ایران حمله می‌آورند، در ایران تا شیراز پیشروی می‌کنند، تهران خراب می‌شود - خراب‌الری من السفیانی - اما نهایتاً نیروهای سفیانی از نیروهای ایرانی شکست خورده و عقب‌نشینی می‌کنند، و این شکست هم‌زمان است با خسف و ظهور - ان‌شاء‌الله.

پس از ظهور نیز، سفیانی تحت تعقیب لشکر امام زمان (عج)، یمانی و خراسانی، قرار گرفته و تا بیت‌المقدس عقب‌نشینی کرده و شکست می‌خورد، با شکست و کشته شدن شخص سفیانی، بیت‌المقدس و کل خاورمیانه آزاد شده و تحت اختیار حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرد.

قابل توجه است به جنگ سفیانی در کتاب‌های آسمانی مثل تورات و انجیل و اوستا نیز اشاره شده و از جمله در اوستا از جنگ میان غرب و شرق سخن رفته است و نیروهای غرب یا اپاختر را اهریمنی توصیف کرده، که سوشیانس پیروز از شرق بر



آن‌ها تاختن می‌آورد و نهایتاً تبهکار و فریفتار (یا همان سفیانی و دجال) را می‌کشد. در بخش ۱۹ از کتاب وندیداد، که باب مکاشفه نیز نامیده می‌شود از جنگ بین اهریمنان و نیروهای الهی و انبیا سخن می‌رود و مکان تاختن نیروهای اهریمنی را اپاختر ذکر می‌کند و این نبرد ادامه می‌یابد تا ظهور سوشیانس پیروز:

- تا بدان هنگام که سوشیانت پیروز و دیوافکن ... از سرزمین‌های نیمروز (شرق) پا به پهنه زندگی گذارد (ظهور کند).<sup>1</sup>
- اهریمن مرگ افرین سالار دیوان از سرزمین‌های اپاختر پیش تاخت.<sup>2</sup>

---

1. وندیداد: ۱۹: ۵.

2. وندیداد: ۱: ۱۹.



فصل چهارم:

## خراسان و خراسانی



## نقش خراسان و خراسانی (ایران و رهبر ایران) در دوران ظهور:

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ  
وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا  
يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ذَٰلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ<sup>1</sup>.  
وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ<sup>2</sup>.

طبق روایات وارده از طریق فریقین، مبدأ و آغاز ظهور امام زمان (عج) از ایران خواهد بود.

ایران در احادیث با اسمهای خراسان، مشرق و عجم شناخته می‌شود در کتب معتبر شیعه و همینطور در کتب معتبر اهل تسنن، احادیث صحیح و معتبری از پیامبر گرامی (ص) روایت شده است که فرمودند در آخرالزمان قومی از مشرق یا خراسان با پرچمهای سیاه خروج و انقلاب خواهند کرد، که این خروج و انقلاب سرآغاز پایان مشکلات و مصائب اهل بیت من بوده و مبدأ ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد بود و صاحبان این خروج و انقلاب همیشه اسلحه بر دوش در جنگ و درگیری خواهند بود، و مؤید به نصر الهی بوده شکست نخواهند خورد تا اینکه پرچم را به دست حضرت مهدی (عج) بسپارند، و این خروج و انقلاب در کتب شیعه و سنی یکی از علائم مهم ظهور می‌باشد، خروجی که از طرفی مبدأ ظهور بوده و از طرف

1. سوره مائده، آیه ۵۴.

2. سوره محمد (ص)، آیه ۳۴.



دیگر پایان تطرید و تشرید اهل بیت و شیعیانشان می باشد.

و بنابر مشخصاتی که برای آن خروج و انقلاب ذکر شده، می شود گفت که این خروج نقطه عطفی در تاریخ محسوب می شود، نقطه ای که در آنجا تطرید و تشرید شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام به پایان خود نزدیک می شود و ظهور صاحب الامر و الزمان عج شروع می شود. مشخصات آن خروج را میتوان بر مبنای روایات این چنین خلاصه و دسته بندی کرد:

۱- این خروج مقدمه ظهور خواهد بود.

خروج به معنای شورش و قیام و انقلاب می باشد، بنابراین نزدیکی های ظهور انقلابی اتفاق خواهد افتاد.

۲- این خروج از مشرق یا خراسان خواهد بود، مشرق و خراسان در احادیث، چنانچه اهل حدیث می دانند، اسمهای مختلف ایران و ایرانیها می باشد.

۳- این خروج از انجائیکه به نفع اهل بیت و مقدمه پایان سرکوب و طرد و تشرید آنها است، و مقدمه ظهور، طبعاً یک قیام و انقلاب شیعی می باشد یکی از این روایات را که در کتاب سنن ابن ماجه آمده ذیلا نقل می کنیم، قابل تذکر است که سنن ابن ماجه قزوینی یکی از شش کتاب معتبر و صحیح اهل سنت می باشد.

• عَنْ عَلَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ ( بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَلَمَّا رَأَاهُم النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْرُورِقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ قَالَ فَقُلْتُ مَا نَزَّالُ نَرَى فِي



وَجِهَكَ شَيْئًا نَكَرَهُ فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْأَجْرَةَ عَلَى الدُّنْيَا  
وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْفُونَ بَعْدِي بَلَاءٌ وَتَشْرِيدًا وَتَطْرِيدًا حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ  
قَبْلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ  
فَيُنْصَرُونَ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَذْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ  
بَيْتِي فَيَمْلَأُوهَا قِسْطًا كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ  
وَلَوْ حَبْنًا عَلَى الثَّلْجِ). (سنن ابن ماجه: باب خُرُوجِ الْمُهْدِيِّ، حديث ٤٠٦٤)

چنانچه در این حدیث ملاحظه می فرمائید پیامبر(ص) با دیدن حسن و حسین که در میان بچه های مدینه مشغول بازی هستند حالش متغیر گشته و چشمان مبارکش اشک الود میشود، و وقتی علت تغییر حال و گریه را میپرسند میفرماید اهل بیت من ، بعد از من همیشه مورد تطرید و تشرید ظلم و ستم قرار خواهند گرفت و در بلا خواهند بود تا قومی با پرچمهای سیاه از مشرق خروج (انقلاب) کنند و انقلابشان استمرار یابد تا پرچم را به مردی از اهل بیتم ( مهدی) بسپارند تا جهان را پر از عدل و داد کند.

### «المشرق» کجاست؟

در این حدیث پیامبر گرامی، مکان خروج را «المشرق» ذکر فرمود، چنانچه بالاتر گفته شد در روایات، مشرق و خراسان و عجم عموماً به ایران قدیم اطلاق می شود، شاید به این دلیل که مشرق ترجمه همان خراسان می باشد، چنانچه در لغت نامه دهخدا آمده است که کلمه «خراسان» واژه ای پهلوی است که در متون قدیمی به معنی مشرق (خاور) در مقابل مغرب (باختر) به کار رفته است. و در منابع دیگر نیز خراسان در زبان قدیم فارسی به معنی خاورزمین مورد استفاده قرار گرفته است.



فخرالدین اسعد گرگانی در داستان ویس و رامین چنین می گوید:

زبان پهلوی هر کو شناسد  
خراسان را بود معنی خور آیان  
خراسان یعنی آنجا کو «خور آسد  
کجا کز وی خور آید سوی ایران  
و در روایات نیز خیلی جاها المشرق و خراسان یکی بجای دیگری استفاده شده است،  
آقای کورانی نیز در این مورد مینویسند:

• أن المقصود بقوم من المشرق وأصحاب الرايات السود: الإيرانيون ،  
وهو أمر متسالمٌ عليه عند جيل الصحابة الذين رووا الحديث ، وجيل  
التابعين الذين تلقوه منهم ، وأجبال من بعدهم عبر العصور.... بل نص  
عدد من أئمة الحديث والمؤلفين على أنهم الإيرانيون . بل ورد تسميتهم  
باسم الخراسانيين في عدة صيغ أو فقرات رويت من الحديث وعرف  
بحديث رايات خراسان. (المعجم الموضوعي ص ۵۸۲)

یعنی مقصود از قومی از مشرق ایرانیها است و این امر پیش نسل اول صحابه و تابعین  
و نسلها و عصرهای بعدی همیشه شناخته شده بوده که منظور از المشرق و رایات سود  
ایرانیها هستند و بزرگان اهل حدیث و نویسندگان هم به این امر تصریح کرده اند<sup>۱</sup>.

1. جالب است که در انجیل نیز از ایران به مشرق تعبیر شده است، آنجا که روحانیان ایران با الهام الهی از تولد حضرت مسیح خبر دار شده و برای او هدایا بردند (امری که سنت هدیه دادن بابا نوتل به بچه ها در کریسمس از آنجا الهام گرفته شده است و بابا نوتل همان روحانیان و مؤبدان ایرانی می باشد)  
انجیل متی باب ۲: و چون عیسی در ایام هیرودیس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت، ناگاه مجوسییانی از «مشرق» به اورشلیم آمده، گفتند: «کجاست آن مولود که پادشاه یهود است زیرا که ستاره او را در 'مشرق' دیده ایم و برای تعظیم او آمده ایم؟» آنگاه هیرودیس مجوسیان را در خلوت خوانده، وقت ظهور



## ایران در قرآن و احادیث:

چنانچه ملاحظه شد حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم ایران به عنوان مکان خروج و انقلاب برای آماده سازی ظهور و پایان تطرید و تشرید اهل بیتش ذکر فرمود، هر کس اندک اشنائی با کتب تفسیر و حدیث داشته باشد اینرا میدانند که ایران و ایرانیها در قرآن مورد اشاره و تعریف و تمجید قرار گرفته اند و در احادیث صحیح شیعه و سنی از جمله در صحیحین بخاری و مسلم و همینطور در اصول کافی به آن تصریح شده است از جمله در چند آیه در قرآن، از جمله آیاتی که در اول نوشته آورده شد، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بشارت داده که قومی در راه هستند که مسلمان خواهند شد و امثال اینهایی که الان در اطراف هستند نخواهند بود، و از آن قوم را خداوند تعریف و تمجید می کند بطوری که حس کنجکاوای اصحاب پیامبر تحریک شده چندین بار از ماهیت آن قوم سؤال کردند و هر بار پیامبر (ص) فرمود این قوم، قوم سلمان یا ایرانیها هستند که اگر علم و ایمان در ثریا باشد مردانی از آنها به آن دست می یابند، در حدیثی در کتاب صحیح بخاری، رسول خدا(ص) ایرانیان را مصداق «خیر امة» یا بهترین مردمان معرفی می کنند:

---

ستاره را از ایشان تحقیق کرد. پس ایشان را به بیت لحم روانه نموده، گفت: «بروید و از احوال آن طفل بدقت تفحص کنید و چون یافتید مرا خبر دهید تا من نیز آمده، او را تعظیم نمایم.» چون سخن پادشاه را شنیدند، روانه شدند که ناگاه آن ستاره ای که در 'مشرق' دیده بودند، پیش روی ایشان میرفت تا فوق آنجایی که طفل بود رسیده، بايستاد. و چون ستاره را دیدند، بینهایت شاد و خوشحال گشتند و به خانه درآمده، طفل را با مادرش مریم یافتند و به روی درافتاده، او را تعظیم کردند و ذخایر خود را گشوده، هدایای طلا و کندر و مر به وی گذرانیدند. و چون در خواب وحی بدیشان در رسید که به نزد هیرودیس بازگشت نکنند، پس از راه دیگر به وطن خویش مراجعت کردند.



خبری در راه است.....

• (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ قَالَ خَيْرَ النَّاسِ لِلنَّاسِ تَأْتُونَ بِهِمْ فِي

السَّلَاسِلِ فِي أَعْتَاقِهِمْ حَتَّى يَدْخُلُوا فِي الْإِسْلَامِ). (صحيح بخاري، حديث ٤١٩)

در این حدیث، که آنرا یکی از پیشگوئیهای حضرت رسول در باره فتح ایران شمرده اند، حضرت به اسرای ایران درغزوه ذات السلاسل که جنگ با ایران بود اشاره فرموده و می فرماید آنها از مصادیق خیر الامة هستند.

نکته بسیار مهم و جالبی که در یکی از این آیات خداوند اشاره فرموده این است که اگر شما مرتد شوید و عقبگرد کنید (و از دور پیامبر و اهل بیتش پراکنده شوید و آنها را تنها بگذارید و یا حتی مورد ظلم و جور و ستم قرار دهید)، قومی در راه است که خداوند آنها را جایگزین شما می کند که دیگر امثال شما (نادان و ظالم و ستمگر) نباشند (و تا آخر عاشق و محب خدا و رسولش و مولا علی و حسین و همه اهلیت باشند و بر ایمان پای فشرند و تا آخر بایستند و تنها کشور شیعه جهان شوند و در نهایت یاوران صاحب زمان (عج).

و در احادیث دیگری نیز حضرت می فرمایند که ایرانیها با اهل بیت من خواهند بود، لذا شیخ عباس قمی در کتاب سفینة البحار علت کینه خلیفه دوم از ایرانیها را همین امر ذکر کرده و می گوید از آنجا که عمر بارها از رسول خدا شنیده بود که ایرانیها اسلام آورده و محب اهل البیت و علی ع خواهند بود، از ایرانیها کینه به دل داشت.

این آیه از سوره جمعه نیز در کتب اهل سنت به ایرانیها تفسیر شده است:

• هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ



وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَيْفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ 2  
وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ 3 ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ  
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ...

• کنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأنزلت عليه سورة الجمعة  
وآخرين منهم لما يلحقوا بهم قال قلت من هم يا رسول الله فلم يراجعه  
حتى سأل ثلاثا وفتينا سلمان الفارسي وضع رسول الله صلى الله عليه  
وسلم يده على سلمان ثم قال لو كان الإيمان عند الثريا لناله رجال أو  
رجل من هؤلاء. (صحيح بخاری: حدیث ۴۵۷۶)

چنانچه ملاحظه می شود طبق احادیث صحیح از سنی و شیعه، خداوند و رسول  
گرامیش، بارها در قران و احادیث، بشارت ایمان آوردن ایرانیها را داده و از انها تعریف  
و تمجید کرده است، تعریف و افتخار عظیمی که به جرأت میتوان گفت نصیب هیچ  
قوم و ملیت دیگری نشده است. ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ.

### ایران مبدأ ظهور:

بی دلیل نیست که طبق روایات موثق و متواتر از شیعه و سنی، ایران مبدأ ظهور معرفی  
شده و فرمودند انقلابی که مبدأ ظهور است انجا اتفاق خواهد افتاد، طبق روایات،  
بعد از انقلاب بین ایران و غرب اختلاف خواهد افتاد و این اختلاف به جنگی خواهد  
انجامید که از شام شروع خواهد شد.

در ادامه از درون همین انقلاب ایران که از پرچمش به روایات سود تعبیر می





شود (بدلیل عزاداری برای امام حسین ع، نواحی للحسین ع) ۱۲ هزار نفر لشکر امام زمان عج بیرون خواهند آمد که به رهبری مردی از آل محمدص همراه خراسانی یعنی فرمانده کل عساکر خراسان، به جنگ سفیانی خواهند رفت و با غرب و سفیانی (که عامل غرب است) خواهند جنگید، و نه تنها اکثریت یاران حضرت را تشکیل خواهند داد بلکه فرماندهی نیروهای حضرت نیز به عهده آنان خواهد بود، ذیلاً تعدادی از این روایات نقل میشود:

- عن امیر المؤمنین (ع): یكون مبدأه من قبل المشرق. (غیبت نعمانی ص 304)
- عن امیر المؤمنین (ع): انتظروا الفرج من ثلاث: فقيل يا امیر المؤمنین و ما هن؟ فقال: اختلاف اهل الشام بینهم والرايات السود من خراسان والفرجة في شهر رمضان. (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۸)
- عن ابی جعفر علیه السلام قال: کأني بقوم قد خرجوا بالمشرق يطلبون الحق فلا يعطونه ثم يطلبونه فلا يعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سيوفهم على عواتقهم، فيعطون ما سألوه فلا يقبلونه حتى يقوموا، ولا يدفعونها إلا إلى صاحبكم. قتلاهم شهداء. أما إني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر. (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۵۰)
- يدل قول الإمام الباقر عليه السلام: أما إني لو أدركت ذلك لأبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر على أن المدة بين قيام دولة أهل المشرق و بين ظهوره (ع) لا يزيد عن عمر إنسان. (المعجم الموضوعی ص ۵۸۵)

امیر المؤمنین (ع) در جواب امام حسین (ع) که از ایشان پرسید:



• يا اميرالمؤمنين متي يطهرالله الارض من الظالمين؟ فرمود: اذا قام

القائم بخراسان... و قام منا قائم بجيلان. (غيبت نعماني، باب ۱۴، حديث ۵۵)

يعني يا اميرالمؤمنين ظهور كي است و كي خداوند زمين را از وجود نحس ستمگران پاك مي كند؟ حضرت جواب مي فرمايد: آنگاه كه قائم از خراسان (خراساني) قيام كند!

• قال رسول الله(ص) يخرج ناس من المشرق فيوطنون للمهدي يعني

سلطانه . (سنن ابن ماجه، كِتَابُ الْفِتَنِ، حديث ۴۰۷۰)

يعني مردم در ايران ( المشرق ) انقلاب مي كنند و مقدمات انقلاب و حكومت مهدي را آماده مي كنند.

• عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ ( قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ : .....تَطَّلُعُ الرَّايَاتُ

السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ..... فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الشَّجَرِ

فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ . (سنن ابن ماجه: كِتَابُ الْفِتَنِ : حديث ۴۰۶۶)

• عن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: إذا رأيتم الرايات

السود قد جاءت من قبل خراسان فائتوها فان فيها خليفة الله المهدي<sup>1</sup>.

• تخرج راية سوداء لبني العباس ثم تخرج من خراسان أخرى سواد

قلانسهم سود وثيابهم بيض على مقدمتهم رجل يقال له شعيب بن

صالح أو صالح بن شعيب من تميم يهزمون أصحاب السفيناني حتى

ينزل ببيت المقدس يوطأ للمهدي سلطانه. (فتن ابن حماد حديث ۸۹۴)



• قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: يخرج من المشرق رايات سود لبني العباس ثم يمكتون ما شاء الله ثم تخرج رايات سود صغار تقاتل رجلا من ولد أبي سفيان وأصحابه من قبل المشرق يؤدون الطاعة للمهدي.

(فتن ابن حماد، حديث ٩٠٦)

همانگونه که در این احادیث صحیح از شیعه و سنی، به وضوح تصریح شده است، پروسه ظهور با انقلابی در ایران آغاز خواهد شد و چنانچه قبلاً توضیح داده شد، طبق آنچه که از روایات استنباط می شود، ظهور نه یک حادثه خلق الساعه و بی مقدمه بلکه یک پروسه طولانی احتمالاً چند ده ساله خواهد بود که در انتها و قله آن ظهور و سخنرانی حضرت در کنار کعبه خواهد بود.

اما ابتدا و شروع این پروسه، انقلابی خواهد بود که با پرچمهای سیاه به نشانه عشق و عزاداری برای امام حسین(ع) در ایران اتفاق خواهد افتاد، چنانچه در خطبه مخزون منسوب به امیرالمؤمنین(ع) علت سیاه بودن رايات سود را اصحاب بواکي للحسين(ع) ذکر کرده

(بشارة الاسلام ص ٨٢، بحار، ج ٥٣، ص ٨١)

این قیام، انقلاب انسانهای ضعیف یا به اصطلاح امروز مستضعفین خواهد بود:

• تخرج الرايات السود من خراسان معه قوم ضعفاء يجتمعون، يؤيدهم الله بنصره.

(فتن ابن حماد، حديث ٩٠٠)

این انقلاب و قیام بقدری مهم است که وقتی از امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان ظهور می پرسند حضرت جواب می فرمایند که وقتی قیامی در خراسان (ایران) اتفاق بیفتد و در حدیث دیگری حضرت امیر، خروج پرچمهای سیاه یا انقلاب دوستداران



حسین(ع) را همردیف صیحه‌ی اسمانی در رمضان قرار داده و می‌فرمایند:

• انتظروا الفرج من ..... الرايات السود من خراسان و الفزعة في شهر

رمضان (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۸)

## اختلاف و درگیری با غرب:

همانگونه که در بخش «دجال» ذکر شد، دجال، به عنوان دشمن اصلی امام زمان(ع) از غرب می‌آید، و بنابر این بین غرب به عنوان مرکز و مکان دجال و ایران به عنوان مکان مبدأ ظهور، تضاد و درگیری ایجاد خواهد شد، لذا بعد از این قیام طبق احادیث، بین ایران و غرب تضاد و دشمنی و فتنه شدیدی شروع خواهد شد که تا ظهور ادامه پیدا خواهد کرد:

• تخرج الرايات السود من خراسان معه قوم ضعفا يجتمعون، يؤيدهم الله

بنصره ثم يخرج أهل المغرب على إثر ذلك. (فتن ابن حماد حدیث ۹۰۰)

یعنی انقلابی با پرچمهای سیاه (حسینی) بوسیله مستضعفین در ایران براه خواهد افتاد که مؤید بنصر الهی خواهد بود و بعد از مدتی غرب بر علیه ان انقلاب خروج کرده و وارد عمل خواهد شد و این فتنه و اختلاف بین ایران و غرب نهایتاً به جنگ و درگیری شدید منجر خواهد شد و جنگشان از شام شروع خواهد شد:

• عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إذا التقت فتنة من المغرب وأخرى

من المشرق فالتقوا ببطن الشام فبطن الأرض يومئذ خير من ظهرها<sup>1</sup>.

و در پی تشویش و اضطرابی در مصر، غرب و ایران، شام را به عنوان صف مقدم

1. فتن ابن حماد، حدیث ۷۰۱.



جنگ دیده و خواهند گفت هرکس شام را بگیرد پیروز میدان است لذا هر دو طرف نیروهایشان را به شام گسیل خواهند داشت:

• فإذا كان ذلك ابتدر أهل المشرق وأهل المغرب الشام كفرسي رهان يرون أن الملك لا يتم إلا لمن ضبط الشام كل يقول من غلب عليها فقد حوى على الملك.  
(فتن ابن حماد، حديث ۷۴۲)

• إذا دخلت الرايات الصفر مصر فاجتمعوا في القنطرة انتظروا حتى يستجيش أهل المشرق وأهل المغرب ويقتتلون بها سبعا يكون بينهم من الدماء مثلما كان في جميع الفتن ثم تكون الدبرة على أهل المشرق حتى ينزلونهم الرملة.  
(فتن ابن حماد، حديث ۷۴۴)

در این درگیری ایران با غرب در شام، نیروهای سنی (مروانی) و ضد شیعه، با غرب متحد خواهند شد:

• إن صاحب المغرب وبني مروان وقضاة تجتمع على الرايات السود في بطن الشام.  
(فتن ابن حماد، حديث ۷۶۴)

که ادامه این جنگ و درگیری به خروج سفیانی منجر خواهد شد، و به عبارت دیگر غرب يك فرمانده عرب وابسته به خودش را به فرماندهی جنگ با نیروهای ایران و شیعی خواهد گمارد، فرماندهی که از نسل ابو سفیان و اموی بوده اما در دامن غرب و با فرهنگ آنها بزرگ شده و اساساً مهره آنهاست

• يُقْبَلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُتَّصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ.  
(غیبت طوسی، ص ۴۶۳)



خروج سفیانی در پی این قیام و جنگ ایرانیان با سفیانی از اول خروج تا انتهای کار و شکست نهائی آن.

و بنابر این خروج سفیانی به عنوان نیروی نظامی سنی و ضد شیعه هم در پی این انقلاب و به نمایندگی از طرف غرب و همپیمان با آن و برای سرکوب ایران و حرکت شیعه و از بین بردن آن خواهد بود:

• عن امیرالمؤمنین(ع): یكون مبدأه من قبل المشرق و اذا كان ذلك  
خرج السفیانی.  
(غیبت نعمانی باب ۱۸ حدیث ۱۴)

یعنی آنگاه که این انقلاب در ایران اتفاق افتد سفیانی در پی آن خروج کند، آقای کورانی توضیحی به این حدیث اضافه کردند که جالب توجه است:

• و يدل الحديث أيضاً على أن هذه البداية تكون قبل خروج السفیانی  
وتشير إلى أنه يكون بينها وبين السفیانی مدة ليست قصيرة ولا طويلة  
كثيراً، حيث عطف خروج السفیانی عليها بالواو وليس الفاء أو ثم:  
(وإذا كان ذلك خرج السفیانی). بل تشير أيضاً إلى علاقة سببية بين  
بداية التمهيد له عليه السلام من إيران وبين خروج السفیانی، وكأن  
حركة السفیانی ردة فعل على هذا المد الممهد للمهدي عليه السلام<sup>1</sup>.

یعنی سیاق حدیث نشان می‌دهد که خروج و قیام ایران که مبدأ ظهور خواهد بود قبل از خروج سفیانی اتفاق خواهد افتاد و اساساً سبب خروج سفیانی این انقلاب خواهد بود و خروج او بعنوان عکس‌العملی در قبال این انقلاب خواهد بود.

این نتیجه گیری را حدیث دیگری تأیید می‌کند:



• يقول السفیانی ما هذا البلاء كله و قتل اصحابی الا من قبل اهل

المشرق (معجم الاحادیث ج ۱ ص ۴۲۲)

و اساساً طبق احادیث هدف اصلی سفیانی زدن ایران و نابودی شیعه میباشد و جنگ اصلی اش هم چه در شام و چه در خود ایران با ایرانیها خواهد بود:

• يدخل أوائل أهل المغرب مسجد دمشق فبيناهم كذلك ينظرون في

أعاجيبه إذ رجفت الأرض فانقعر غربي مسجدها ويخسف بقرية يقال

لها حرستا ثم يخرج عند ذلك السفیانی فيقتلهم حتى يدخلهم مصر ثم

يرجع فيقاتل أهل المشرق حتى يردهم إلى العراق<sup>1</sup>.

یعنی سفیانی در شام بخشی از نیروها شکست داده و به مصر عقب میراند و با ایرانیها جنگیده و آنها را به عراق پس میراند.

### شکست سفیانی در ایران:

بعد از آنکه سفیانی در شام بر نیروهای ایرانی و هم پیمانانش فائق آمده و دمشق را

تصرف می کند به طرف عراق حرکت کرده و بعد از کشتار شیعیان و تصرف عراق به

ایران حمله کرده و تا اصطخر پیشروی می کند، طبق احادیث تهران طی این جنگ با

بمبارن و موشکها (قذف) به طور کامل از بین می رود::

• خسف و قذف بخراسان.... و یخربون خراسان. (بشارة الاسلام ص ۸۶)

• و ليقتلن بالري... خلق كثير لا يحصيه الا من خلقهم.... و ليصين اهل



الري في ولاية السفيناني قحط و جهد و بلاء عظيم<sup>1</sup>.

- خراب الزوراء و هي الري غيبت نعماني، ص 147.
- خراب الزوراء من السفيناني<sup>2</sup>. و يقول المار ههنا كان الزوراء....

اما در جنگ زمینی در اصطخر با نیروهای نظامی ایران به رهبری خراسانی و ۱۲ هزار نفر لشگر طالقان به فرماندهی "رجل من آل محمد(ص)" درگیر می‌شود و شکست خورده و عقب رانده می‌شود:

• يظهر السفيناني على الشام ..... وتقبل خيل السفيناني في طلب أهل

خراسان فيقتلون شيعة آل محمد بالكوف.... (فتن ابن حماد، حديث (۸۸)

این ۱۲ هزار نفر از ایران و طالقان به رهبری رجلی از آل محمد(ص) و فرماندهی شعیب ابن صالح، لشگر امام زمان(عج) و اصحاب قائم هستند:

• عن ابي جعفر الباقر(ع): اصحاب القائم ... اولاد العجم<sup>3</sup>...

• ..... على مقدمتهم رجل يقال له شعيب بن صالح أو صالح بن شعيب

من تميم يهزمون أصحاب السفيناني حتى ينزل بيت المقدس يوطأ للمهدي سلطانه<sup>4</sup>.

بنابراین ملاحظه می‌شود که نه تنها مبدأ ظهور ایران است بلکه در جنگهای قبل و بعد از ظهور نیز ایران و ایرانیان نقش کلیدی و محوری دارند.

1. معجم الاحاديث، ج ۳، ص ۸۲

2. بشارة الاسلام، ص ۳۴.

3. غيبت نعماني، باب ۲۰، حديث ۸.

4. فتن ابن حماد، حديث ۸۹۴.





نکات دیگری که در رابطه با این قیام و خروج که از احادیث استفاده می‌شود عبارتند از:

- ۱- این قیام بر خلاف تمام قیام‌های قبلی شیعه، که به شدت در احادیث از آنها منع شده، مورد تأیید ائمه علیهم السلام بوده و برای شرکت در آن تشویق شده و کشته شده‌های آن شهید اعلام شده است: قتلاهم شهداء
- ۲- این خروج و انقلاب بر خلاف تمام قیام‌ها و خروج‌هایی که در طول تاریخ از طرف شیعه انجام شده و شکست خورده، پیروز شده و به نتیجه خواهد رسید و به ظهور ختم خواهد شد.
- ۳- این خروج و قیام مورد نصر الهی بوده و شکست ناپذیر بوده و تا ظهور حضرت شکست نخواهد خورد و هر کس هم با آن درگیر شود شکست خواهد خورد:

- تخرج الرايات السود من خراسان معه قوم ضعفاء يجتمعون يؤيدهم الله بنصره ثم يخرج أهل المغرب على إثر ذلك. (فتن ابن حماد، حدیث ۹۰۰)
- ۴- حکومتی که بعد از این قیام و قبل از ظهور سر کار خواهد آمد روز به روز قویتر و با عظمتتر شده و در رأس اخبار جهان قرار خواهد گرفت و دو شاخه در غرب و طرف قبله خواهد زد:
- فمن ذلك ظهور ملك المشرق فيعظم أمره و يشتد في الافاق خبره و يعلو شأنه ألى ان تصعد جناحاه الي الغرب و القبلة و يكون مؤيداً منصوراً في جميع أمورہ.. (بشارة الاسلام، ص ۲۲۳)

۵- پیروزی شیعه در این «قیام و خروج» بمعنی ایجاد یک حکومت عدل و داد در



ایران نخواهد بود، چرا که اساساً بنا نبوده که جائی در جهان قبل از ظهور حکومت عدل و داد و سالمی ایجاد شود، چنین چیزی اساساً خبر داده نشده و هیچ کجا و هیچ حدیثی پیش بینی نشده، بلکه حتی برعکس، طبق روایات، متولیان امور بعد از پیروزی در این خروج و قیام، که طبق آنچه که از روایات بر می آید از علما و سادات خواهند بود، خطاها و اشتباهات بزرگی هم مرتکب خواهند شد تا آنجائیکه رفتار و کردار آنها، مردم را به فتنه انداخته و بخشی از آنها را از دین بیزار خواهد کرد، بنابر این شاید بشود گفت که مأموریت و کار آنها بعد از این خروج و قیام، نه ایجاد حکومت عدل و داد که آماده کردن مقدمات ظهور از جمله جنگیدن و آبدیده شدن و آماده شدن و آماده کردن مقدمات برای جنگهای هولناک قبل از ظهور خواهد بود، چنانچه در بعضی از احادیث به درگیر شدن آنها در جنگ طولانی نیز تصریح شده است.

۶- خروج قومی از مشرق و رایات سود خراسان پروسه‌ای است که با انقلابی در ایران شروع شده و نهایتاً به جنگی عظیم با غرب می انجامد که از شام شروع می شود و غریبها و یهود، با هدف شکست کامل ایران (بوار اهل المشرق) و با جلو انداختن دست نشاندگان عربشان (سفیانی) ایران را با بمباران (قذف) مورد تهاجم قرار می دهند،

۷- اما نهایتاً که ایران را مورد تهاجم زمینی قرار می دهند با مقاومت شدید نیروهای نظامی ایران (عساکر خراسان) روبرو می شود: و اذا تحرکت عساکر خراسان!...

۸- در ادامه پروسه‌ی خروج و انقلاب ایران، لشگر ۱۲هزار نفره‌ی امام زمان به رهبری



مردی از آل محمدص و فرماندهی شعیب ابن صالح جمع آمده و متشکل می‌شوند و همراه با لشگر خراسانی به حرکت در می‌آیند:

- عن الباقر علیه السلام قال : إن لله تعالى كنزا بالطالقان ليس بذهب ولا فضة ، اثنا عشر ألفا بخراسان شعارهم : " أحمد أحمد " يقودهم شاب من بني هاشم على بغلة شهباء ، عليه عصابة حمراء ، كأني أنظر إليه عابر الفرات ، فإذا سمعتم بذلك فسارعوا إليه ولو حبوا على الثلج<sup>۱</sup>.
- إذا قبلت خيل اليماني و الخراساني، يستبقان كأنهما فرسي رهان<sup>۲</sup>...
- إذا قبلت رايات من قبل خراسان و تطوي المنازل طياً حثيثاً و معهم نفر من اصحاب القائم..... (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷).

در این حدیث شریف تصریح می‌شود که برای جنگ با سفیانی از ایران پرچم‌های مختلف (رایات) و با تمام سرعت به حرکت در می‌آیند (مثلاً در حال حاضر می‌شود تصور کرد پرچم‌های سپاه و ارتش و بسیج) که همراه آنها تعدادی از اصحاب قائم عج هستند

- و إذا قام القائم بخراسان..... و "قام منا قائم" بجیلان! وأجابته الأبر والدیلمان. (غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۵۵).
- - و تحركت عساكر خراسان و تبع شعیب ابن صالح من بطن طالقان..... (معجم الاحادیث ج ۳، ص ۲۷)

1. منتخب الانوار المضيئه، ص 343.

2. بشارة الاسلام، ص ۷۰.



این دوازده هزار نفر لشگر طالقان، اصحاب قائم ع هستند- معهم نفر من اصحاب القائم- و با شعار احمد احمد و به رهبری قائمی از اهل بیت (ع)، به حرکت در می‌آیند و در حدیث دیگری تصریح می‌کنند که آنها هستند اصحاب قائم (هم اصحاب القائم) در این احادیث معنی «اذا قام القائم بخراسان و قام منا قائم بجیلان»، در کلام نورانی مولا امیرالمؤمنین (ع) هم روشن‌تر می‌شود.

۹- سفیانی در این نبرد سهمگین از لشگر خراسانی و لشگر یمانی شکست بزرگی را متحمل شده و نیروهایش متواری و پراکنده می‌شوند:

- و یخرج خیل السفیانی الی الکوفه بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدي فیلتقي هو و الهاشمي برایات سود علي مقدمته شعيب بن صالح فیلتقي هو اصحاب السفیانی بیاب اصطخر و تكون بینهم ملحمة عظيمة فتظهر الرايات سود و تهرب خیل السفیانی<sup>1</sup>.

- شاب من بني هاشم.... یقاتل اصحاب السفیانی فیهزمهم<sup>2</sup>.

همزمان با شکست در اصطخر، لشگر دیگر سفیانی در سرزمین بیداء با خسف نابود شده و بدینوسیله شکست نهائی نیروهای اهریمن آغاز می‌شود و خورشید عالمتاب یوسف زهرا (ع) از مکه طلوع می‌کند.

1. معجم احادیث امام مهدی ع، ج ۳، ص ۷۷

2. فتن ابن حماد، حدیث ۳۱۲.

فصل پنجم:

# خروج یمانئ



## شخصیت و خروج یمانی:

در نوشته‌های قبلی به طور مختصر به نحوه و کیفیت ظهور و همین‌طور خروج سفیانی پرداختیم در این نوشته سعی می‌شود از خلال احادیث به شخصیت و خروج یمانی پردازیم.

در احادیث پنج علامت قطعی و حتمی ذکر شده است که طی شش ماه قبل از ظهور اتفاق می‌افتد.

خروج یمانی به عنوان یکی از این پنج علامت و بلکه به لحاظ حق بودن و هادی‌الی‌الحق بودن و اهلی‌الرایات بودن، مهم‌ترین این پنج علامت ذکر شده می‌باشد. در زیر بعضی احادیث یمانی ذکر می‌شود:

۱- سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: خمس علامات قبل قيام القائم: الصيحة، والسفياني، والخسف، وقتل النفس الزكية، واليماني.<sup>1</sup>

۲- عن أبي عبد الله عليه السلام: للقائم خمس علامات: السفياني واليماني والصيحة من السماء وقتل النفس الزكية، والخسف بالبيداء.<sup>2</sup>

---

1. الكافي: 310/8.

2. النعماني، 252.



۳- خروج الثلاثة الخراساني والسفياني واليماني في سنة واحدة في شهر واحد في يوم

واحد، فليس فيها راية بأهدى من راية اليماني، تهدي إلى الحق.<sup>1</sup>

۴- عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: النداء من المحتوم،

والسفياني من المحتوم، واليماني من المحتوم، وقتل النفس الزكية من المحتوم، وكف

يطلع من السماء من المحتوم، قال وفرعة في شهر رمضان توقظ النائم وتفزع اليقظان

وتخرج الفتاة من خدرها).<sup>2</sup>

۵- وليس في الرايات أهدى من راية اليماني، هي راية هدى لأنه يدعو إلى صاحبكم،

فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكلّ مسلم، وإذا خرج اليماني فانهض

إليه، فإنّ رايته راية هدى، ولا يحلّ لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل فهو من أهل النار؛

لأنه يدعو إلى الحق والى طريق مستقيم). (غيبت نعماني، ص 264 و بحار ۵۲، ص ۲۳۲)

امام باقر(ع) فرمود: خروج سه نفر خراساني و سفياني و يماني در يك سال و ماه و

روز واحد است ... و در پرچمها پرچمی هدایت یافته تر از پرچم يمانی نیست و آن

پرچم هدایت است. چون که شما را به صاحب تان دعوت مي کند، و اگر يمانی خروج

کرد فروختن اسلحه حرام می شود. و اگر يمانی خروج کرد، بپاخيز به سوي او. که

همانا پرچمش پرچم هدایت است. و جایز نیست مسلمانان از او سرپیچی کنند، و اگر

کسی مرتکب چنین عملي شود از اهل جهنم می باشد. زیرا که او دعوت به حق و

هدایت به راه راست می کند.

1. الإرشاد، 360.

2 النعماني، 252.



ملاحظه می‌شود که این احادیث در کتب معتبره مثل کافی و نعمانی آمده و در

حدیث پنجم به چند نکته بسیار مهم تأکید شده است:

- ۱- رایة یمانیه اهدی الرايات است یعنی کاملاً هدایت شده است.
  - ۲- پرچم او، پرچم هدایت است.
  - ۳- او به صاحب‌تان - یعنی حضرت مهدی (عج) - دعوت می‌کند.
  - ۴- به سویی او بشتابید و به او ملحق شوید «فانهض الیه».
  - ۵- وقتی او خروج کرد، فروش سلاح حرام می‌شود.
  - ۶- «انه يدعوا» او دعوت خواهد کرد.
  - ۷- از او سرپیچی نکنید و با او مخالفت نکنید وگرنه اهل آتش‌اید: ولا یحلُّ لمسلمٍ ان یتوئى علیه، فمن فعل فهو من اهل النار.
  - ۸- او هدایتگر به سویی حق است.
  - ۹- او دعوت می‌کند به صراط مستقیم.
- این مشخصات نشان دهنده اهمیت و بزرگی امر یمانیه می‌باشد چند نکته در حدیث فوق:

۱- در یک حدیث کوتاه سه بار تأکید شده که رایة او رایة هدیه می‌باشد.

۲- تصریح شده که: يدعوا إلى الحق والی طریق مستقیم که اشاره به آیات زیر

از کلام الله می‌باشد:

• یهدی به الله من اتبع رضونته سبیل السلام و یخرجهم من الظلمت إلى





التَّوْرِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.<sup>1</sup>

• وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.<sup>2</sup>

نظر علامه طباطبائی در المیزان این است که "یهدی الی الحق" از مختصات و مشخصات حجج الهی می باشد.

و این نشانگر بزرگی و اهمیّت امر ایمانی می باشد و اگر در اهمیّت دعوت ایمانی فقط همین فقره بود همانا کافی بود.

۳- این فراز از حدیث که می فرماید «یدعوا الی صاحبکم» وقتی روشن می شود که به حدیث دیگری توجه کنیم که فرمودند: قبل از ظهور دوازده سید خروج می کنند که مردم را به سوی خودشان دعوت می کنند:

• عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا يخرج القائم حتّى يخرج قبله اثنا

عشر من بني هاشم كلّهم يدعوا الی نفسه».<sup>3</sup>

این که فرموده به سوی خویش دعوت می کنند، یعنی به عنوان مرجع و رئیس دینی وارد میدان شده و مردم را به طرف خودش دعوت می کند. می گوید پیرامون من گرد هم آید تا به مطلوب سیاسی برسیم.<sup>4</sup>

1. مایده / ۱۶.

2. یونس / ۲۵.

3. ارشاد المفید 2: 372، غیبه الطوسی، 437.

4. که اگر تفحص کنیم امروزه در سه کشور شیعه ایران و عراق و لبنان این تعداد سید را که در رأس امور و حرکت های سیاسی قرار دارند خواهیم یافت.



اما محور دعوت یمانی نه امور عادی سیاسی بلکه دعوت صریح برای یاری و آمادگی برای قیام و ظهور امام زمان(عج) خواهد بود، و صریحاً اعلام خواهد کرد که برای ظهور صاحب‌الزمان(عج) جمع شوید و آماده شوید و مشغول جمع‌آوری افراد برای خروج امام زمان خواهد شد. لذا فرمود: انه يدعو الي صاحبکم.

۴- از کلمه «یدعوا» معلوم می‌شود که مردم را دعوت علنی خواهد کرد و دعوتش به عنوان یمانی همه‌جا شایع و مطرح خواهد شد.

۵- «فروش سلاح حرام می‌شود» اشاره است به این حدیث که: از امام(ع) سوال شد با توجه به حاکمیت باطل آیا خرید و فروش شمشیر و سلاح جائز است؟ زیرا ممکن است حکومت بخرد. که فرمودند: تا خروج یمانی اشکالی ندارد، اما وقتی خروج کرد شاید اسلحه علیه او استفاده شود بنابراین حرام می‌شود.

اما سوال این جاست که: با توجه به اهمیت عظیم و فوق‌العاده امر یمانی، او را چگونه پیدا کنیم و تشخیص دهیم و شناخت پیدا کنیم؟

### یمانی کیست؟

ولیس فی الرايات أهدى من رایة الیمانی، هی رایة هدی لأَنه يدعو إلى صاحبکم، فإذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس وکلّ مسلم، وإذا خرج الیمانی فانھض إلیه، فإنّ رایته رایة هدی، ولا یحلّ لمسلم أن یتوی علیہ، فمن فعل فهو من أهل النار؛ لأَنه يدعو إلى الحقّ والی طریق مستقیم). (غیبت نعمانی ص 264 و بحار ۵۲ ص ۲۳۲)

در قسمت اول این نوشته به نکاتی از حدیث فوق اشاره شد،<sup>1</sup> با توجه به این که این

---

1. توصیه می‌شود که قسمت اول مقاله یک‌بار دیگر و با دقت مطالعه شود تا مطالب این قسمت بهتر مفهوم شود.



حدیث صحیح‌ترین و مفصل‌ترین و در نتیجه مهم‌ترین حدیث در مورد خروج یمان است، در این بخش و بخش بعدی چند فقره از این کلام نورانی امام باقر(ع) را مورد دقت و بررسی قرار می‌دهیم.

### دوره دعوت یمانی:

۱- «أَنَّهُ يَدْعُوا» «إِلَى صَاحِبِكُمْ»

در این فقره دو نکته مهم وجود دارد: الف: کلمه «یدعو»

این کلمه نشان می‌دهد که یمانی قبل از خروجش یک دوره دعوت خواهد داشت. و لذا اوست که با سر دادن ندای "انا الیمانی" خودش را به مردم معرفی خواهد کرد و مردم را برای پیوستن به لشکر قائم(ع) دعوت خواهد کرد.

اما سوال این جاست: چرا دعوت؟ و چه نیازی به دوره دعوت؟ و این دوره چه مدتی طول خواهد کشید؟

جوابی که در این رابطه به نظر می‌رسد این است که: با توجه به مضمون احادیث، سفیانی برآورد نیروهای نظامی غرب و یهود و اعراب ضد شیعه است و لذا طبق تصریح احادیث لشکری است عظیم، سیل آسا و جرار؛

خراسانی نیز طبق آنچه که از احادیث دریافت می‌شود در رأس قوا و قدرت نظامی کشور بزرگی مثل ایران خواهد بود و در نتیجه دارای عده و عده و نیروی بزرگی خواهد بود و با این نیرو با سفیانی جهت دفاع از کشور روبرو خواهد شد؛

اما یمانی، چنانچه از احادیث برمی‌آید از پیش دارای هیچ مقام و قدرت و عده و عده‌ای نخواهد بود و مردم را نه برای دفاع از کشوری یا حکومتی خاص، بلکه مردم



را صرفاً برای پیوستن به لشکر امام زمان فراخواهد خواند که این را در ادامه در توضیح «یدعو الی صاحبکم» بیشتر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در نتیجه یمانی برای جمع‌آوری نیرو و نفر جهت خروج احتیاج به یک دوره دعوت دارد، دوره‌ای که چندان کوتاه هم نمی‌تواند باشد. چرا که برای جمع‌آوری و سازماندهی حداقل چند هزار نیرو و انسان مومن و مخلص و فداکار و جهادگر و هدایت یافته که آماده جنگیدن و جانفشانی برای صاحبشان، حضرت صاحب الامر والعصر والزمان(عج) باشند، کار چندان ساده‌ای نیست که بشود در طی چند روز یا چند ماه ممکن باشد، در حدیثی فرمودند همانطور که سیزده سال طول کشید تا پیامبر لشکرش را برای جهاد آماده کند، آخرالزمان نیز اینچنین خواهد بود، خروجه کخروج رسول الله(ص) و لذا قبل از خروج نیاز به یک دوره نسبتاً طولانی دعوت دارد، دوره‌ای که می‌توان دوره ظهور یمانی قبل از خروجش نام نهاد و در این دوره دعوت است که «ولا یحلُّ لمسلمٍ أن یتوی علیہ، فمن فعل فهو من أهل النار» که به موقع این فقره از حدیث شریف را مورد دقت و بررسی قرار خواهیم داد.

و چون پرچمش، پرچم هدایت است و هرگونه درگیری با او موجب عذاب و آتش است، پس لازم و واجب است که برای اتمام حجت در این دوره دعوت خود را صریحاً به عنوان یمانی معرفی کرده و بگوید که من یمانی هستم و برای قیام و خروج علیه سفیانی به سوی من آید، به من ملحق شوید و آماده قیام و آماده‌سازی مقدمات ظهور حضرت امام زمان(عج) شوید.



## دوره دعوت سفیانی کی و چگونه خواهد بود؟

باید توجه کرد که سه نیروی سفیانی و خراسانی و یمانی خلق الساعه نخواهند بود که مثلاً يك دفعه از آسمان نازل شوند، بلکه يك پروسه و دوره مقدماتی برای شکل‌گیری‌شان لازم خواهد بود.

و از آن‌جایی‌که در روایات تصریح شده است که خروج سفیانی و خراسانی و یمانی هم‌زمان خواهد بود، بنابراین می‌شود نتیجه گرفت که هم‌زمان با آشکار شدن مقدمات پروسه شکل‌گیری لشکر سفیانی و لشکر خراسانی، (مقدماتی که در روایات برای خروج سفیانی ذکر شده شاید چندین سال طول بکشد از قبیل کشته شدن خلیفه ضد شیعه در بغداد، اشغال عراق و کشتار گسترده در آن‌جا، انقلابات در سرزمین‌های عربی، انقلاب در مصر و یمن، به هم ریختن و شورش‌های گسترده و جنگ در شام و... که در روایات به عنوان مقدمه خروج سفیانی ذکر شده و در مقاله: سفیانی کیست؟ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد).

هم‌زمان با آشکار شدن این علایم علی‌القاعده باید پروسه شکل‌گیری لشکر یمانی و دوره دعوت یمانی نیز به طور علنی شروع شود و به گوش همه برسد، تا نیروهای پاک مخلص به سوی او هدایت شوند و مشغول سازماندهی و آماده کردن لشکر یمانی شوند، که خود این امر مستلزم يك دوره نسبتاً طولانی می‌باشد و منتظران هم علی‌القاعده در این دوره باید دنبال یمانی و دعوتش بگردند. وگرنه جای خالی آن و نبودن چنین دعوتی در آن دوران جای سوال خواهد بود.



## چگونگی دعوت یمانی:

چنانچه قبلاً هم اشاره شد، از آنجایی که طبق حدیث صحیح، یمانی پرچم هدایت است و دعوتش صریحاً برای ظهور حضرت امام زمان (عج) می باشد - یدعوا الی صاحبکم - و مخالفت و درگیری با آن موجب آتش است بنابراین و علی القاعده باید دعوتش صریح و علنی باشد و خودش را صریح و بی پرده به عنوان یمانی معرفی کند تا برای کسانی که با او مخالفت می کنند اتمام حجت شود و فردای قیامت که به سوی آتش کشیده می شوند نگویند که ما نمی دانستیم و او نگفته بود که من یمانی هستم وگرنه «ولا یحلّ لمسلم أن یلتوی علیه، فمن فعل فهو من أهل النار» صحیح نخواهد بود، چرا که به اصطلاح عقاب قبل از بیان صحیح نیست.

### ۲- یدعوا «الی صاحبکم»

این فقره از حدیث وقتی روشن تر می شود که توجه کنیم به این که دو حرکت هم زمان یمانی، یعنی سفیانی و خراسانی، در ابتدای امر چندان توجهی به مسئله ظهور امام زمان (عج) ندارند.

چرا که سفیانی طبق روایات در ابتدا هدفش سرکوبی شیعه و مشخصاً ایران می باشد و حتی وجود حضرت را قبول ندارد و خودش هم احتمالاً نمی داند همان سفیانی مذکور می باشد، و تمام نقشه اش متوجه شکست و نابودی شیعه و ایران است.

خراسانی نیز در رأس و رهبری کشور و نیروهای نظامی ایران بوده و جهت دفاع از کشور که مورد تهاجم نیروهای غرب و سفیانی قرار گرفته و تا اصطخر پیشروی کرده اند، با او وارد جنگ می شود و در ادامه جنگ متوجه ظهور شده و در عراق به



لشکر حضرت می پیوندد و حتی در آن موقع هم دلیل و حجت می خواهد تا لشکرش باور کنند که او مهدی (عج) می باشد، لذا در غیبت نعمانی آمده که: اذا اقبلت رایات من قبل الخراسان، و تطویء المنازل طیا حثیثا و معهم نفر من اصحاب القائم.<sup>۱</sup> یعنی فقط تعدادی از لشکر خراسانی از اصحاب حضرت میباشند، بقیه برای دفاع از کشورشان است که وارد جنگ شده اند.

اما یمانی از همان ابتدا و آگاهانه، یگانه هدفش جمع کردن نیرو برای قیام و ظهور می باشد و دعوتش را هم با همین عنوان آشکار کرده و نیرو جمع می کند، و از احادیث بر میآید که او حضرت را ملاقات کرده و مستقیما با دستور حضرت کار می کند، چنانچه نظر آقای کورانی در کتاب عصر ظهور هم این است که یمانی وزیر امام زمان بوده و مستقیما از ایشان دستور می گیرد. و نیروهایی که به او لیبیک می گویند برای پیوستن به لشکر امام زمان به طرف او می روند، نیروهای پاک و مخلص و با ایمان محکم که از همان اول به نیت ظهور، به دعوت او لیبیک گویند و لذاست که:

ولیس فی الرایات أهدی من رایة الیمانی، هی رایة هدی، لأنّه یدعوا إلی صاحبکم.

و شاید بتوان گفت و می توان گفت که هرگاه یمانی و دعوت یمانی ظهور کند، به نوعی ظهور شروع شده است. یا باصطلاح ظهور صغری محقق شده و حضرت برای یمانی ظهور کرده است.

### مقام بلند و بالا و ویژه یمانی در احادیث:

پرچم یمانی بین این پرچم ها حالت استثنایی و ویژه ای دارد که غیر از یمانی هیچ کدام

1. غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷.



از این ویژگی برخوردار نیستند. بالاترین این ویژگی‌ها، ویژگی دعوت و هدایت است، ویژگی هدایت به راه مستقیم در قرآن در وهله اول به خداوند نسبت داده شده است:

- وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. انعام / ۸۷.
- وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.<sup>1</sup>  
و در وهله دوم به رسول خدا(ص) نسبت داده شده است.
- وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. شوری / ۵۲.  
و در وهله سوم به ائمه اطهار(ع) که هادین و مهدیین هستند:
- وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ.<sup>2</sup>  
می بینیم که صفتی که مخصوص خدا و رسولش و ائمه اطهار(ع) می باشد، در یک حدیث صحیح، به یمانی نیز داده می شود،  
و ویژگی دیگر او دعوت به جهاد ابتدائی است که بازهم به انبیا و ائمه (ع) اختصاص دارد یا کسی که از آن‌ها اذن داشته باشد.

• عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَحْبِبُّنِي عَنِ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ أَمْ هُوَ لِقَوْمٍ لَا يَجِلُّ إِلَّا لَهُمْ وَ لَا يَقُومُ بِهِ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ هُوَ مُبَاحٌ لِكُلِّ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ تَعَالَى وَ آمَنَ بِرَسُولِهِ ص وَ مَنْ كَانَ كَذَا فَلَهُ أَنْ يَدْعُوَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى طَاعَتِهِ وَ أَنْ يُجَاهِدَ فِي

1. یونس / ۲۵.

2. سجده / ۲۴.





سَبِيلَ اللَّهِ تَعَالَى؟ - فَقَالَ ذَلِكَ لِقَوْمٍ لَا يَحِلُّ إِلَّا لَهُمْ وَلَا يَقُومُ بِذَلِكَ إِلَّا

مَنْ كَانَ مِنْهُمْ. (تهذيب الأحكام، ج: 6 ص: 127)

در کتاب معتبر غیبت نعمانی که قدیمی ترین کتاب در این باب و هم زمان با اصول کافی بوده و به وسیله کاتب شیخ کلینی معروف به کاتب نعمانی و با همان شیوه و اسلوب کافی به رشته تحریر درآمده و معتبرترین کتاب در باب غیبت و ظهور می باشد، از یمانی سه بار به عنوان داعی به حق هادی الی الحق و اهدی الی الایات یاد می کند:\*

عن ابي جعفر الباقر(ع):

... وليس في الرايات أهدى من راية اليماني

هي راية هدى لأنه يدعو إلى صاحبكم...

وإذا خرج اليماني فانهض إليه،

فإن رايته راية هدى،

ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه، فمن فعل فهو من أهل النار،

لأنه يدعو إلى الحق والى طريق مستقيم. (غیبت نعمانی ص 264 و بحار ۵۲ ص ۲۳۲)

ملاحظه می شود که با تأکیدات زیاد روی هدایت یافته و هدایتگر بودن یمانی، به صراحت دستور می دهند که به سویی او بشتاب و به او ملحق شو، فانهض الیه. و نهایتاً از درگیری با او منع می شود و این یعنی این که با او درگیر خواهند شد و اضافه می شود که هر کس با او مخالفت کند و درگیر شود، اهل آتش است (حتی اگر مسلمان و اهل نماز و حتی به ظاهر از منتظران باشد)



این توصیفات و امتیازات بسیار خاص و ویژه از طرف ائمه اطهار (ع) بعید است که به یک فرد معمولی داده شود.

در کتاب عصر ظهور و در کتاب «المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدي (عج)» آقای کورانی در رابطه با یمانی این مطالب را آورده است:

• هنا سوال عن سبب كون رایة الیمانی اهدي رایة؟...

والمرجح عندنا في الجواب: ان ثورة الیمانی تحضي بشرف التوجيه المباشر من الامام المهدي (عج) فالیمانی سفیره الخاص يتشرف بلقائه و يأخذ توجيهه منه.<sup>1</sup>

مضمون این فقره: چرا پرچم یمانی هدایت یافته‌ترین پرچم است؟

ترجیحاً به این دلیل که یمانی از راهنمایی مستقیم حضرت مهدی (عج) برخوردار بوده و به ملاقاتش می‌رسد و سفیر خاص حضرت است.

این مقام والا و ویژه یمانی موعود از زبان ائمه (ع) و از نظر افراد صاحب نظر در این موضوع می‌باشد.

می‌توان گفت که علائم ظهور مقدمات ظهور می‌باشند که زمینه‌های ظهور طی آنها آماده می‌شوند.

با توجه به احادیث اهل بیت (ع) و علائم محقق شده و حوادث روز، می‌توان گفت که ظهور در پنج مرحله تحقق می‌یابد، ان شاء الله در جلد بعدی به این پنج مرحله خواهیم پرداخت.

ضمائم



# ضمیمه اول

**شرایط لازم جهت درک علایم ظهور**



## آیا برای درک و فهم «ظهور و علایم ظهور» شرایطی هم لازم است؟

- جواب این سؤال بستگی به این دارد که از «ظهور» چه تصویری داریم!  
- اگر کسی امر ظهور را به عنوان امری ساده و پیش پا افتاده در نظر بگیرد، طبعاً احادیث و علایم ظهور را هم اموری ساده و غیرقابل اهمیت تلقی می‌کند و به سادگی از کنارش می‌گذرد و نه تنها شرایطی برای فهم معانی و مضمون احادیث و علایم ظهور قایل نخواهد بود بلکه حتی آن‌را به عنوان امری که ارزش وقت صرف کردن داشته باشد و یا قابل پرداختن به آن باشد نخواهد پذیرفت و شاید یکی از علل متروک ماندن و به کنار نهاده شدن احادیث و علایم ظهور از جانب خیلی‌ها همین امر باشد؛ امر تأسف بار و غم‌انگیزی که نشان دهنده غربت حضرت ارواحنا له الفداء حتی در میان شیعه می‌باشد، تا آن‌جاکه این امر، سید ابن طاووس را وامی‌دارد تا به پسرش بگوید که:

«پسرم اگر شیعه به اندازه مرغ خانگی‌اش به حضرت علاقه و دلبستگی داشت هر آینه به ملاقاتش نایل می‌شد».

و یا برعکس، اگر امر ظهور را به قدری غیبی و آسمانی بیندازد که اساساً برای انسان‌ها قابل فهم و در دسترس نباشد، و پیش از لحظه ظهور هیچ کس از آن مطلع نباشد، احادیث و علایم ظهور را به کناری نهاده و به فراموشی خواهد سپرد.  
و هر دوی این نظریه ناصحیح می‌باشد چرا که اولاً نتیجه‌اش این خواهد بود که انبوه پیشگویی‌ها و علایم و احادیثی که توسط انبیاء گذشته، کتب آسمانی، حضرت رسول



ص و ائمه اطهار ع بیان شده، عبث و بی‌فایده انگاشته شود، که طبعاً معلوم است که تصویری غلط و نادرست می‌باشد و از آن‌ها هیچ امر عبثی، هرگز صادر نمی‌شود. ثانیاً این نظریات نتیجه‌ای جز کنار گذاشتن انتظار حقیقی و پرداختن و غرق شدن در زندگی روزمره از نکاح و زواج و اکل و شرب و نهایتاً قساوت قلب و دل‌مردگی نخواهد داشت.

وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ  
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فُسِقُونَ. سوره جدید / 16.

- «اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس خبر ندارد؛ ... مبادا او ناگهان بیاید و شما را در خواب ببیند. آن‌چه را به شما می‌گویم، به همه می‌گویم: (انجیل مرقس، 13:32) بیدار باشید».

### ظهور بزرگترین تحول تاریخ بشر!

از آن‌جایی که ظهور بزرگ‌ترین، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین تحول کل تاریخ بشر می‌باشد، به طوری که هم عرض قیامت و قیامت صغری و یکی از معدود مصادیق ایام الله می‌باشد، ... وَذَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ. ابراهیم / 5. که طی آن از شیطان و اعوان و انصار آن خلع ید شده و زمین از حاکمیت پر از کفر و الحاد و فساد و فسق و فجور آنها پاک شده و به وراثت عباد صالح رحمان به رهبریت حضرت حجه‌ابن‌الحسن‌العسگری ارواحنا له الفداء درخواهد آمد و از ظلم و جور و فساد رها شده و زمینی درخشان به نور پروردگار و پر از عدل و داد و رفاه و آسایش و صحت و سلامت و صلح و صفا و آرامش شده و در یک کلام زمینی بهشت‌گونه خواهد شد.



طبعاً فهم و درک حادثه‌ای به این بزرگی و با این شکوه و عظمت و پی بردن به معنی و مفاهیم احادیث و علایم ظهور نیز مقدمات و شرایطی را می‌طلبد.

برای درک مفهوم و معانی احادیث و علایم ظهور شرایطی لازم است که به بعضی از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

#### ۱- رسیدن زمان تحقق علایم

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ. یونس/39.

تا زمان علایم نرسد و تأویل عملی آن مشاهده نشود، احاطه به معنی کامل اکثر آن‌ها و درک کامل‌شان ممکن نخواهد بود.

جالب است که به این موضوع، یعنی صعب و مشکل بودن فهم علایم ظهور، در آخر کتاب دانیال نبی که از حوادث آخرالزمان صحبت می‌کند به نحو زیبایی اشاره شده است:

اما تو ای دانیال این پیشگویی را مثل یک راز نگهدار، آن‌را مهر کن تا وقتی که زمان آخر فرا رسد... و من شنیدم اما درک نکردم! پس گفتم: «ای آقایم آخر این امور چه خواهد بود؟» او جواب داد که «ای دانیال برو زیرا آن‌چه گفتم مهر خواهد شد و مخفی خواهد ماند تا زمان آخر فرا رسد (یعنی تا آن زمان قابل درک نخواهد بود) بسیاری طاهر و مصفی خواهند گردید و شیرین شرارت خواهند ورزید و هیچ کدام از شیرین نخواهند فهمید لیکن حکیمان خواهند فهمید. خوشا به حال آن‌که انتظار



آری این علایم بیشترشان اسرار سر به مهراند و تا زمانش نرسد قابل فهم و درک نخواهند بود. لذا شاید بتوان گفت قابل فهم بودن این علایم خود دلیل بر رسیدن زمانشان هم خواهد بود. به عبارت دیگر خود حوادث و وقایع آخرالزمان بهترین کمک برای روشن شدن محتوی این پیشگوییها خواهد بود. چنانچه در حدیثی پیامبر ص نیز روشن شدن معنی یک آیه از قرآن را منوط به آمدن زمانش فرموده و می‌فرماید هنوز تأویلش نیامده است:

«تلا رسول الله صلى الله عليه وسلم هذه الآية قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا من فوقكم أو من تحت أرجلكم فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم أما إنها كائنة ولم يأتي تأويلها بعد».

۲- عارف به زمان خویش و فرزند زمان خویش بودن

از آنجایی که ظهور در ظرف زمان و پس از فراهم شدن شرایط و مقدمات گسترده و مهم آن در زمان معین اتفاق خواهد افتاد، و از آنجایی که احادیث و علایم ظهور به طور مشخص به حوادث و اتفاقاتی در آن زمان خاص اشاره دارند، آن هم اکثراً اشاره‌ای راز و رمزآلود، بدون آشنایی بالا و کامل و هوشیارانه با زمان، و حوادث و اتفاقات و پیشرفت‌های زمان خویش، از قافله زمان عقب مانده، از سیل خروشان تاریخ بشریت که به سوی ظهور روان است کنار گذاشته شده و به مثابه‌ی فردی عقب مانده از درک روح حوادث و اتفاقات زمان عاجز بوده و حتی با فرض خواندن همه احادیث ظهور، از درک معانی آنها و تشخیص و شناخت علایم اتفاق افتاده در خارج و عالم واقع، در زمان خودش عاجز خواهیم بود. و بنابراین بی‌خود و بی‌جهت نیست که عده زیادی از منتظران در زمان ظهور نه تنها حضرت را نشناخته و تشخیص





نخواهند داد بلکه با حضرتش وارد جنگ هم خواهند شد! چرا که غیر از علل مهم دیگر، اساساً با خیل عظیم علایم ظاهر شده قبل از ظهور اساساً آشنایی نداشته و آن‌ها را تشخیص نخواهند داد! علایمی که بدون آن‌ها ظهور نخواهد شد!

- (إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَ خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ 1)
- يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوْنَ حَدِيثَنَا وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ 2)

۳- سیاسی بودن و آشنایی با سیاست و بصیرت و قدرت تحلیل سیاسی داشتن از آن جایی که خود ظهور مسئله‌ای سیاسی بوده و بلکه بزرگ‌ترین پدیده سیاسی همه زمان‌ها است، که طی آن همه حاکمیت‌های سیاسی موجود در جهان ساقط خواهد شد، و حاکمیت و سیاستی کاملاً دگرگونه به منصف ظهور رسیده و در پهنه گیتی حاکم خواهد شد. و از آن جایی که اکثر احادیث و علایم ظهور به پدیده‌ها و علایم بزرگ سیاسی در آستانه ظهور اشارت دارند، اساساً بدون داشتن بینش سیاسی محکم درک آن‌ها امری نزدیک به محال خواهد بود. چرا که یک فرد غیرسیاسی یا بدون بینش سیاسی، که فردی ایزوله از زمان و فرورفته در عالم کوچک فردی خویش است، چگونه خواهد توانست معنی و مفهوم ظهور را درک کند؟ در حالی که ظهور، همان‌طور که گفته شد، بزرگ‌ترین حادثه سیاسی همه دوران‌هاست و یا چگونه معنی علایم ظهور مثل دجال و سفیانی و... خواهد فهمید؟ در حالی که این علایم به پیچیده‌ترین و بغرنج‌ترین پدیده‌ها و حوادث سیاسی زمان ظهور اشاره دارند و حتی شرط اول نیز یعنی

---

1. غیبت نعمانی، ص ۳۱۷

2. غیبت نعمانی، ص ۲۶۴



عارف به زمان خویش بودن، به معنی عارف به باغ و باغچه خیابان و کوچه زمان خویش بودن نیست؛ بلکه در درجه اول آشنایی با حاکمیت‌ها و سیاست‌ها و حوادث سیاسی زمان خویش است؛ این‌که چه کسانی و چه نیروهایی گردانندگان جهان ما هستند و چه اهداف باطلی را دنبال می‌کنند؟ لذا در این شرایط است که می‌بینیم بخش بزرگی از علمای بزرگ شیعه، بر خلاف علمای دیگر مذاهب، در طول تاریخ در متن حوادث سیاسی زمان حضور داشته و در آن‌ها اثرگذار بوده و با نیروهای استعماری و اهریمنی چنگ به چنگ می‌شدند.

بی‌جهت نیست که در زیارت عظیم و مهم جامعه کبیره که طی آن به بزرگ‌ترین ویژگی‌ها و مشخصات ائمه اطهار و اهل بیت ع اشاره کرده و با آن‌ها به حضور مقدس‌شان عرض ادب و سلام می‌کنیم، از جمله اولین مشخصات‌شان که ذکر می‌شود ساسةالعباد است! السلام علیکم یا... ساسةالعباد! درود بر شما ای سیاستمداران و سیاست‌گزاران صالح و واقعی برای انسان‌ها و بندگان خدا، که جز شما و خط شما، بقیه سیاست‌گزاران شیطان و غیرصالح و بی‌صلاحیت و در نتیجه چه بخواهند و چه نخواهند بر علیه مصالح و منافع واقعی اکثریت قریب به اتفاق انسانها و بندگان خدا هستند!

و طبیعی است که بدون شناخت زمان، و بینش عمیق سیاسی، از احادیث ظهور سر درنخواهیم آورد!

به طور مثال از احادیث «دجال» که بزرگ‌ترین پدیده تاریخ و بزرگ‌ترین علامت ظهور هم هست، چیزی جز يك آدم عقب‌مانده و عجیب يك چشم سوار بر يك خر عجیب تر بیست متری که در کوچه‌ها خرما پخش می‌کند، چیزی نفهمیده و نتیجه‌ای عایدمان نخواهد شد! و طبیعی است که چنین پدیده‌ای اگر هم وجود داشته باشد و



پدیدار شود به درد باغ وحش می خورد نه بزرگ ترین علامت ظهور و بزرگترین پدیده تاریخ بشر!

و یا از احادیث سفیانی، جز يك آدم خبیث اموي از فرزندان ابوسفیان، که سر از قبر برداشته، علم به دست، و عده‌اي از افراد قبیله کلب هم که زمان معاویه بودند به دنبالش راه افتاده‌اند، چیزی نخواهیم فهمید! و قس علیها!

۴- آشنایی با همه احادیث ظهور و احاطه علمی بر آنها

با توجه به تعداد انبوه احادیث و روایاتی که راجع به امر ظهور و علایم آن از طریق شیعه و سنی از حضرت رسول ص و ائمه اطهار ع به دست ما رسیده، بدون تسلط و مطالعه و بررسی این مجموعه کامل، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید؛ اصلی که در فهم کل دین هم صادق بوده و با آشنایی با بعضی از قسمت‌های آن نه تنها به مقصود و پیام پروردگار پی نخواهیم برد بلکه شاید مشمول « نؤمن ببض و نکفر ببعض » بشویم، و حتی خدای ناکرده به مصداق آیه شریفه: **بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ** [سوره یونس : ۳۹] حضرت را تکذیب هم بکنیم.

۵- و بالاخره اشتیاق و انتظار و آمادگی واقعی برای ظهور

این مورد از شرایط بسیار مهم فهم و شناخت علایم ظهور میباشد، چرا که با توجه به این که ظهور به معنی انهدام و به هم ریختن کامل دنیای کهنه است و بنیان کنی آن، چنانچه فرمودند



• يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمْرَ

الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا. (غیبت نعمانی، ص ۲۳۱)

بنابراین طبیعی است که هرکس که منافعش در حفظ وضع موجود باشد، لاجرم از هرکس که بخواهد آرامش و وضع موجود را دگرگون کند، گریزان می‌شود و خواهانش نخواهد بود. پس اصحاب آلاف و آلوف و جاه و مال و مقام و یا هرکس که به هر نحوی برای خودش دم و دستگاہی بپا کرده و به آن دلبسته، از انهدامگر بزرگ که یهدم ما کان قبله و یآتی بامر جدید خوش نیامده و به او به چشم کسی که آرامش زندگی‌اش را به هم خواهد ریخت، نگریسته و خواهان و منتظر آمدنش نباشد و طبیعی است که چنین کسی از علایم آمدن انهدامگر، نه تنها استقبال نخواهد کرد و آنرا نخواهد فهمید و بلکه ناخودآگاه در نفی و انکار آن‌ها کوشا خواهد بود. و وقت آمدنش هم رودر روی او ایستاده و انکارش کرده با او خواهد جنگید، اگر چه در لفظ و کلام خودش را جزو منتظران بداند. چنانچه علمای یهود وقت ظهور حضرت مسیح با مسیح کردند گرچه قبل از ظهور از همه بیشتر ادعای انتظارش را داشتند، اما وقتی دیدند جوانی سی و سه ساله آمده و با آن‌ها تند برخورد می‌کند و می‌خواهد بزرگی و دستگاہشان را به هم بریزد، ناراحت شدند و با او از در جنگ وارد شدند.

بی‌جهت نیست که امام صادق (ع) فرمودند: سیقاتکم و تقاتلونه و سیقتکم!

ضمیمه دوم

**بشارت ظهور در دیگر ادیان و کتب  
آسمانی**



آمدن منجی آخرالزمان در تمام ادیان مذکور است و چون علائم ظهور منجی از طرف خداوند به انبیاء الهی داده شد و لذا تقریباً در تمام ادیان نیز مشابه هممی باشند، از جمله در تورات و انجیل و اوستا.

این وعده خداوند خطاب به داوود نبی (ع) در زبور اینچنین آمده است:

• در انتظار خدایت بمان و در طریق او ثابت قدم بمان تا آن که تو را برای به ارث بردن زمین رفعت بخشد، همان گونه که شریان منقرض شوند و تو شاهد خواهی بود...

مرد کمال یافته را در زیر نظر بگیر و در انسان مستقیم نگاه کن تا آن گاه که سرانجام سلامتی را بیابد.

زین سو شریان همه با هم به هلاک پیش می‌تازند تا در نهایت هلاک را دریابند و زان سو صدیقان را از سوی خدا نجات است، که در تنگنا که بیفتند او را پناه گاه گیرند و یاری‌گر ایشان اوست و سرانجام می‌رهاندشان و از شر شریان فارغ می‌شوند، زیرا که به او متوکل اند.<sup>1</sup>

و در کتاب اشعیا نبی (ع) اینچنین آمده است:

• ... تا آن که روح از اعلی علیین بر ما سرازیر شود و بیابانها بوستان شود و در بوستانها درختان انبوه گردد.

---

1. عهد عتیق، بازنویسی ترجمه اثر مهدی رفیعی، مزامیر، باب 37، آیه 34 به بعد.



- آن‌گاه انصاف، در بیابان سکنی گزیند و عدالت در بوستان مقیم گردد؛ و انصاف، سلامت را ثمر دهد و عدالت، طمأنینه به بار آورد؛ تا ابدالآباد.<sup>1</sup> و در بخش دیگری از کتبا اشعیاء نبی(ع) چنین آمده است:

- کویر برهوت شادمان خواهد شد

و صحرا همچون گل سرخ، می شکفتد

و بیابان خشک، ترنم شادی سر خواهد داد....

آن‌ها جلال و شکوه خدای ما را مشاهده خواهند کرد

و شما دست‌های سست را و زانوهای لرزان را قوی سازید

و به دل‌های وحشت‌زده بگویید:

«قوی باش و مترس! اینک خدا با انتقام می‌آید!

او با مجازات سر می‌رسد و شما را نجات خواهد داد»

آن‌گاه چشم‌های نابینا بینا و گوش‌های ناشنوا شنوا خواهد شد

آن‌گاه لنگان هم چون غزال، جست و خیز خواهند نمود

و گنگان خواهند سُرایید

زیرا آب‌ها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید

سراب، برکه می‌شود و تشنه‌گاه‌ها، چشمه‌ساران خواهند شد

و در منزلگاه شغالان، علف و بوریا خواهد رُست

و در آن‌جا شاهراهی پدید آید که طریق قدوسی نام یابد....

---

1. (کتاب اشعیاء نبی باب 32، آیه 15 تا 18)



و سالکانِ آن راه، اگر هم جاهل باشند، گمراه نخواهند شد

هیچ درنده در آن کمین نساخته

به عوض، ناجیان در آن آمد و شد خواهند کرد...

و شادی و خرمی را خواهند یافت

و غم و ناله فرار خواهد کرد. (کتاب اشعیاء نبی باب 35)

و در اوستا، روح عدالت خواه زمین به پیشگاه خداوند شکوه می برد که دژخیمان و ستمگران آن را زشت کرده اند، و درخواست منجی میکند که در واقع این درخواست همیشه بشریت عدالت خواه و خسته از ظلم ظالمان بوده، این درخواست کهن روح عدالت جوی زمین کهنسال بوده، این حتی در خواست فرشتگان در تعجب مانده از ظلم و سبعت بشر فریفته به فریب اهریمن بوده، این شکایت روح زمین، در آغازین بخش اوستا و در اول گاتها چنین آمده است:

• روان آفرینش و روح زمین نزد تو ای اهورامزدا گله گزار است: مرا

برای چه آفریدی؟ خشم و چپاول و تندخویی و گستاخی و دستیازی،

مرا یکسره در میان گرفته است!

مرا جز توای اهورامزدا پشت و پناه دیگری نیست!

اینک ای اهورامزدا منجی و رهاننده ای شایسته به من بنمائی، و برای

نجات من بفرست!

آن گاه آفریدگار جهان از اشه - روح راستی جهان - پرسید: ... چه

کسی را به سالاری جهان خواستاری؟ که هواخواهان دروج و خشم را

و اشه پاسخ داد:

درهم بشکنند و از کار باز دارد؟





چنان سرداری که به جهان و مردمان بیداد نمی‌ورزد، سرداری که  
 مهربان و بی‌آزار است... بی‌گمان اهورامزدا بهتر از هرکسی می‌داند  
 که در گذشته دیوان و مردمان دُرُوند چه کردند و در آینده چه  
 خواهند کرد! پس به راستی ما اهورامزدا را با دست‌های گشاده  
 می‌ستاییم و از او درخواست داریم که پارسایان و آن رهبرشان را از  
دروندان آسیبی مرساد<sup>1</sup>

... ای اهورا! کی فرا خواهد رسید زمانی که چنین راهبر و منجی‌ای با  
 دستانی نیرومند مرا یاری دهد؟

ای اهورا! آنان را از نیرو و شهریاری مینوی برخوردارکن!  
 ای اهورا! من نیز او را به عنوان برترین آفریده تو می‌شناسم!  
 ای اهورا کی حقیقت و منش نیک و شهریاری مینوی (حکومت  
آسمانی و بهشتی) به سویی ما خواهد شتافت؟

ای اهورا! حال که مارا یآوری می‌فرستی ما نیز آماده یاری رساندن به  
 شما (تو و فرستاده‌ات) هستیم!<sup>2</sup>

و خداوند اینچنین پر شور و زیبا آمدن منجی را در جای جای اوستا بشارت می‌دهد:

• ... تا آنان گیتی را نو کنند... جاودان بالنده و کامروا... در آن هنگام  
 که... سوشیانس پدیدار شود (ظهور کند) و جهان را نو کند... تباهاکار

1. این بخش از دعای اوستا، برای منجی چقدر شبیه دعای اللهم کن لولیک... ولیا و حافظا، می‌باشد!

2. اوستا: گاهان: سروده اول، یسنه هات ۲۹.



و فریفتار (سفیانی و دجال) نابود شوند... برای فز و فروغش من اورا  
با نماز بلند می‌ستایم.<sup>1</sup>

- فزی که از آن سوشیانت پیروزمند و دیگر یاران اوست بدان هنگام که گیتی را نو کنند. (زامیاد یشت کرده چهاردهم)
  - پس آن‌گاه سوشیانت‌ها برخیزند و دیگر باره جهان را پاک کنند...<sup>2</sup>
  - چون آنان فرارسند جهان به اشه (حقیقت) گراید. (یسنه هات 64)
  - بدان هنگام که سوشیانت پیک اهورا مزدا در آید... و یاران پیروزمندش بدر آیند، آنان نیک‌اندیش، نیک‌گفتار، نیک‌کردار و نیک‌دین‌اند و هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند. خشم خونین درفش نافرهمند از برابر آنان بگریزد و اشه (حقیقت) بر دروج زشت تیره بد نژاد چیره شود... اهریمن ناتوان بدکنش روی در گریز نهد.<sup>3</sup>
- آری این وعده خداوند است در جای جای اوستا به بشریت تشنه نجات و به روح عدالت جوی زمین که از ظلم و ستم و تباهی به پیشگاه پروردگار عالم شکایت برد، که آفریدگارا "ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس".
- آری اولین سوره و سروده گاهان در اوستا، ستایش پروردگار است و سپس درخواست منجی و وعده آمدن منجی مهربان و نیرومند برای برانداختن خشم و دروغ و اهریمن

1. اوستا زامیاد یشت، کرده یکم.

2. بهمن یشت بخش ۹. اوستا ج ۲ ص ۱۰۴۲.

3. زامیاد یشت کرده ۱۵.



و پاک کردن زمین و نجات انسان.

این درخواست لحظه به لحظه بشریت مظلوم در قدم قدم تاریخ بوده که با تشنگی و خستگی و با زبان حال، همیشه جویای عدالت و شرافت انسانی بوده و درخواست زندگی و امنیت و آزادی و عدالت داشته و در این راه چه قربانی‌ها که ندادند، و پیروزی‌های موقت و گذرا و شب دیحور دیگر و یأس و امید و باز حرکت و باز شکست و یأس و... و

آری این درخواست همیشه بشریت عدالت‌خواه خسته از ظلم ظالمان بوده، و این حتی سوال و خواست فرشتگان حاضر در کربلا در تعجب مانده از ظلم و سبیت بشر فریفته به فریب اهریمن بوده! که یارب! تا کی؟ و پس کی انتقام؟

و این آه شوق مولای متقیان امیر مومنان(ع) بوده در شوق دیدار منجی که: آه شوقاً  
الی رویته!

این سوال سالار شهیدان تشنه لب کربلا بوده که پرسید: یا امیرالمومنین متی یطهر الله  
الارض من الظالمین؟

و این تمنای تشنه وار صادق آل محمد(ع) بوده که: لو ادرکتہ خدمتہ طول حیاتہ!  
و این جوادالائمہ(ع) است که وقتی می‌پرسند: یا ابن رسوالله من الامام بعد الحسن؟

حضرت چشمش چون ابر بهاران اشک می‌بارد و می‌گرید - فبکی ع بکاء شدیداً!  
آری این وعده تخلف‌ناپذیر رب‌العامین بوده به بشریت و به همه انبیاء در همه طول تاریخ و به همه امت‌ها و به زبان‌های مختلف، اما وعده واحد بود که: در آخر زمان آن گاه که پروسه رشد تاریخ و فرهنگ و تجربه بشریت به کمال رسد و مشت



آسمان کوب و ضد آسمان همه مدعیان، گونه گون وا شود و رسوا شود و دیگر مدعی  
نماند که انبیاء و اوصیا و فرستادگان خدا را به قتل رساند:

آنگاه آن شهسوار عدالت و حریت! آن موعود ملل! آن منجی بشر! آن محبوب اولیاء و  
انبیاء آن که همه انبیاء و مرسلین چشم براهش بودند! آن که همه بشریت مظلوم، همیشه  
تاریخ تشنه عدالتش بودند! آن مهدی فاطمه خواهد آمد

زهی خجسته زمانی که یار بازآید  
به کام غمزدگان غمگسار بازآید

به پیش خیل خیالش کشیدم ابلق چشم  
بدان امید که آن شهسوار بازآید

اگر نه در خم چوگان او رود سر من  
ز سر نگویم و سر خود چه کار بازآید

مقیم بر سر راهش نشستهم چون گرد  
بدان هوس که بدین رهگذار بازآید

آری لحظه شماریم تا باز آید و سر بر قدم و قدمش نهیم و تا آمدنش چشم به راهیم و

منتظر!

ضمیمه سوم

**چگونه از منتظران واقعی باشیم؟**



### چگونه از منتظران واقعي باشیم؟

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عُدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ.<sup>1</sup>

در روایات آمده که در حین ظهور تعداد زیادی از منتظران، از این امر خارج خواهند شد: «سیخرج من هذا الامر من كان يري نفسه من اهله» و حتي عده‌اي نه تنها از این امر خارج خواهند شد بلکه با حضرت جنگیده و کشته و هلاک خواهند شد.

سوال این جاست که چه کنیم که از منتظران واقعي باشیم و در حین ظهور او را مدعی کذاب نپنداشته و به جنگ قائم آل محمد(ص) نرویم؟

برای پیدا کردن جوابی قانع کننده به این سوال بسیار مهم و حیاتی و حساس، چاره‌ای نداریم جز مراجعه به آیات و احادیث و کتب پیشینیان.



در آیه‌ای که در ابتدای نوشته آمد، خداوند می‌فرماید که ای مومنان از انصارالله باشید.

آن‌گاه که عیسی ابن مریم در حین ظهور گفت چه کسانی انصار من هستند به سویی خدا؟

و بنی‌اسرائیل با این‌که همه جملگی عاشقانه منتظر مسیح بودند دو دسته شدند، دسته‌ای ایمان آوردند و دسته‌ای کافر شدند.

و تعجب این‌جاست که اکثریت قاطع بزرگان و علمای بنی‌اسرائیل جزو دسته دوم بودند. (و این موضوع در سریال مریم مقدس به زیبایی تصویر کشیده شده است).

و نکته این‌جاست که خداوند در این‌ایه، منکرین را، گرچه همچنان به خدا و پیامبران و مسیح ذهنی و فرضی خویش، ایمان داشتند و تابع و پیرو علمایشان بوده و به شریعت هم سخت پای‌بند بودند و عمل می‌کردند، کافر می‌نامد.

در روایات شیعه و سنی که به حد تواتر می‌رسد تأکید شده که شما مسلمین نیز قدم به قدم و مویه‌مو، کار گذشتگان را تکرار خواهید کرد.

اما مشکل این‌جاست که این بار دور نهایی و آخر بازي است و همه منکرین هلاک خواهند شد. و کسی زنده نخواهد ماند که این بار نیز مثل یهود هزار سال دیگر بعد از ظهور مهدی، منتظر مهدی ذهنی خود بماند.

در حدیثی امام صادق (ع) فرمود: «قال الله عز وجل: لتربکن طبقاً عن طبق. ای سنناً علی سنن من کان قبلکم».

«عدم تشخیص موعود در حین ظهور و مدعی کذاب پنداشتن او»، چنان‌چه گفته شد



این سنت گذشتگان از یهود و نصارا بوده که موعود منتظر را در حین ظهور نشناخته و او را فردی کذاب و مدعی دروغین می‌پنداشتند و به همین دلیل نه تنها به او ایمان نمی‌آوردند بلکه او را تکذیب کرده و با او وارد جنگ نیز می‌شدند، کاری که با حضرت مسیح کردند، اگر چه بی‌صبرانه و عاشقانه منتظرش بودند و هنوز هم که هنوز است منتظرش هستند.

علت این امر هم در درجه اول دنیاپرستی و دور افتادن از فرهنگ و تعلیمات واقعی پیامبران و در وهله‌ی دوم نشناختن و عدم تشخیص موعود ظهور کرده بود.

آن‌ها در تصورات خود، بر خلاف توصیفات آمده در کتب و آثار، از موعود، موجودی فرازمینی و فرا انسانی می‌ساختند که باید با معجزات شگفت‌انگیز و همراه فرشتگان و باشکوه و عظمت خیره‌کننده بیاید؛ اما وقتی یکی از میان خودشان بلند می‌شد و می‌گفت منم مسیح موعود! یا منم رسول‌الله و پیامبر موعود، با تمسخر و استهزاء می‌گفتند: این عیسای ناصری را ببین چه حرف‌هایی می‌زند، گویا ما را به مسخره گرفته! و یا، این محمد یتیم عبدالمطلب را ببین، مجنون شده و چه حرف‌هایی عجیبی می‌زند و چه ادعاهای بزرگی می‌کند! انگار بین ما بزرگ نشده و گذشته‌اش را کاملاً نمی‌دانیم؟

• **إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ.**<sup>1</sup>

مرد معمولی بیش نیست که به دروغ خود را به خدا نسبت می‌دهد و ما (فریب نمی‌خوریم و) به او ایمان نمی‌آوریم.

چنانچه گفته شد برایشان تعجب‌آور و غیرقابل قبول بود که يك مردی از میان





خودشان و مثل خودشان بیاید و بگوید من مسیح موعودم، من رسول الله هستم! من همان موعودی هستم که شما در طول سالیان منتظرش بودید! یا من یمان‌ی موعودم.

- أَكَاثِرٌ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ
- وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ<sup>۱</sup>

آیا تعجب آور است برای مردم که به مردی از میان آن‌ها وحی کنیم که آن‌ها را انداز بدده...

سوال این جاست که آیا ما درباره ظهور امام زمان دچار همان ذهنیت‌ها نشده‌ایم؟ و دچار همان مشکلات پیشینیان نیستیم؟ از نظر نگارنده: چرا، ما هم دقیقاً دچار همان مسائل و مشکلات هستیم!

در سوره انبیاء، در هفت آیه اول، این موضوع را خداوند به زیبایی بیان می‌فرماید:

- قَدْ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَعْرِضُونَ (1) مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (2) لَأَهْلِيَّةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (3) قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (4) بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ (5) مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (6) وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا



وقت حسابرسی مردم نزدیک شده اما آن‌ها غافل‌اند و رویگردان (۱) هیچ ذکر و پیام جدیدی از پروردگارشان نیامد مگر این‌که مشغول لهو و لعب و زندگی پوچ روزمره‌شان بودند و خبر و پیام را سرسری گوش می‌کردند (۲) دل‌هاشان مشغول لهو و لعب بود و به هم می‌گفتند يك آدم معمولی مثل بقیه است شاید کمی هم سحر یاد گرفته ولی ما با بصیرت و آگاهی‌مان گوش را نمی‌خوریم (۳) فرستاده می‌گفت: پروردگارم می‌داند و شاهد من است در زمین و آسمان و او شنواست و داناست (۴) اما مخالفین گفتند این‌ها کابوس‌های شبانه است دروغ می‌گویند و از خود می‌بافند اگر راست می‌گویند مثل پیامبران گذشته معجزه بیاورد (۵) نسل‌ها و امت‌های قبلی هم همین برخورد را کرده و ایمان نیاوردند و هلاک‌شان کردیم حال می‌خواهی این‌ها ایمان آورند؟ (۶) قبل از تو هم مردان معمولی مثل تو فرستادیم و همین برخوردها را کردند از اهل ذکر پیرس (۷)

در این نوشته هدف همین پرسش از اهل ذکر است! پرسیدن از قرآن و اهل بیت (ع) چنان‌چه ملاحظه می‌فرمایید مشکل و درد اصلی: «فِي عَقْلَةٍ مَّعْرُضُونَ» و «اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ» و «لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ» می‌باشد و این‌که کسی واقعاً به فکر خدا و امام زمان نیست، و آن‌هایی هم که از این امر دم می‌زنند اکثراً در حد حرف و صرفاً شعر و شعار است، و کسی امر ظهور و امام زمان را جدی نمی‌گیرد و به آن به قول سید ابن طاووس اندازه مرغ خانگی‌اش توجه ندارد و اهمیتی نمی‌دهد و به قول شاعر:



یار من یوسف نیا این جا کسی یعقوب نیست

لحظه ای چشمانشان از دوریت مرطوب نیست

ای گل زیبای من از غربتت اشکی نریخت

نازنین این جا خدا هم پیششان محبوب نیست

نوبهارم در فراق هیچ کس محزون نشد

منجی انسانیت این جا شرایط جور نیست

گرچه در هر جمعه‌ای زیبا دعایت می‌کنند

این دعاها بر زبان است جنسشان مرغوب نیست

مهربانا، این جا همه مرغوب دنیا گشته‌اند

طوق‌ها بر گردن است و، هیچ کس منصور نیست



گرچه در هر صبح و شام، داد از تمناي ظهورت مي‌زنند

این تمنا بر لبان است؛ قلبشان مشروب نیست

در نتیجه این خوض و غرق شدن در دنیا و فراموشی خداوند، دل و دیده‌ها کور شده و تبدیل به موش‌های حقیر و کور دنیاپرست می‌شدند و فرستادگان را نه تنها نشناخته بلکه به تحقیر و تمسخر و آزار و اذیت آن‌ها می‌پرداختند:

• لَعْمَرُكَ أَنْ هُمْ لَفَى سَكَرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ. حجر/ ۷۲

قسم به جان تو که آن‌ها در مستی دنیا و در ضلالت و تحیر کوردلانه تلوتلو می‌خورند.

• فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ. معارج/ ۴۲

بنابراین مشکل این‌جاست که خدا را فراموش کرده‌اند و عاشق دنیا و زندگی دنیوی‌شان شده‌اند و با این دل‌های کور و حب دنیا از کجا قدر و عظمت خدا را شناسند و اولیاء و فرستادگان خدا را؟

• قُلِ اللَّهُ تَعَالَىٰ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ. انعام: ۹۱

بنابراین مشکل، نه در مبهم بودن فرستادگان، بلکه در غرق دنیا شدن و فراموش کردن خدا، و وقار و قدر و منزلت نداشتن خداوند پیش آنان بود، چنان‌چه حضرت نوح به تکذیب کنندگان نهیب می‌زند: ما لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا. نوح/ ۱۳.

• فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِءُونَ. انعام/ ۵.



آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند! ولی به زودی خبر آن چه را به باد مسخره می گرفتند، به آنان می رسد؛ (و از نتایج کار خود، آگاه می شوند).

به ویژه این که در این غفلت و مستی، یک دین مستقر و فاصله گرفته از دین حقیقی هم دارند که به آن و مبلغان آن عادت کرده اند و هیچ چیزی بر خلاف آن را قبول

نمی کنند: **وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۚ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُّسْتَقِرٌّ**. قمر/ ۳

فرستاده را تکذیب کردند و راه دل خواه خود را پیش گرفتند و هر امر مستقر را (و پیام جدید را که با آن دین مستقر همخوانی نداشت رد کردند).

• **كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرَ**. قمر/ ۹

پیش از آن ها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد.

بنابراین آلوده نشدن به دنیا و حب دنیا، حب مال، حب جاه، حب نام، حب مقام، حب شهرت از شرایط مهم یک منتظر حقیقی است، چرا که همه این ها و بروس هایی هستند که موقع ظهور عمل کرده و بصیرت را کور کرده و از کار می اندازند، واقعاً چگونه ممکن است کسی که تا خرخره توی لجن زار دنیا فرو رفته و یا گرفتار حب جاه و مقام و نام و شهرت خویش است، توفیق شناخت ظهور و شرکت در لشکر امام زمان را داشته باشد؟

اگر به یک چنین کسی خبر ظهور یا نزدیکی ظهور را بدهی، چون احساس خطر کرده و حس می کند آرامش و موقعیت شغلی و زندگی آرامش در خطر افتاده، ناخودآگاه ناراحت شده و عکس العمل منفی نشان خواهد داد.



و شاید یکی از علل این که لشکر آقا را جوان‌ها تشکیل می‌دهند همین باشد که جوان‌ها هنوز آن‌قدرها آلوده نشده‌اند و فطرت‌شان سالم‌تر و پاک‌تر است.

در این رابطه نیز آنچه در انجیل آمده، با احادیث ما هم‌خوانی دارد، و این موضوع را به زیبایی بیان می‌کند:

- چنان‌که در ایام نوح واقع شد، همان‌طور در زمان آخر نیز خواهد بود، که می‌خوردند و می‌نوشیدند و نکاح می‌کردند، تا روزی که چون نوح داخل کشتی شد، طوفان آمده همه را هلاک ساخت. و هم‌چنان‌که در ایام لوط شد که به خوردن و آشامیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت مشغول می‌بودند، تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت. بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود.

- «مراقب باشید و نگذارید دل‌های شما با پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی تیره و تار شود، چون آن روز بزرگ ناگهان فرا می‌رسد. آن روز مانند دومی بر سر هم‌هی آدمیان در سراسر دنیا خواهد افتاد. (انجیل لوقا، باب ۲۱)

اما منتظران واقعی بیدار و هوشیارند و همیشه با ورع و تقوی در انتظار آمدن و ظهور مولای‌شان هستند، و علایم و احادیث ظهور را می‌شناسند، و آن‌ها را دنبال می‌کنند، در نتیجه ظهور برای آن‌ها ناگهانی نخواهد بود و همه حوادث را از جمله پنج علامت قطعی مثل یمانی و سفیانی و نزدیکی ظهور را از پیش دانسته و باز خواهند شناخت.



• يعرفه الذین کانوا یروون احادیثنا! و یقولون انه یكون قبل ان یكون.

بله منتظران واقعی قائم آل محمد(عج) با شناخت صحیح از احادیث و علایم داده شده و با بصیرت پاک خواهند شناخت.

در انجیل هم به همین آماده و بیدار بودن، اشاره شده است:

• «پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید،

در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبدا ناگهان آمده شما

را خفته یابد. اما آنچه به شما می گویم، به همه می گویم: بیدار

(انجیل مرقس، باب ۱۳)

باشید!»

حضرت مسیح(ع) خطاب به حواریون می فرماید بیدار باشید و علائم را دنبال کنید:

• پس از درخت انجیر مثلش را فراگیرید که چون شاخه اش نازک شده،

برگ ها می آورد، می فهمید که تابستان نزدیک است. همچنین شما نیز

چون این همه را ببینید، بفهمید که - ظهور - نزدیک بلکه بر در است.<sup>1</sup>

و امام صادق نیز می فرماید آنانکه با احادیث و روایات ما در باره ظهور آشنا

هستند علائم ظهور و در نتیجه ظهور را خواهند شناخت:

• يعرفه الذین کانوا یروون احادیثنا! و یقولون انه یكون قبل ان یكون و

(غیبت نعمانی، ص 372)

یعلمون ان هم هم المحقون الصادقون.

این بود جواب مختصری به سوال، چگونه از منتظران واقعی باشیم؟ با توجه به آیات و

احادیث و کتب پیشینیان، و با آرزوی موفقیت برای همه منتظران.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس به شقائق نگران خواهد شد

این تطاول که کشید از غم هجران بلبل

تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد





خبري در راه است...

جلد اول